

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

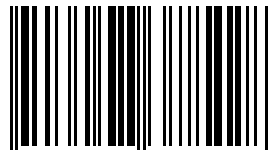
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۴/۴

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح آئین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی
- ۳) لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریای
- ۴) لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی
- ۵) لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر
- ۶) طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۷) لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۸) اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)
- ۹) اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی
- ۱۰) اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)
- ۱۱) اساسنامه شرکت‌های عمران شهر جدید رامشمار، گلپه‌هار، سهند، عالی‌شهر، مهاجران (امیرکبیر)، هشتگرد، پرند، پردیس، اندیشه، بینالود، رامین، صدر، علوی، فولادشهر، مجلسی، بهارستان و تیس

طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

آقای عزیززاده - بسم الله الرحمن الرحيم. «طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی»^۱ قرار شد که در مورد موضوع ایراد بار مالی این مصوبه، اولاً مشخص کنیم که چه قسمت‌هایی دارای بار مالی است؟ آیا اصلاً بار مالی دارد یا ندارد؟ بعد هم ببینیم آیا این درآمدی که مجلس [در ماده (۱۳۷) این مصوبه] پیش‌بینی کرده است، هزینه‌های این مصوبه را کفایت می‌کند یا نمی‌کند؟ یک جلسه‌ای در روز دوشنبه [= مورخ ۱۳۹۳/۴/۲] در شورای نگهبان تشکیل شد که به جز جناب آقای دکتر اسماعیلی، همه‌ی آقایان حقوقدان‌ها تشریف داشتند. در آن جلسه این موضوع بررسی شد. حالا اول نتیجه‌ی این بررسی را خدمت آقایان عرض می‌کنیم که ببینیم کدام مواد مورد بحث است. چون قبلاً [در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان راجع به این موضوع] بحث کردیم خیلی وقت را نمی‌گیریم. فقط می‌خواهیم تکلیف این مواد معلوم بشود. ماده‌ی اولی، ماده (۵) است. من ماده (۵) را می‌خوانم. این ماده می‌گوید: «ماده ۵- هر گاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند.

۱. طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید که مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸، ۱۳۹۳/۴/۴ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ و ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم

در شرف حلول ماه مبارک رمضان هستیم. این ماه عزیز را به شما تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند ان‌شاءالله توفیق بدهد که ما از برکات این ماه و فضیلت لیلۃ‌القدر بهره‌مند باشیم و به برکت دعاهایی که دل‌های پاک مخصوصاً جوان‌ها می‌کنند مشکلات ما و مشکلات جهان اسلام و مشکلات عراق و سوریه حل بشود. خداوند ان‌شاءالله به حق این ماه عزیز و به حق شهید این ماه، هر چه زودتر برای همه مسلمان‌ها و برای این مردم عزیز عراق و سوریه فرجی برساند ان‌شاءالله.

[به ما داده شود تا بتوانیم طرح دعوا کنیم]. در نتیجه، طرح این دعوا می ماند؛ یعنی اینها باید صبر کنند تا هزینه دادرسی در بودجه شان پیش بینی بشود. همه ی شما آقایان می دانید که در اثر مرور زمان، ادله از بین می رود، همچنین آن عزمی که برای وصول ضرر و زیان است، همه ی اینها از بین می رود. بنابراین به نظر سه یا چهار نفر از ما حقوقدان ها که در آن جلسه بودیم، من حیث المجموع اصلاً این ماده بار مالی ندارد. تا آنجایی که به یاد دارم بنده، جناب آقای سلیمی و همین طور آقای ابراهیمیان، چهار نفر از ما که در آن جلسه بودیم، می گفتیم که این ماده بار مالی ندارد. فقط جناب آقای دکتر رهپیک فرمودند [که این ماده بار مالی دارد].

آقای ابراهیمیان - سه نفر بودیم. آقای رهپیک که این ایراد را وارد می دانست.

آقای علیزاده - خیلی خب، آقایان عرایض ما را قبول نداشتند. ما مجموعاً نظرمات بر این بود که ایراد این ماده از جهت بار مالی، من حیث المجموع برای ما مسلم نیست.

آقای رهپیک - بسم الله الرحمن الرحيم. استدلال بر اینکه این ماده بار مالی دارد، هم به خاطر سوابق این موضوع و هم ظاهر این ماده است. سوابق موضوع این بوده است که دستگاه های نظامی طبق قوانین قبلی در یک موارد محدودی معافیت داشتند، ولی این ماده آن معافیت ها را عام کرده است. قوانین سابق فقط گفته بود در مواردی که دعوا در دادگاه نظامی مطرح می شود، نیروهای مسلح معافند که مستندش را ما آورده ایم.^۱ اما ماده (۵) این مصوبه گفته است که یگان مربوط در هر مرجعی که خواست پیگیری کند، از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این ماده، مطلق است و عموم و اطلاق دارد؛ لذا از این جهت ظاهرش این است که بار مالی دارد. این استدلال که اگر هزینه دادرسی در بودجه ی نیروهای مسلح دیده بشود، این به اصطلاح تعادل برقرار می کند هم صحیح نیست. به عبارت دیگر یا باید هزینه دادرسی در بودجه ی نیروهای مسلح پیش بینی بشود یا باید بگویند که نیروهای مسلح از هزینه

مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است، اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.» برخی از آقایان اعضای شورا می گویند چون این ماده گفته است یگان مربوط هزینه دادرسی را نپردازد، از این جهت بار مالی دارد. حرف این آقایان این است. یک مطلب دیگری که آقایان ذکر کردند، این است که وقتی این ماده گفته است که یگان مربوط از پرداخت هزینه دادرسی معاف است، پس یعنی اگر طرف مقابل هم محکوم شد، او هم نباید چیزی بپردازد. من البته این ایراد را قبول ندارم. ما می گوئیم معاف بودن در اینجا [آن معنا را ندارد]. اگر نیروهای مسلح از پرداخت هزینه دادرسی معاف نباشند، باید این هزینه در بودجه شان پیش بینی بشود؛ یعنی باید بابت هزینه دادرسی فلان قدر به نیروهای مسلح بدهند که اینها این هزینه را به دادگستری پرداخت کنند که آن هزینه هم باز به خزانه می رود.

آقای مدرسی بزدی - فرقی نمی کند.

آقای علیزاده - همین، ما هم حرفمان همین است. بعد، از آن طرف، وقتی ما این مطلب را گفتیم، آقایان یک استدلال دیگر جدیداً اضافه فرمودند و آن عبارت از این است که می گویند وقتی این ماده گفته است که یگان مربوط از پرداخت هزینه دادرسی معاف است، معنایش این است که اگر در پرونده ای نیروهای مسلح حاکم بشوند و طرف مقابل محکوم بشود، محکوم هم نباید هزینه دادرسی را بپردازد. من این ایراد را قبول ندارم؛ می گویم طرف مقابل، باید به پرداخت حق دولت محکوم بشود. به هر حال، طرف مقابل باید محکوم بشود. حالا اگر می فرمایید این ماده اشکالی دارد، ما این را به مجلس بگوئیم؛ بگوئیم که شما باید بگوئید فقط نیروهای مسلح از پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند، اما اگر اینها حاکم شدند، معنای آن این نیست که طرفی که محکوم شده است، هزینه دادرسی را نپردازد، بلکه در آنجاها که طرف مقابل محکوم می شود، بگویند که طرف باید به پرداخت حق دولت محکوم بشود و باید هزینه دادرسی را به عنوان خسارت طبق قانون بپردازد. چه اشکالی دارد؟ این یک مطلب است. مطلب بعدی این است که من می گویم این ماده، علاوه بر اینکه بار مالی ندارد، اتفاقاً درآمدزا است. درآمدزایی اش از این قرار است که وقتی هزینه دادرسی را به نیروهای مسلح ندهند [و در بودجه شان چنین هزینه ای پیش بینی نشود]، اینها نمی توانند بروند طرح دعوا بکنند؛ چون می گویند باید هزینه دادرسی

۱. ماده (۱۳۲) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۲- در کلیه مواردی که در اثر ارتکاب جرم خسارتی وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازات های مقرر در این قانون به جبران خسارت وارده و حسب مورد به رد عین یا مال یا پرداخت مثل یا قیمت و اجرت المثل نیز محکوم می گردد. رسیدگی در این گونه موارد در دادگاه های نظامی نیاز به تقدیم دادخواست ندارد.»

عمومی بودجه پیش‌بینی شده است؟

آقای علیزاده - در بودجه‌ی عمومی، هزینه‌ی دادرسی باید پرداخت بشود. اگر بگویند که نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف هستند، از درآمد عمومی چیزی گرفته نمی‌شود، چیزی هم به آن اضافه نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - ما یک بحث کلی راجع به این مصوبه داریم و آن این است که اگر اشکال مغایرت با اصل (۷۵) در موارد متعدد به این مصوبه گرفته می‌شود، معنای این اشکال چیست؟ معنایش این است که این مصوبه آمده است و در سالی که بودجه تصویب شده است، مثل سال ۱۳۹۳، می‌خواهد بین سال اجرا بشود. معنای مغایرت با اصل (۷۵) این است.

آقای مدرسی یزدی - این یک اشکال دیگری است.

آقای ره‌پیک - نه، این اشکال کلی است. می‌خواهم این نکته را عرض بکنم که الان در سال ۱۳۹۳ برای این معافیت‌ها چیزی پیش‌بینی نشده است. شما بگویید برای سال دیگر این کار را بکنند. الان بحث این است؛ ما اشکالمان مغایرت با اصل (۷۵) است. این اشکال، در مورد بحث بودجه‌ی سال آینده نیست. اصل (۷۵) گفته است که اگر بین سال طرحی دادند [که باعث کاهش درآمد عمومی دولت یا افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود] و آن را در مجلس تصویب کردند، باید محل تأمین بار مالی آن تعیین بشود. الان در سال ۱۳۹۳ که محل این بار مالی تعیین نشده است. وسط سال آمده‌اید و می‌گویید نیروهای مسلح که قبلاً باید هزینه‌ی دادرسی را می‌دادند، از الان به بعد این هزینه را ندهند. در بودجه‌ی امسال هم این هزینه پیش‌بینی نشده است، در نتیجه از این جهت، درآمد عمومی دولت کم می‌شود. اگر می‌خواهید بگویید این مصوبه مربوط به سال دیگر است، آن یک اشکال دیگری دارد. ما که مکرر اشکال گرفته‌ایم که نمی‌شود برای سال آینده تعیین تکلیف کرد.^۱ لذا تمام

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تعیین تکلیف دولت به پیش‌بینی اعتبارات خاص در بودجه سالانه را مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۶۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ شورای نگهبان در خصوص طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب ۱۳۹۱/۸/۳ مجلس شورای اسلامی آمده است: «طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب جلسه مورخ سوم آبان‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و یک مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر اصول (۵۲) و (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

دادرسی معافند؛ چون در واقع این جیب به جیب شدن است. این استدلال از نظر بودجه‌ای درست نیست؛ چون جای این چیزها که در بودجه مشخص نیست؛ هر دستگاهی یک بودجه‌ای دارد که باید بودجه‌ی خودش را در جهاتی که برایش تعیین شده است مصرف بکند. بحث اصل (۷۵) قانون اساسی این است که آن درآمد کلی که در بودجه پیش‌بینی شده، باید از دستگاه‌ها یا اشخاص خصوصی یا هر شخصی دیگری که مشخص شده دریافت شود و به حساب درآمد‌ها ریخته شود؛ این ملاک است. حالا اینکه یک دستگاهی در بودجه‌اش پیش‌بینی شده است یا نشده است، ربطی به این درآمد ندارد. الان شما اگر می‌گویید [با حکم ماده (۵) این مصوبه، مثلاً] ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان از درآمد عمومی کشور کم می‌شود، خوب چه جوری این را جبران می‌کنید؟

آقای مدرسی یزدی - حرف من هم همین است.

آقای علیزاده - اصل (۷۵) قانون اساسی نمی‌گوید بودجه افزایش پیدا بکند؛ می‌گوید از درآمد عمومی کم نشود.

آقای ره‌پیک - می‌گوید اگر از درآمد عمومی کسر بشود، هزینه‌ها باید جبران شود.

آقای علیزاده - وقتی قرار است از آن درآمد عمومی، این قدر گرفته بشود و به این دستگاه [=نیروهای مسلح] بدهند و از آن طرف، از درآمد عمومی این دستگاه، هزینه‌ی دادرسی را پرداخت کنند، این دو تا با هم متعادل می‌شود.

آقای ره‌پیک - خوب اگر این‌گونه باشد، شما در تمام مواردی که [دستگاه‌های دولتی پولی را برای هزینه‌های خود به دستگاه‌های دولتی دیگر پرداخت می‌کنند، این موضوع صادق است]؛ چون بالاخره بودجه یک رقم مشخصی دارد. فرض کنید مثلاً شما در کشور یکصد تومان را برای بودجه وسط می‌گذارید و این را بین دستگاه‌ها تقسیم می‌کنید. خوب این دستگاه‌های دولتی، مثل ظروف مرتبط به هم می‌مانند؛ شما هیچ موقعی نمی‌توانید بگویید از درآمد عمومی کسر شده است. نمی‌شود چنین چیزی را گفت. در این صورت، فقط کسر درآمد مربوط به اشخاص خصوصی می‌شود؛ چون بودجه‌ی اشخاص عمومی - دولتی همیشه پیش‌بینی شده است. مثلاً الان می‌گویید که سال گذشته از محل هزینه‌ی دادرسی [ناشی از دعاوی نیروهای مسلح] یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) درآمد کسب شد، خوب الان این ماده به نیروهای مسلح می‌گوید از این به بعد، این یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) را نده. این هزینه‌ها الان در کجای لایحه‌ی

می‌خواهد بگوید ما تعادل این دو تا را با همدیگر نگاه نکنیم. واقعیت این است که در مورد دعاوی و هزینه‌های دادرسی، ما برای هر دعوا و برای هر پرونده، ردیف بودجه‌ی جداگانه‌ای نداریم. یک عددی داریم که آن عدد مربوط به دعاوی است. اگر این‌گونه باشد، در چنین فرضی عدم پرداخت هزینه‌ی دادرسی از سوی نهادهای نظامی از محل بودجه‌ی عمومی خود به خود سبب کاهش هزینه‌ها است. عدم پرداخت در همین سال جاری هم سبب کاهش هزینه‌ها است؛ چون اگر شما به نهادهای نظامی بگویید که هزینه‌ی دادرسی را بپرداز، باید این هزینه را از محل مربوط به دعاوی و هزینه‌های دادرسی بپردازد. شما در این ماده، نهاد نظامی را از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف کرده‌اید. بنابراین هزینه‌ها را تقلیل داده‌اید.

آقای علیزاده - بله، روشن است.

آقای ابراهیمیان - اگر از ستون مربوط به درآمدها کم کردید، به همان اندازه از ستون مربوط به هزینه‌ها کم کرده‌اید. بنابراین مغایرت این موضوع با اصل (۷۵) قانون اساسی در این ماده قابل تصور نیست. بله، اگر اشخاص عادی باشند که هزینه‌ی دادرسی را از محل بودجه‌ی عمومی نمی‌پردازند، این اشکال هست؛ اما در مورد دولتی‌ها با توجه به اینکه باید از محل بودجه‌ی عمومی بپردازند، به نظر من این اشکال وارد نیست.

آقای علیزاده - در این موضوع، هیچ فرقی بین سال‌ها نیست. ما که نمی‌گوییم درآمد بودجه را اضافه بکند یا کم بکند. آنچه که در قانون اساسی آمده است درآمد عمومی است. اصلاً بعضی جاها بودجه نمی‌گیرند و از بودجه‌ی سالانه چیزی به آنها داده نمی‌شود. دستگاه‌هایی که از درآمد عمومی استفاده می‌کنند، اگر هزینه‌ی دادرسی را ندهند، از آن طرف از دولت هم آن هزینه را نمی‌گیرند. اگر شما بودجه را ببینید، در هر دستگاه در بین ردیف‌ها، یک ردیف وجود دارد به نام ردیف پرداخت یا در بین ردیف‌ها، ردیفی بابت پرداخت هزینه‌ی دادرسی هست. این قانون دارد می‌گوید نیروهای مسلح، از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف می‌شوند. خوب اگر از پرداخت معاف شدند، دیگر سال بعد بابت هزینه‌ی دادرسی برایشان در آن ردیف چیزی پیش‌بینی نمی‌شود. اما امسال چطور؟ اولاً امسال تا زمانی که این قانون بخواهد تصویب بشود و مراحلش را پشت سر بگذارد و بخواهد اجرا بشود، آخر سال می‌شود. حالا به این موضوع هم کاری به این نداریم ولی من این مطلب را از جهت شکلی می‌گویم. اما از جهت عمومی ما لازم نیست زیاد

اشکالات مغایرت با اصل (۷۵) که الآن گرفته می‌شود، مبتنی بر این است که بین سال ۱۳۹۳، شما دارید از بودجه‌ای که بسته شده است و درآمد و هزینه‌ی آن تعیین شده است، کسر می‌کنید؛ یعنی هزینه‌ی جدید دارید تولید می‌کنید. اشکال وارد به این مصوبه، از این جهت است؛ ولاً شما سال دیگر بباید و بگویید که خیلی خوب ما صد (۱۰۰) تومان از اینجا کسر می‌کنیم و صد (۱۰۰) تومان هم به آنجا اضافه می‌کنیم. لذا به نظر ما، این ماده اشکال دارد.

آقای علیزاده - این اشکال هم جواب دارد.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحیم. نظر من فقط این است که راجع به همین معافیت از هزینه‌ی دادرسی که موضوع این بند است بحث نکنیم.

آقای مدرسی یزدی - و در ضمن، برای امسال هم بحث کنیم.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - اجرای حکم این ماده در وسط امسال هم اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - الآن می‌گویم که چرا اشکال ندارد.

آقای ابراهیمیان - در مورد هزینه‌ی دادرسی باید عرض کنم که وقتی شما به نهادهای عمومی حکم می‌کنید که هزینه‌ی دادرسی را بپرداز، آنها باید این هزینه را از محل بودجه‌ی عمومی بپردازند. اگر فقط از نظر حسابداری به موضوع نگاه کنیم، ستون درآمد و ستون هزینه باید تعادل داشته باشد. پیام قانون اساسی این نیست که این ستون درآمد را تغییر نده، بلکه

→

متن ماده واحده طرح چگونگی تأمین عوارض شهرداری و هزینه انشعاب‌های مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی احداث‌شده توسط خیران مصوب ۱۳۹۱/۸/۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- از ابتدای سال ۱۳۹۲ عوارض شهرداری‌ها و تمام هزینه‌های مربوط به حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب کلیه مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش که حداقل سی درصد (۳۰٪) هزینه ساخت آن با تأیید سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور یا ادارات کل نوسازی مدارس استان‌ها و مجامع خیران مدرسه‌ساز توسط خیران مدرسه‌ساز تأمین می‌شود، از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سالانه برای وزارت آموزش و پرورش پرداخت می‌شود.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد اول (اصول ۱ تا ۵۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ذیل اصل (۵۲).

گذاشته‌اند، مصرف شده است.

آقای ره‌پیک - این را نمی‌گذارند.

آقای مدرسی یزدی - حالا فرض می‌کنیم آن ردیف را در بودجه گذاشته‌اند و تمام آن مصرف شده است. الآن نیروهای مسلح، یک دعوی سنگینی دارند که مثلاً برای آن ده‌ها میلیون باید هزینه‌ی دادرسی بدهند. قوه‌ی قضائیه که این هزینه را ندارد، نیروهای مسلح هم که ندارند و فرض هم این است که طرح این شکایت هزینه دارد، خب از کجا باید این هزینه را بیاورند و بدهند؟

آقای سلیمی - در این صورت، این دعوا را مطرح نمی‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - خب باید مطرح کنند و آلا خسارت می‌بیند. این ماده از مصوبه می‌گوید یگان مربوط می‌تواند دعوا را مطرح کند و از پرداخت هزینه‌ی دادرسی هم معاف است.

آقای ره‌پیک - بله، معاف کرده است.

آقای سلیمی - اگر این هزینه‌ی دادرسی وجود نداشته باشد، دعواش را مطرح نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - بنابراین اطلاق این ماده، هزینه دارد.

آقای علیزاده - آن وقت امسال چقدر درآمد برای دولت کسب می‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - هیچی.

آقای علیزاده - نه، با رسیدگی به این دعوا چقدر درآمد برای دولت کسب می‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - من نمی‌دانم. سؤال این است که آیا طرح دعوا و دادرسی هزینه دارد یا ندارد؟ وقتی طرح دعوا در دادگستری هزینه دارد و فرض هم این است که بودجه‌ی مربوط به هزینه‌ی دادرسی تمام شده است و از طرف دیگر قوه‌ی قضائیه که برای این کار بودجه‌ای ندارد، نیروهای مسلح هم بودجه‌ای ندارند، پس چگونه این پرونده را باید پیگیری کنند؟

آقای ابراهیمیان - دستگاه‌های دولتی در خیلی از موارد و پرونده‌های قضایی، نمی‌توانند از محاکم تجدیدنظرخواهی بخواهند؛ چون پول ندارند. چون پرداخت این هزینه، پیش‌بینی نشده است و بنابراین نمی‌توانند برای تجدیدنظرخواهی هزینه کنند.

آقای مدرسی یزدی - خب، پس این ماده از مصوبه هزینه دارد.

آقای ابراهیمیان - نه، اصل اقامه‌ی دعوا که هزینه‌بر است، ولی بحث این است که در این موارد، هزینه‌ای به بودجه‌ی دولت تحمیل نمی‌شود؛ چون دیگر چنین هزینه‌ای نیست [و نیروهای مسلح از پرداخت آن معاف هستند].

بحث کنیم؛ فرض کنید الآن امسال آمده‌اند بابت هزینه‌ی دادرسی پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان برای سازمان قضایی نیروهای مسلح پیش‌بینی کرده‌اند. تا الآن، باید دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان از آن را پرداخت می‌کردند که این هزینه را دادگستری می‌گیرد و به حساب خزانه می‌ریزد. حالا اگر از ابتدای شش ماهه‌ی دوم سال، بگوییم که نیروهای مسلح دیگر هزینه‌ی دادرسی را ندهند. خب دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان بعدی، باقی می‌ماند و خرج نمی‌شود؛ چون وقتی از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف شدند، دیگر از آن محل برداشت نمی‌کنند؛ لذا سال به سال هیچ فرقی با هم ندارد؛ چه آنچه که مربوط به امسال باشد یا در وسط سال باشد و چه مربوط به سال بعد باشد. هزینه‌ی دادرسی را در سال بعد به نیروهای مسلح نمی‌دهند. قانون، امسال به این نیروها هزینه‌ی دادرسی را داده است، ولی بعد از اجرای این قانون، هزینه‌ی دادرسی از این محل خرج نمی‌شود؛ چون محل هزینه‌ی دادرسی معلوم است. بنابراین به نظر من این ماده (۵) بار مالی ندارد. اصل مطلبمان این است که می‌گویند شما از این به بعد هزینه‌های دادرسی را از این دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان باقی‌مانده از بودجه‌ی امسال پرداخت نکنید دیگر؛ خب هزینه‌ی دادرسی را دیگر از این محل نمی‌دهند. از آن طرف هم دستگاه قضایی برای نیروهای مسلح مجانی رسیدگی می‌کند؛ یعنی این هزینه‌ای را که دستگاه قضایی باید بگیرد، اصلاً نمی‌گیرد.

آقای ره‌پیک - دویست و پنجاه (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون در بودجه‌ی نیروهای مسلح باقی می‌ماند، نه در درآمد عمومی.

آقای علیزاده - در نیروهای مسلح می‌ماند، ولی دیگر نیروی‌های مسلح حق خرج کردن این مبلغ را ندارند. بعد چون اینها نمی‌توانند این بودجه را در محل دیگر خرج کنند، این پول به خزانه برمی‌گردد.

آقای مدرسی یزدی - بله، همه‌ی این حرف‌ها درست است، ولی باز یک حرفی در مورد این ماده هست، گرچه قابل اغماض است. آن مطلب این است که از اول سؤال کنیم که آیا دادرسی و طرح شکایت، هزینه دارد یا ندارد؟ فرض این است که هزینه دارد؛ چون اگر هزینه نداشت که برای طرح شکایت، بودجه‌ای قرار نمی‌دادند. خب الآن فرض می‌کنیم که وسط سال است و همه‌ی بودجه‌ی ردیفی که برای هزینه‌ی دادرسی

من الزام می‌کند؛ یعنی به من می‌گوید هزینه‌ی دادرسی بده، ولی بودجه‌ای برای هزینه‌ی دادرسی به من نداده است. در واقع، ما با این کار نه تنها برای درآمد عمومی کاری نمی‌کنیم، بلکه با این چیزی که تصویب کرده‌ایم باعث از بین رفتن اموال بیت‌المال می‌شویم و به بیت‌المال ضرر می‌زنیم؛ یعنی می‌گوییم حالا که نیروهای مسلح بودجه‌ای برای پرداخت هزینه‌ی دادرسی ندارند، اصلاً نتوانند طرح دعوا بکنند. بعد مگر اصل (۷۵) برای این نیست که می‌گوید اگر طرحی را نمایندگان می‌دهند که منجر به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی شد، [در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نیز معلوم شده باشد؟]

آقای مدرس‌ی یزدی - یعنی گفته است که جبران بشود.

آقای سلیمی - نه، گفته است یا نباید موجب افزایش هزینه‌های عمومی بشود و آلا باید طریق جبران این هزینه‌ها را در مصوبه مشخص بشود. در فرض حضرت‌عالی، دولت همه‌ی آن درآمدی را که در بودجه برایش در نظر گرفته شده بود، گرفته است و نمی‌خواهد چیز تازه‌ای بگیرد. پس این [عدم پرداخت هزینه‌ی دادرسی برای نیروهای مسلح] نه کاهش درآمد برای دولت به وجود می‌آورد، نه افزایش هزینه‌ای برای دولت به بار می‌آورد. لذا این مصوبه، نه کاهش درآمد دارد، نه افزایش هزینه؛ هیچ‌کدام را ندارد؛ چون آن بودجه‌ای را که برای درآمد دولت در نظر گرفته بودند یا دولت آن بودجه را در ضمن دریافت هزینه‌ی دادرسی می‌گیرد یا جزء آن ردیف مصرف نشده است که در پایان سال از طریق بازگشت به خزانه دریافت می‌کند. چون اگر آن ردیف مصرف نشد، آن را به خزانه برمی‌گردانند. پس [درآمد دولت، برای این معافیت از پرداخت هزینه‌ی دادرسی] کاهش پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر، هزینه‌های دولت هم افزایش پیدا نمی‌کند؛ چون ما به قضات پول اضافه که نمی‌دهیم و لذا برای دستگاه قضایی هزینه‌ی اضافی پرداخت نمی‌کنیم. دستگاه قضایی کارهایش را با هزینه‌ی خودش انجام می‌دهد؛ پس این معافیت افزایش هزینه هم برای دولت ندارد. من می‌خواهم بگویم که حکم این ماده، نه کاهش درآمد دارد، نه افزایش هزینه؛ هیچ‌کدام را ندارد. من فقط می‌خواهم به شما بگویم که این ماده، اشکال حرفی و شکلی مبنی بر کاهش درآمد دولت یا افزایش هزینه برای دولت که موجب مغایر آن با اصل (۷۵) باشد، ندارد. نخیر، این

آقای علیزاده - ما می‌گوییم مربوط به درآمد است.

آقای مدرس‌ی یزدی - نخیر، هیچ درآمدی از طریق دادرسی حاصل نمی‌شود.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای مدرس‌ی یزدی - جواب این سؤالی را که من کردم بدهید. من قانع نشدم.

آقای علیزاده - این پول‌هایی که پس از طرح دعوا، یگان مربوط در نیروهای مسلح بابت ضرر و زیان می‌گیرد، همه را به خزانه می‌ریزد. پس چرا می‌فرمایید این ماده برای دولت، درآمدی ندارد؟!

آقای مدرس‌ی یزدی - خب ممکن است اصلاً آن یگان در این پرونده، محکوم بشود و نتواند در پرونده، حاکم بشود.

آقای علیزاده - یگان‌ها در چقدر از این دعاوی محکوم می‌شوند؟

آقای مدرس‌ی یزدی - خب معلوم نیست. اصلاً می‌تواند حاکم بشود؛ اما به هر حال، اطلاق این ماده، هزینه دارد.

آقای علیزاده - موضوع بحث طرفین روشن است. ما دیگر نباید بیشتر از این، وقت جلسه را بگیریم. الان واقعاً این بحث، وقت زیادی برده است.

آقای جنتی - آقای دکتر ره‌پیک هم می‌خواهند صحبت کنند.

آقای علیزاده - از این به بعد، آقایان مواد را توضیح بدهند. من اول توضیح نمی‌دهم؛ چون من که توضیح بدهم، بعداً به من می‌گویند شما دو بار وقت گرفتید. من آن‌زمان که ماده (۵) را توضیح دادم، نظر طرفین را گفتم.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. اگر فرض به همین صورتی باشد که حاج آقای مدرس‌ی می‌فرمایند، یعنی فرض بفرمایید آن ردیف بودجه‌ی مربوط به هزینه‌ی دادرسی نیروهای مسلح تمام شده باشد و الان هم باید بروند و طرح دعوا کنند، خب اگر نیروهای مسلح را ملزم کردید که هزینه‌ی دادرسی را بدهند تا بتوانند طرح دعوا کنند، نتیجه‌اش این می‌شود که نیروهای مسلح در چنین شرایطی طرح دعوا نمی‌کنند؛ چون باید هزینه‌ی دادرسی بدهند و الان هم نمی‌توانند بدهند و ندارند که این هزینه را انجام دهند. در نتیجه، این اموال مربوط به نیروهای مسلح که تزییع شده است استنفاذ^۱ نمی‌شود. اصلاً درخواست مطالبه‌ی ضرر و زیان هم مطرح نمی‌شود؛ چون قانون کاری را که در اختیار من نیست به

۱. «برهانیدن، برهانیدن کسی را از کسی، رهانیدن کسی را، رهاندن، انقاد، تخلیص...» لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی «استنفاذ».

درآمد، ده میلیاردش (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تأمین نمی‌شود. خب در مقابل این درآمد، چه هزینه‌هایی پیش‌بینی شده بود؟ در مقابلش سدسازی و حقوق کارکنان و غیره پیش‌بینی شده بود. حالا شما بفرمایید که مثلاً یک چیزی هم ته حساب این دستگاه باقی می‌ماند، خب این مبلغی که ته حساب این دستگاه باقی مانده است را که آخر سال، به صورت درآمد نمی‌ریزند؛ یعنی این باقی‌مانده به حساب درآمد خزانه نمی‌آید، بلکه این به عنوان درآمدی جداگانه است. [صرف نظر از اینکه معمولاً] دستگاهی هم که مبلغی در حسابش باقی می‌ماند، آن مبلغ را یا به بودجه‌ی سال بعد خود منتقل می‌کند یا به یک نحوی آن را هزینه می‌کند. اما اگر آن درآمد پیش‌بینی شده در قانون بودجه، عملکرد نداشته باشد، هزینه‌هایی که در مقابلش پیش‌بینی شده بود، انجام نمی‌شود. پس بحث اصلی این است که یک ردیف درآمد داریم [که در مقابلش، یک سری هزینه‌ها در قانون بودجه پیش‌بینی شده است]. این مطلب هم مکرر در شورای نگهبان بحث شده است و در سوابق شورای نگهبان نیز هست که اگر در بین سال گفتند چیزی که تا به حال باید پرداخت می‌شد و به حساب درآمد دولت می‌رفت - که در مقابل این درآمد هم یک سری هزینه‌ها پیش‌بینی می‌شود- از این به بعد، دیگر پرداخت نشود، این قطعاً موجب کسر درآمد دولت است.

آقای علیزاده - خیلی خب، این مسائل روشن است.

آقای یزدی - این کسر از درآمد عمومی نیست.

آقای علیزاده - من فقط یک کلمه می‌گویم. آقای دکتر [ره‌پیک] می‌فرمایند که درآمدی بابت هزینه‌ی دادرسی در نظر گرفته نمی‌شود، در حالی که این‌طور نیست. ما که در اداره‌ی ثبت اسناد و املاک بودیم، دستگاه‌ها می‌توانستند طبق ماده (۱۴۸) اصلاحی بیایند و درخواست بدهند، ولی نمی‌آمدند؛ می‌گفتند در بودجه برای ما برای این هزینه، اعتباری پیش‌بینی نکرده است. خیلی خب حالا موضوع روشن است.

آقای جنتی - آقای علیزاده، وقتی بخواهیم به قول آقایان عرب‌ها «علی‌الأرض»^۱ صحبت کنیم، یکی از کارهایی که ما می‌توانیم بکنیم این است که الآن از مجلس سؤال کنیم که شما از این منبع چقدر درآمد دارید تا بدانیم که برای آینده مشکل پیدا می‌کند یا خیر؟

آقای یزدی - این، وظیفه‌ی ما نیست.

ماده هیچ مغایرتی با اصل (۷۵) ندارد. اصل (۷۵) مربوط به جایی است که ماده‌ای موجب کاهش درآمد دولت یا افزایش هزینه برای دولت شود. این ماده، نه موجب کاهش درآمد می‌شود و نه باعث افزایش هزینه؛ بنابراین مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست. ما هم طبق اصل (۹۴) قانون اساسی، وقتی حداقل نتوانیم احراز کنیم و یقین پیدا کنیم که مصوبه‌ای با این دو تا [= قانون اساسی و شرع] مغایرت داشته باشد، خود به خود این قانون قابل اجرا است.

آقای ره‌پیک - من خواهش می‌کنم اجازه بدهید صورت مسئله خوب روشن بشود. خیلی خلاصه عرض می‌کنم. در هیچ دستگاهی ردیفی به نام هزینه‌ی دادرسی وجود ندارد که برایشان پیش‌بینی کنند و بگویند یک هزینه‌ای برای دادرسی قرار داده شده است.

آقای علیزاده - چرا.

آقای ره‌پیک - الآن دستگاه‌ها فقط یک بودجه‌ی جاری دارند و یک بودجه‌ی تملک دارایی. همه‌ی اینها [از جمله بودجه‌ی مربوط به پرداخت هزینه‌ی دادرسی] در ضمن بودجه‌ی جاری‌شان است. این، یک طرف مسئله است. طرف دیگر مسئله این است که در درآمدهای کشور یک عنوان عمومی برای قوه‌ی قضائیه وجود دارد که اشخاص حقیقی، حقوقی و هر کسی که می‌خواهد هزینه‌ای به دادگستری پرداخت کند، باید به آن حساب بریزد. عنوان آن هم هزینه‌ی دادرسی نیست، بلکه «خدمات قضایی» است. هزینه‌های مربوط به ثبت و غیره را هم به آن حساب می‌ریزند. این درآمدها هیچ ربطی به بودجه‌ی دستگاه هم ندارد. به دستگاه یک بودجه‌ای اختصاص می‌دهند [که ارتباطی با این درآمدها ندارد]. در مقابل این درآمدی که دولت بابت این خدمات قضایی، مالیات و هر چیز دیگر می‌گیرد و در حساب خزانه ریخته می‌شود، یک هزینه‌هایی وجود دارد که اول سال در قانون بودجه پیش‌بینی می‌شود؛ مثلاً برای سدسازی، حقوق کارکنان و غیره. این دو ردیف در قانون بودجه پیش‌بینی شده است. دستگاه‌های دولتی هم بر اساس این بودجه‌ای که برای امسال در سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی شده است، دخل و خرجشان را انجام می‌دهند. حالا شما وسط سال می‌آیید و به دستگاه‌ها می‌گویید: آقایان دستگاه‌ها، شما از این به بعد هزینه‌ی دادرسی‌تان را پرداخت نکنید. خب در این صورت، این درآمد، از این حساب درآمدهای دولت کسر می‌شود؛ یعنی مثلاً این حساب مربوط به

۱. «بر روی زمین»، این عبارت کنایه است از اینکه با توجه به واقعیت‌های موجود بحث شود.

و نظر اعضای جلسه را بفرمایند.

آقای ابراهیمیان - اکثریت حاضرین گفتند که این ماده، بار مالی دارد و مخالف اصل (۷۵) قانون اساسی است. اضافه شدن دادگاه‌های تجدیدنظر به سازمان قضایی نیروهای مسلح بار مالی دارد.

آقای علیزاده - من الآن این را توضیح می‌دهم. آقایان گفتند که الآن دادگاه نظامی دو وجود دارد؛ لذا این ماده، از جهت حکم به تشکیل دادگاه نظامی دو، بار مالی ندارد. معنای عبارت «تشکیل می‌شود» در ماده (۱۲) هم این نیست که چیز جدیدی تشکیل بشود. دادگاه نظامی یک هم فعلاً وجود دارد و لذا این ماده از این جهت هم بار مالی ندارد. اما آنچه که فعلاً در این قانون اضافه شده است، بند (پ) است که در مورد دادگاه نظامی تجدیدنظر است.

آقای جنتی - این ماده که گفته است این دادگاه‌ها با این قانون تشکیل می‌شوند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای جنتی - یعنی بعداً تشکیل می‌شود.

آقای علیزاده - نه، می‌خواهد بگوید این دادگاه‌ها [در سازمان قضایی نیروهای مسلح] تشکیل می‌شود. الآن ما این دادگاه‌ها را داریم.

آقای جنتی - ماده گفته است تشکیل بشود.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم آنچه که در حال حاضر، جانشین ندارد، بار مالی دارد. نمی‌گوییم آنچه که قبلاً بوده است، بار مالی دارد. این مسئله که روشن است. الآن دادگاه‌های نظامی یک و دو داریم.

آقای ابراهیمیان - بله، الآن این دادگاه‌ها هستند.

آقای علیزاده - این ماده می‌گوید این دادگاه‌ها تشکیل می‌شود؛ چون دارد قانون آیین دادرسی کیفری را به کلی تغییر می‌دهد؛ لذا می‌گوید این دادگاه‌ها به موجب این قانون تشکیل می‌شود، نه اینکه بخواهد بگوید الآن این دادگاه‌ها وجود ندارند. این دو تا دادگاه فعلاً وجود دارد. همه‌ی آقایان این مطلب را قبول داشتند. این قسمتی که الآن اضافه شده است، بند (پ) است که دادگاه تجدیدنظر نظامی است. البته نظر من بر این است که [حکم به تشکیل این دادگاه هم ایراد بار مالی ندارد؛ چون] ما دادگاه حرب داشتیم. البته نمی‌دانم هنوز قانون مربوط به آن وجود دارد یا خیر، ولی من این‌گونه یاد می‌آید که از قدیم یک محاکمی به نام محاکم حرب داشتیم که در زمان جنگ

آقای علیزاده - این، وظیفه‌ی ما نیست. ما فقط می‌توانیم بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد یا ندارد.

آقای جنتی - چرا؛ ممکن است پس از بررسی ببینیم که تمام بودجه‌ی اینها مصرف شده است و اگر الآن بخواهند طرح دعوا بکنند، به قول ایشان [= آقای مدرسی یزدی] پول ندارند که برای طرح دعوا بدهند و دعوایشان می‌ماند، این یک حالت قضیه است، حالت دیگر این است که ...

آقای علیزاده - اگر این‌طور نبود، این ماده را نمی‌آوردند. الآن دستگاه‌های دولتی به لحاظ اینکه هزینه‌ی دادرسی به اینها تخصیص داده نمی‌شود، از طرح دعوا عاجزند.

آقای جنتی - خب، این مسئله را ببینید که در گذشته اتفاقات این‌گونه بوده است یا نه؟ از آنها سؤال کنید که تا حالا برای شما اتفاق افتاده است که کار دادگاهی داشته باشید و چون هزینه داشته است، کارتان را تعطیل بکنید؟

آقای علیزاده - ما کاری به این طرفین هم نداریم؛ ما می‌گوییم که کلاً این معافیت از هزینه‌ی دادرسی، ایجاد هزینه و درآمد برای بودجه‌ی عمومی نمی‌کند؛ هیچ کدام از این دو نیست. از یک طرف درآمد را کم می‌کند و از طرف دیگر هزینه را کاهش می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - بله، نسبت به آینده این‌طور است.

آقای علیزاده - خیلی خب، حالا ما نسبت به آینده رأی‌گیری بکنیم. کسانی که می‌گویند این ماده نسبت به آینده بار مالی دارد، نظر بدهند.

آقای جنتی - من که معتقدم بار مالی دارد.

آقای علیزاده - این ماده بار مالی ندارد. آقایانی که می‌گویند نسبت به امسال بار مالی دارد رأی بدهند. این ایراد، رأی ندارد. ماده بعدی ماده (۱۲)^۱ است. آقای دکتر ابراهیمیان که در جلسه‌ی بررسی بار مالی این مصوبه بودند، این ماده را بخوانند

۱. ماده (۱۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:

الف- دادگاه نظامی دو

ب- دادگاه نظامی یک

پ- دادگاه تجدیدنظر نظامی

ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ

ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ

ج- دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ.»

می‌شود؛ پرونده، مراحل بدوی‌اش، مراحل تجدید نظرش و سیر قانونی‌اش را طی می‌کند و تمام می‌شود. دادگاه نظامی دو دارد، دادگاه نظامی یک دارد. پرونده‌هایی که در دادگاه نظامی دو رسیدگی می‌شود، قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه نظامی یک است. آرای صادره از دادگاه‌های نظامی یک قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور است و همه‌ی مراحلش را طی می‌کند. این ماده هم آنچه را که برای رسیدگی قرار داده است همان فرآیند رسیدگی کنونی است، فقط در این ماده آمده است و یک واحدی را به عنوان مجموعه‌ی دادگاه تجدیدنظر در خود سازمان قضایی پیش بینی کرده است. این دادگاه قبل از دیوان عالی کشور است و برای تجدیدنظر پرونده‌هایی است که در خود سازمان به آن رسیدگی می‌شود. پس کار اضافه‌ای از آنچه که در رسیدگی‌ها صورت می‌گرفت ایجاد نکرده است، بلکه آمده است و گفته است که همان کارها در این مجموعه‌های جدیدی که به این ترتیب چیده شده است انجام بشود. اما [اصل (۷۵)] قانون اساسی می‌گوید طرحی که نمایندگان می‌آورند، نباید برای دولت بار مالی ایجاد کند و هزینه‌ی دولت را بالا ببرد یا درآمد دولت را کاهش بدهد. خب آیا دولت می‌خواهد برای تشکیل این مجموعه‌ها بیاید و به قوه‌ی قضائیه بیش از آن بودجه‌ای که در حال حاضر مصوب شده است پول بدهد که هزینه‌ی دولت بالا برود؟ قوه‌ی قضائیه در سال ۱۳۹۳ بودجه‌ی مشخصی دارد. من می‌خواهم بگویم در کل، این مصوبه هیچ بار مالی برای دولت ندارد؛ چون برای این مصوبه، دولت به قوه‌ی قضائیه ریالی اضافه از بودجه‌ی امروز خودش نخواهد داد. قوه‌ی قضائیه بایستی از همان بودجه‌ی خودش همه‌ی این کارها را انجام بدهد. پس اصلاً این مصوبه بار مالی بر دوش دولت ایجاد نمی‌کند؛ چون دولت چیزی نمی‌دهد، درآمدی هم از او کم نمی‌کند. اصل (۷۵) قانون اساسی مربوط به جایی است که نمایندگان بخواهند طرحی را بدهند که دولت در آن طرح نقشی نداشته است، در برنامه‌ریزی‌اش نقشی نداشته است و در نتیجه، بار مالی برایش ایجاد کنند. بر اساس این توضیحی که من دارم عرض می‌کنم، خود قوه‌ی قضائیه است که باید در درون خودش با همین بودجه‌ی بالفعل موجود خودش که دولت به او داده است این کار را انجام می‌دهد. اصل این مصوبه، «طرح» است، ولی دولت برای سال ۱۳۹۳ به قوه‌ی قضائیه بودجه داده است و این قوه باید با بودجه‌ی خودش این قانون را اجرا بکند، نه اینکه از

تشکیل می‌شد. حالا نمی‌دانم این محاکم هست یا خیر، اما اگر این محاکم هم نباشد، دادگاه‌های نظامی یک و دو باید به وظایف همین دادگاه رسیدگی کنند.

آقای یزدی - قدر مسلم این است که همین دادگاه‌های تجدیدنظر [که به تشکیلات سازمان قضایی اضافه شده است، هزینه دارد].

آقای علیزاده - بله، به هر حال، الآن در این ماده، اسم دادگاه تجدیدنظر نظامی اضافه شده است، اما همین دادگاه‌های نظامی یک فعلاً به دعوی تجدیدنظر نظامی دو رسیدگی می‌کنند و الآن موارد مربوط به تجدیدنظر دادگاه نظامی یک، به دیوان عالی کشور می‌رود. یعنی از لحاظ رسیدگی، الآن هم به احکام تجدیدنظرخواهی شده رسیدگی می‌شود، اما آن‌گونه که من یاد می‌آید دادگاه نظامی یک فعلی به هر حال با یک قاضی تشکیل می‌شود و ممکن است که یک مشاور هم داشته است، اما این دادگاه تجدیدنظر نظامی، فعلاً گفته شده که باید از سه قاضی تشکیل بشود. البته بعضی از آقایان می‌گفتند که این دادگاه هم از قضات موجود تشکیل می‌شود. قدر متیقن این مسئله این است که تشکیل دادگاه تجدیدنظر نظامی یک مقداری هزینه دارد که همه‌ی آقایان حقوقدان حاضر در جلسه‌ی بررسی، این ایراد را قبول داشتند. به هر حال، این دادگاه تجدیدنظر نظامی مورد ایراد بود.

آقای یزدی - این دادگاه، هزینه دارد.

آقای علیزاده - بالاخره یک مقداری بار مالی دارد. حالا باید ببینیم آن چیزهایی که اینها [به عنوان منبع تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه] گفته‌اند تأمین بار مالی این ماده را می‌کند یا نمی‌کند؟ اگر اجازه بدهید درباره‌ی موضوع جبران بار مالی، یک‌جا صحبت کنیم. الآن آنچه که فعلاً باقی می‌ماند این است که به نظر عمده‌ی ما، یعنی چهار نفر از پنج نفری که در آن جلسه بودیم، این بند دارای بار مالی است. این حرف جلسه‌ی ما است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی این ایراد، فقط به بند (پ) وارد می‌شود؟

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. اعتقاد بنده این بود که این ماده هم بار مالی ندارد که الآن آن را توضیح می‌دهم و بیان می‌کنم. آنچه که امروزه دارد در سازمان قضایی انجام می‌شود، این است که به تمام پرونده‌های سازمان قضایی، رسیدگی

این مصوبه آمده است و می‌گوید تجدیدنظر آرای محاکم نظامی دیگر نباید به دیوان عالی کشور برود، بلکه باید به دادگاه تجدیدنظر برود که حداقل سه تا قاضی می‌خواهد، حداقل یک مکان جدایی می‌خواهد، حداقل یک قاضی اضافه می‌خواهد، حداقل یک تلفن می‌خواهد، یک تشکیلات اداری می‌خواهد و یک واحد مستقل قضایی می‌خواهد. قبلاً این کار را به دیوان عالی کشور می‌دادند، اما حالا این ماده از مصوبه می‌گوید دیگر بررسی پرونده‌های تجدیدنظرخواهی شده را به دیوان عالی کشور ندهید، بلکه به یک واحد مستقلی که به این کیفیت تشکیل می‌شود، بدهید و آن عبارت است از دادگاه تجدیدنظر. خود دادگاه تجدیدنظر قانون دارد که باید چگونه باشد. بالاخره این دادگاه، چند نفر قاضی می‌خواهد، مکان می‌خواهد، این نیازمندی‌ها را می‌خواهد، منشی اداری می‌خواهد، هزار تا تشکیلات دیگر دارد که باید باشد. درست است که این کار قبلاً با آن شکل [= رسیدگی در دیوان عالی کشور] انجام می‌گرفت، ولی الآن پیشنهاد آقایان نمایندگان این است که به این شکل انجام بگیرد. اگر به این شکل انجام بگیرد قطعاً هزینه‌ی مالی دارد. خیلی روشن است که این تشکیلات، موجب هزینه‌ی جدید است. قدر متیقن این است که تشکیل این دادگاه تجدیدنظر، هزینه‌ی مالی دارد.

آقای علیزاده - بار مالی داشتن این موضوع، مسلم است.

آقای جنتی - رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حالا راجع به اینکه آیا ماده (۱۳۷)^۲ بار مالی این هزینه را جبران می‌کند یا نه، در زمان بحث راجع به آن ماده رأی می‌گیریم. الآن اینکه این ماده متضمن بار مالی است رأی بگیریم. آقایانی که می‌گویند این ماده، متضمن بار مالی است رأی بدهند. این ایراد، رأی آورد. به سراغ ماده‌ی بعدی برویم. به نظرم می‌رسد که آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی، در گزارش مربوط به بررسی بار مالی این مصوبه]^۳ در خصوص بار مالی یکی از مواد این مصوبه، چیزی نگفته‌اند، با

دولت چیز جدیدی مطالبه کند. اگر از دولت هم مطالبه بکند، اصلاً دولت بودجه‌ای به قوه‌ی قضائیه نمی‌دهد؛ چون چیز جدیدی برای قوه‌ی قضائیه پیش‌بینی نشده است که به آن قوه بدهند. بنابراین این مصوبه، بار مالی ندارد. دوم اینکه بر اساس خود این مصوبه، اصلاً امسال این مصوبه اجرا نخواهد شد. خود این مصوبه می‌گوید این قانون بعد از شش ماه از تصویب، قابل اجرا است.^۱ آن قانون قبلی [= قانون آیین دادرسی کیفری] این‌طور بود. این مصوبه هم می‌گوید شش ماه بعد از تصویب، این قانون قابل اجرا است. تازه، آن قانون هم دوباره شش ماه بعد از این مصوبه، قابل اجرا می‌شود. ما در برج چهار هستیم و تا این مصوبه برای اصلاح ایرادهای شورا به مجلس برود و دوباره به شورای نگهبان برگردد، شش ماه آن تمام شده است. بنابراین اصلاً امسال این قانون قابل اجرا نیست. بنابراین امسال هیچ هزینه‌ای برای دولت در بر نخواهد داشت. برای سال‌های بعد هم، بودجه‌ی آن در قانون بودجه می‌آید و بر اساس بودجه‌ی سنواتی به آن بودجه می‌دهند. من دارم عرض می‌کنم که تمام این مصوبه، از نظر تجزیه و تحلیل بار مالی، افزایش هزینه یا کاهش درآمد که مربوط به اصل (۷۵) است ندارد و لذا بار مالی نخواهد داشت و مغایر اصل (۷۵) نخواهد شد؛ به خصوص این ماده که هیچ کاری را اضافه نکرده است. فقط کار شکلی اضافه کرده است. این مصوبه از نظر هزینه، چیزی را که هزینه‌بر باشد و دولت بخواهد آن هزینه را متقبل بشود بر دولت تحمیل نکرده است.

آقای یزدی - آقای سلیمی، ملاحظه بفرمایید؛ این بحث که این مصوبه اجرا می‌شود یا نمی‌شود، به ما ربطی ندارد. آنچه که به ما ربط دارد این است که طرح نمایندگان آیا منشأ کم شدن درآمد یا اضافه شدن هزینه می‌شود یا نمی‌شود؟ بدون تردید، دادگاه تجدیدنظری که در این مصوبه آمده است، یک تشکیلات جدید است. ایشان [= آقای ابراهیمیان] هم قبلاً همین توضیح شما را دادند که در حال حاضر، تجدیدنظر آرای محاکم نظامی به دیوان عالی کشور می‌رود. خیلی خوب، ولی

۲. ماده (۱۳۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۷- بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، قابل دسترسی در نشانی زیر:

۱. ماده (۱۳۹) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۹- با توجه به ارتباط مقررات این قانون با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، این قانون به عنوان بخشی از قانون مذکور به آن الحاق می‌شود و تمام مقررات آن شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجراء است.»

آقای علیزاده - این تبصره، هزینه اضافه کرده است و موجب افزایش هزینه است. آقایانی که می‌فرمایند این تبصره ماده (۱۱) هزینه دارد، رأی بدهند. این هم، رأی آورد. ماده‌ی بعدی ماده (۸۸)^۲ است.

آقای ابراهیمیان - در این ماده (۸۸)، راه‌اندازی «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» پیش‌بینی شده است. اکثریت آقایان [حقوقدانان حاضر در جلسه‌ی بررسی ایراد بار مالی این مصوبه]، یعنی سه نفر از آقایان عقیده داشتند که این ماده بار مالی ندارد.

آقای علیزاده - رأی‌دهندگان به این نظر، چهار نفر شدند.

آقای ابراهیمیان - [دلیل معتقدان به این نظر این بود که] چون در قانون برنامه‌ی پنجم هم به ایجاد چنین مرکزی تصریح شده است، بنابراین مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد؛ چون این ماده هم به یک نحوی تأکید پیش‌بینی قانون برنامه است، ولی ما نظرمان این نبود.

آقای علیزاده - من درباره‌ی این ماده توضیح بیشتری می‌دهم و نظر خودم را هم می‌گویم. در جزء (۱) بند (ح) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران [مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵] که هنوز هم مدتش تمام نشده است، عین همین عبارت تصویب شده است. در آنجا گفته است: «ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی

اینکه آن دفعه [در گزارش قبلی مجمع مشورتی حقوقی] این ماده را آورده بودند و گفته بودند که این ماده، ایراد بار مالی دارد.^۱ ولی این دفعه غفلت کرده‌اند. تبصره‌ی ماده (۱۱) را بخوانید. چون آن دفعه این ماده در شورای نگهبان مطرح شد که بار مالی دارد ولی این دفعه، آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] در گزارش کارشناسی که برای ما فرستادند، آن ایراد را نیاورده‌اند.

منشی جلسه - «ماده ۱۱- ...

تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.»

آقای مدرسی یزدی - آن دفعه، عمده‌ی اشکال همین بود. این تبصره، خیلی هزینه‌ها را بالا می‌برد.

آقای علیزاده - این تبصره آن دفعه هم مورد بحث بود. ما گفتیم این مواد بماند تا بعداً نظر بدهیم؛ منتها ظاهراً مرکز تحقیقات [= مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] این دفعه هم ایراد بار مالی این تبصره را بررسی نکرده است.

آقای ره‌پیک - ایراد این تبصره، در جلسات بررسی قبلی رأی نیاورده است؟

آقای علیزاده - نه، مرکز تحقیقات هم [در گزارش کارشناسی شماره ۹۳۰۰۳۰۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹] به این تبصره، ایراد داشت. ما گفتیم بگذاریم ایراد بار مالی این مصوبه را یک‌جا بررسی کنیم. بنابراین نمی‌دانم چرا این دفعه مرکز در این جمع‌بندی که در خصوص ایراد بار مالی کرده است، این تبصره را برای ما نیاورده است!

آقای مدرسی یزدی - به هر حال واضح است که بار مالی دارد. **آقای علیزاده -** آقایان نظرشان را در مورد این تبصره هم بدهند. اگر حرفی ندارید، ما رأی بگیریم.

آقای یزدی - این ماده، موجب کسر درآمد می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، این تبصره، موجب هزینه‌ی جدید است.

۲. ماده (۸۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی می‌شود.»

۱. «ذیل تبصره ماده (۱۱) مبنی بر اینکه «... ولیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد» از این جهت که مشخص نیست هم‌ترازی بر فرض کسر مالیات از حقوق قضات نظامی خواهد بود یا بدون در نظر گرفتن کسر مالیات می‌باشد، واجد ابهام است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۰۳۰۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹، ص ۱۱، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/wVtVb

ما [در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] به آن اشکالی وارد نکردیم. این ماده هم همین‌طور است. در قانون برنامه‌ی پنجم گفته است که شما این مرکز را در طول پنج سال راه بیندازید. اما تا الآن هنوز آن را راه‌اندازی نکرده‌اند. خب الآن در سال ۱۳۹۳ که برای راه‌اندازی این مرکز، بودجه‌ای پیش‌بینی نشده است، بنابراین اگر این «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» بخواهد وسط سال راه بیفتد یک هزینه‌ی گزافی دارد که در بودجه‌ی امسال هزینه‌ی آن پیش‌بینی نشده است. ما نمی‌توانیم بگوییم چون قانون برنامه‌ی پنجم اصل ایجاد این مرکز را تکلیف کرده است، این ماده بار مالی ندارد. مصوبات قانون برنامه، در بسیاری از موارد اجرا نمی‌شود. برخی هم در سال اول یا سال پنجم اجرا می‌شوند. این موضوع از قانون برنامه تا الآن اجرا نشده است. در سال ۱۳۹۳ هم که برای این مرکز بودجه‌ای پیش‌بینی نشده است. الآن نمایندگان طرح داده‌اند که این مرکز

→

شرح است: «طرح دوفوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب جلسه مورخ بیست و هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرارگرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.» توضیح اینکه، بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی مقرر کرده است: «ج- دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های اجرایی و افراد تحت تکفل آنها اعم از خدمات درمان و بیمه تکمیلی را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت نماید. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلف است اعتبار مورد نیاز را از سرجمع اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی (اعتبار برنامه ۳۰۴۴۰) کسر کند و به بنیاد شهید و امور ایثارگران اختصاص دهد. اعتبارات این بند از محل ردیف ۵۳-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود.» مجلس شورای اسلامی، در طرح استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷، این بند را چنین تفسیر نمود: «موضوع استفساریه: آیا حکم بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مانع از ارائه خدمات بهداشتی و درمانی متعارف دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و صندوق‌های بازنشستگی به کارکنان شاغل و بازنشستگان ایثارگر تحت پوشش خود می‌شود؟ پاسخ: خیر، مانع نمی‌شود.» از طرفی، بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ (اصلاحی ۱۳۹۰/۶/۷) در این خصوص، چنین می‌گوید: «ب- صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیر شاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است.»

راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.» این جزء گفته است که قوه‌ی قضائیه این کارها را بکند. ما می‌گوییم [با توجه به بند (ح) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] ماده (۸۸)، بار مالی ندارد؛ چون ما معتقدیم آنجایی بار مالی وجود دارد که قانون لازم‌الاجرای دیگری که هنوز لازم‌الاجرا است، آن را ملزم نکرده باشد. وقتی آن قانون انجام چنین کاری را الزام کرده است، اگر الآن این ماده از مصوبه دوباره بیاید و همان کار را الزام کند، دیگر این مصوبه، بار مالی [جدیدی برای دولت] ندارد. یک طرح قانونی در صورتی خلاف اصل (۷۵) است که الزام قانونی مسبوق که مستمر است وجود نداشته باشد. ما به بعضی جاها در قانون برنامه‌ی پنجم این ایراد را داشتیم که این برنامه موقت است، ولی این امور از آن اموری نیست که موقت باشد. در واقع وقتی می‌گویند این کار بشود، دیگر انجام می‌شود؛ یعنی همه‌ی امکاناتش فراهم می‌شود و آن مرکز به وجود می‌آید و استمرار هم دارد. بنابراین به نظر ما با توجه آن سابقه‌ای که وجود دارد این ماده (۸۸) بار مالی ندارد. نظر ما چهار نفر بر این مطلب بود. به نظر ما، این ماده بار مالی ندارد.

آقای جنتی - خیلی خب، دو یا سه نفر نوبت صحبت می‌خواهند. دکتر ره‌پیک و بعد آقای دکتر ابراهیمیان و بعد هم دکتر سوادکوهی؛ بفرمایید.

آقای علیزاده - یک استدلال آقایان این بود که چون راه‌اندازی این مرکز، تا به حال به مرحله‌ی اجرا در نیامده است بار مالی دارد. ما در جواب می‌گوییم که قانون برنامه، قوه‌ی قضائیه را ملزم کرده است که چنین کاری انجام شود، ولو اینکه این کار تا به حال به اجرا در نیامده باشد؛ [پس بار مالی ندارد].

آقای ره‌پیک - بسم الله الرحمن الرحیم. ما در تصویب قوانین برنامه مکرراً به مواردی برخورد کردیم که بار مالی داشت ولی هیچ موقع در قوانین برنامه، اشکال بار مالی نگرفتیم. دلیلش هم این بود که برنامه باید بعداً برود و اجرا بشود و لذا باید بار مالی آن را در آن سالی که می‌خواهند اجرا کنند، در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کنند. در این خصوص، مکرراً نمونه‌هایش را داشته‌ایم. نمونه‌اش هم همین بحث مربوط به ایثارگران است که آن هفته [= جلسه ۱۳۹۳/۳/۲۸] مطرح شد و در برنامه‌ی پنجم هم آمده بود.^۱ این موضوع با اینکه بار مالی داشت، ولی

۱. متن نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲ شورای نگهبان در خصوص طرح دوفوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی بدین

←

یک طرحی به تصویب رسیده است که می‌گوید آنچه که قانون برنامه برای اجرائش مهلت پنج‌ساله داده است، امسال اجرا بشود. مجلس در این طرح با این توجیه که چون قانون، پس از تصویب لازم‌الاجرا است و دیگر تکلیف اجرائش به عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است، آن مهلت پنج سال را به حکم اجرای فوری تبدیل کرده است؛ یعنی بدون اینکه هزینه‌اش را پیش‌بینی کند، می‌خواهد آن را امسال اجرا کند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این ماده، بار مالی دارد.

آقای علیزاده - آن مسئله، مربوط به جایی است که انجام امری در یک زمان، تمام نمی‌شود.

آقای جنتی - آقای علیزاده، پس شما نسبت به این موضوع رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این ماده (۸۸) با این توضیحی که داده شد، بار مالی دارد رأی بدهند.

آقای ره‌پیک - هفت تا رأی آورد.

آقای یزدی - بالاخره این مصوبه، یک قانون مجزایی از قانون برنامه‌ی پنجم است.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون برنامه فقط می‌گوید که دولت در لوایحش این مسائل را پیش‌بینی کند.

آقای علیزاده - اصلاً این [جزء (۱) بند (ج) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنجم] نگفته است که دولت راه‌اندازی این مرکز را در ضمن لایحه پیش‌بینی کند. در قانون برنامه‌ی پنجم گفته است که راه‌اندازی این مرکز اجرا بشود. اگر همان زمان می‌گفت که در سال پنجم اجرا بشود، [اشکالی داشت؟]

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی قانون برنامه می‌گوید که دولت این کار را بکند، یعنی باید لایحه‌ی آن به مجلس آورده شود، نه اینکه مجلس در این زمینه طرح بدهد.

آقای علیزاده - این مطلب را نفرمایید. الآن قانون برنامه آمده و چنین چیزی را گفته است. ما در این مورد، جوابی نداریم که به مجلس بدهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - جواب داریم.

آقای علیزاده - نداریم. هر کسی جوابی دارد، جواب بدهد. این ماده ایراد بار مالی ندارد.

آقای یزدی - این ماده، مستقلاً صرف نظر از قانون برنامه، بار مالی دارد یا ندارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - دارد.

آقای علیزاده - این ماده، با در نظر گرفتن حکم قانون برنامه‌ی

را راه بیندازیم. خوب روشن است که مسئله‌ی بار مالی راه‌اندازی این مرکز با آن بحث برنامه‌ی پنجم حل نمی‌شود. برنامه‌ی پنجم فقط تکلیف ایجاد این مرکز را داشته است. بنابراین داشتن بار مالی این ماده، روشن است. در موارد عدیده هم این کار اتفاق افتاده است.

آقای علیزاده - به نظر من، موضوع بحث از طرفین مشخص است. چون این مسائل قبلاً بحث شده است، طرفین قضیه روشن است. اگر می‌خواهید ما نسبت به این موضوع رأی گیری بکنیم.

آقای جنتی - نه، نوبت صحبت بدهید. آقایان نوبت دارند.

آقای مدرسی یزدی - رأی گیری بکنید.

آقای علیزاده - بله.

آقای جنتی - بعضی از آقایان اعضا حرف دارند.

آقای ابراهیمیان - عرض ما همین فرمایش دوستان بود.

آقای یزدی - ایجاد این مرکز هزینه دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، هزینه دارد.

آقای علیزاده - در قانون برنامه‌ی پنجم پیش‌بینی شده است.

آقای یزدی - بله، ایجاد این مرکز در قانون برنامه پیش‌بینی شده است. این ماده هم عین همان ماده از قانون برنامه‌ی پنجم است و هیچ تغییری نکرده است [ولی به هر حال، ایجاد این مرکز، برای دولت هزینه دارد].

آقای علیزاده - این ماده، عین همان مصوبه‌ی قانون برنامه است؛ هیچ تغییری پیدا نکرده است.

آقای ابراهیمیان - صرف وجود این تکلیف در قانون برنامه کافی نیست. در این مصوبه، ایجاد چند مرکز پیش‌بینی شده است که لااقل دوتای از این مراکز در حال حاضر وجود دارد، ولی این مرکز، جزء آن مراکزی نیست که در حال حاضر وجود دارد.

آقای علیزاده - ولی قانون برنامه گفته است که این مرکز باید ایجاد بشود.

آقای ابراهیمیان - حالا عرض من این است و روی همان نکته‌ای که همکاران [آقای ره‌پیک] گفتند تأکید می‌کنم که قانون برنامه به عنوان سند بالادستی، تکالیف متعددی دارد که این تکالیف باید در ضمن قانون بودجه‌ی سنواتی بیاید؛ یعنی این برنامه‌هایی که قرار بود در پنج سال اجرا شود، باید در قالب قانون بودجه مشخص شود که قرار است کدام یک از آنها در کدام سال و با چه بودجه‌ای اجرا بشود. اما الآن در اینجا

آقای علیزاده - ما به این ماده، [در جلسات قبلی بررسی این مصوبه] ایرادات دیگری گرفتیم. من نظر مرکز تحقیقات را می‌خوانم. نوشته است: «حکم این ماده مبنی بر تکلیف به راه اندازی «شبکه ملی عدالت» توسط قوه قضائیه به دلیل داشتن بار مالی دارای ابهام مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی است...»؛ یعنی معلوم نیست بار مالی دارد یا ندارد و مبهم است، چرا؟ «... البته ظاهراً این شبکه پیش‌تر در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۵ توسط رئیس قوه قضائیه افتتاح و راه‌اندازی شده است. اما با توجه به دامنه‌ای که برای این شبکه در ماده (۹۰) در نظر گرفته شده است، مشخص نیست که شبکه ایجاد شده دارای همان وسعت شبکه موجود باشد یا خیر. همچنین صرف نظر از اینکه در عمل به چه صورت این امر تحقق پذیرفته است، ماهیت این حکم در بردارنده بار مالی است...» به نظر ما بار مالی ندارد؛ چون این شبکه در حال حاضر وجود دارد. «... همچنین حکم تبصره (۱) این ماده مبنی بر تکلیف دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم آوردن «سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی» با توجه به اینکه تنظیم نرم‌افزارهای مربوط به این امر واجد بار مالی است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب می‌شود.»^۱ خود ما قبلاً به این تبصره (۱) ایراد گرفتیم.

آقای ره‌پیک - نه، ایراد بار مالی نگرقتیم، بلکه ایراد ماهوی به این تبصره گرفتیم؛ گفتیم: «در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.»^۲

آقای اسماعیلی - آن ایراد، ایراد ماهوی بود که گرفتیم.

آقای یزدی - اگر توسعه‌ی این شبکه قطعی بود، می‌توانستید نسبت به توسعه‌ی این شبکه بگویید این ماده، بار مالی دارد...
آقای علیزاده - این مسئله را نمی‌دانیم.

آقای یزدی - ... ولی نسبت به اصل این شبکه، چون تأسیس شده است و افتتاح هم شده است، بار مالی ندارد؛ منتها الآن مقدار توسعه‌ی این شبکه را نمی‌دانیم.

پنجم بار مالی ندارد. نمی‌توانیم بگوییم این ماده مستقل است؛ در این زمینه، قانون وجود دارد.

آقای یزدی - آن قانون برنامه‌ی پنجم، یک چیز دیگری است.

آقای علیزاده - در این زمینه، قانون وجود دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اجرای حکم قانون برنامه، تکلیف دولت است، نه تکلیف مجلس.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - قانون برنامه‌ی پنجم به قوه‌ی قضائیه گفته است که این کار را بکنید. حالا این ماده هم دارد همان را می‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - دولت باید در لوایحش چنین چیزی را بگوید.

آقای یزدی - به هر حال، تکلیف مقرر در این ماده، بار مالی دارد.

آقای علیزاده - من تعجب می‌کنم! به نظر من این ماده، هیچ بار مالی ندارد. ماده‌ی بعدی، ماده (۹۰) است که اصلاً دارد اجرا می‌شود.

آقای ابراهیمیان - این ماده، در مورد راه‌اندازی «شبکه ملی عدالت» است. نظر اکثریت دوستان [حاضر در جلسه‌ی بررسی بار مالی این مصوبه] این بود که با توجه به راه‌اندازی شبکه‌ی ملی عدالت، ایجاد بار مالی مسلم نیست؛ پس مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

آقای علیزاده - ماده (۹۰) را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند. تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است.

تبصره ۲- بخش خصوصی موظف است اطلاعات فوق را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، ص ۱۳، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/tpMRN

۲. قسمت نخست از بند (۲۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان در خصوص طرح آیین دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی.

آقای علیزاده - توسعه‌ی این شبکه، چه اشکالی دارد؟
آقای هاشمی شاهرودی - نه، حکم تبصره (۱) نسبت به دستگاه‌های دیگر بار مالی دارد.

آقای ره‌پیک - بله، تبصره‌ی این ماده، بار مالی دارد.
آقای یزدی - در هر صورت در این تبصره، یک تکلیف برای دستگاه‌ها معین کرده است.

آقای علیزاده - حالا اجازه بدهید نسبت به ایرادهای این ماده جُدا جُدا رأی بگیریم. اول، نسبت به قسمت اول این ماده رأی می‌گیریم.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحيم. اولین نکته این است که اگر عملاً یک دستگاهی دارد این کار را می‌کند، حالا اگر مصوبه‌ی نمایندگان الزام قانونی کند که این کار را بکن یا نکن، می‌توانیم بگوییم چون دارند این کار را می‌کنند، پس بار مالی ندارد.

آقای علیزاده - بله، ما می‌گوییم شبکه‌ی موجود بار مالی ندارد.
آقای اسماعیلی - عرض من همین است.

آقای مدرسی یزدی - پس معلوم شد [که قوه‌ی قضائیه برای انجام این کار] پول داشته است.

آقای اسماعیلی - نه.

آقای علیزاده - تا همان مقدار [= راه‌اندازی شبکه]، پول دارد.
آقای اسماعیلی - [اگر این ماده به تصویب نمی‌رسید] الآن قوه‌ی قضائیه می‌توانست این کاری را که دارد انجام می‌دهد، متوقف کند و بگوید پول ندارم، اجباری هم ندارم که انجام بدهم؛ ولی وقتی قانون گفت که انجام بده، باید انجام بدهد. آنچه که اصل (۷۵) قانون اساسی به ما یاد داده است، این است که ببینیم طرح، بار مالی دارد یا ندارد، نه اینکه قوه‌ی قضائیه عملاً در صحنه‌ی بیرونی چه می‌کند. این مطلب اول است. دوم اینکه معلوم است که قوه‌ی قضائیه دارد این شبکه را توسعه می‌دهد و مخصوصاً با تبصره‌ی این ماده، معلوم است که می‌خواهند یک تشکیلات وسیعی را از این جهت به وجود آورند.

آقای علیزاده - ایراد مربوط به تبصره را جدا رأی می‌گیریم.
آقای اسماعیلی - پس معلوم می‌شود که می‌خواهند یک تشکیلات وسیعی درست کنند به‌گونه‌ای که تمام دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و همه را موظف کنند که اطلاعاتشان را به این شبکه بدهند. بعد، علاوه بر این، بر اساس تبصره (۲)، مقام قضایی می‌خواهد بخش خصوصی را هم ملزم کند.

آقای علیزاده - به این تبصره (۲) که ایراد مغایرت با قانون اساسی گرفتیم.^۱

آقای اسماعیلی - می‌خواهم بگویم پس نظر مجلس، توسعه‌ی این شبکه به نحو وسیع است. تازه اگر شک کنیم که توسعه داده است یا نداده است، باز برای ما ابهام دارد و باید سؤال بکنیم. به هر حال، من فکر می‌کنم که این ماده، ایراد دارد.

آقای یزدی - درست است که باید به «طرح» نگاه کرد؛ اما اگر طرح مصوب مجلس چیزی است که قبل از اینکه تصویب بشود، قبلاً در قانون بوده است و در دست اجرا است و الآن همان موضوع در قالب طرح به تصویب رسیده است، [بار مالی ندارد].

آقای مؤمن - چنین چیزی در قانون نبوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - در قانون نبوده است.

آقای یزدی - اگر طرح مصوب مجلس، قطعاً آن شبکه‌ی موجود را توسعه داده باشد، نسبت به توسعه‌ی این شبکه، هزینه دارد، ولی اگر طرح، [ناظر بر همان چیزی باشد که قبلاً به وجود آمده است، بار مالی ندارد].

آقای هاشمی شاهرودی - قبلاً الزام قانونی وجود نداشته است.

آقای یزدی - نه، قبلاً این کار انجام شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - در این زمینه، قانونی نبوده است.

آقای اسماعیلی - قانون نبوده است.

آقای یزدی - به هر حال، شبکه ملی عدالت افتتاح شده است، یعنی این کار انجام گرفته است. حالا اگر این طرح بگوید که این کار انجام بشود، یعنی قبلاً قوه‌ی قضائیه بر خلاف قانون عمل کرده است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - قبلاً الزام نداشته است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، موضوع روشن است.

آقای یزدی - قوه‌ی قضائیه بر اساس اختیارات قانونی‌اش این کار را انجام داده است و الآن چنین مرکزی را به وجود آورده است و دارد با همان بودجه‌ای که داشته است اداره می‌کند. حالا در این طرح، مجلس آمده است و می‌گوید باید این برنامه را انجام بدهی؛ خوب قوه‌ی قضائیه می‌گوید من دارم این کار را انجام می‌دهم. بله، اگر مطمئن باشیم که این مصوبه دارد یک بخشی به آن کار قبلی اضافه می‌کند، آن بخش اضافه، بار مالی

۱. قسمت دوم از بند (۲۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان در خصوص طرح آیین دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی: «۲۱- ... در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.»

دارد؛ ولی وقتی مطمئن نیستیم و نمی‌دانیم، چطور می‌توانیم بگوییم که حتماً بار مالی دارد؟! اگر قوه‌ی قضائیه پول دارد و می‌تواند آن را اداره کند، خب اداره می‌کند؛ اگر هم پول ندارد، اداره نمی‌کند.

آقای جنتی - خب؛ پس باید تفکیک کرد.

آقای علیزاده - موضوع را قاطی نکنیم. اول راجع به اصل ماده بحث کنیم. الآن [به رویه‌ی سابق خود] برگردیم. تا الآن ما وقتی به مصوبه‌ای ایراد بار مالی می‌گرفتیم که وضع موجود آنطوری که در طرح آمده، نبوده است. در واقع، اگر قانون سابق دال بر الزام نبوده است [و در طرح مصوب، به انجام کاری تکلیف می‌شد]، به آن مصوبه ایراد می‌گرفتیم. واقعاً امروز ما نباید بیاییم و یک نظری بدهیم که خلاف نظرات قبلمان باشد. وضع موجود در مورد متن ماده وجود دارد. الآن این قانون آمده است و می‌گوید همین وضع موجود را ادامه بدهید. به همین خاطر، این ماده هیچ اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - شاید تا کنون قوه‌ی قضائیه از بودجه‌های جاهای دیگر برای راه‌اندازی این شبکه استفاده کرده و برای این کار، بودجه‌ای نداشته است.

آقای علیزاده - نه، اشکالی ندارد. ادامه‌ی فعالیت این شبکه، بار مالی ایجاد نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - ما باید ببینیم قوه‌ی قضائیه، از امروز می‌خواهد چقدر بودجه‌ی اختصاصی به این شبکه بدهد؟

آقای علیزاده - وضع موجود چیزی بر بودجه اضافه نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این حرف‌ها چیست!

آقای علیزاده - شما می‌فرمایید شاید در آینده، بودجه‌ی این شبکه را بردارند و آن را کم کنند!

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده دارد قوه‌ی قضائیه را به داشتن این شبکه ملزم می‌کند.

آقای علیزاده - این ماده فقط می‌گوید آن شبکه را محدود نکنید. اگر حرف من بی‌حساب است، بفرمایید. این قانون باری را به وضع موجود اضافه نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این طرح دارد قوه‌ی قضائیه را به راه‌اندازی این شبکه الزام می‌کند.

آقای علیزاده - شما می‌گویید شاید قوه‌ی قضائیه بخواهند این شبکه را محدود کنند. خب مگر قانون اساسی به ما گفته است که ما جلوی اینکه شاید این شبکه را محدود کنند، بگیریم؟

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً میزان، قضیه‌ی خارجیه نیست؛ حکم قانون، به صورت قضیه‌ی حقیقه است. این ماده، دارد

قوه‌ی قضائیه را ملزم می‌کند و می‌گوید که این کار را بکن.

آقای علیزاده - مخالف و موافق، همه صحبت کردیم. من تبصره را قبول دارم که بار مالی دارد، ولی خود ماده بار مالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اصل بحث ایراد بار مالی، مربوط به خود ماده است.

آقای علیزاده - الآن ایراد مربوط به اصل ماده را رأی می‌گیریم.

آقای جنتی - آقای دکتر ره‌پیک بفرمایید.

آقای یزدی - ایشان هم می‌گویند ابهام دارد.

آقای ره‌پیک - نسبت به این ماده، دو تا نکته عرض کردیم. یکی اینکه آن واقعیت بیرونی چیست؟ واقعیت بیرونی این است که این شبکه تا حدی نمادین راه‌اندازی شده است، منتها اینکه راه‌اندازی شده است، بر اساس قانون و مصوبه‌ی خاصی نبوده است، بلکه رئیس قوه‌ی قضائیه بر اساس اختیاراتش و بودجه‌ای که در اختیار داشته است این کار را انجام داده است. شاید اصلش هم نیاز به قانون نداشت و اگر قوه‌ی قضائیه پول داشت، راه می‌انداخت. این یک نکته‌ای است که به آن اشاره شد. نکته‌ی دوم این است که صرف نظر از این واقعیت خارجی و راه‌اندازی این شبکه در خارج، ماهیت این کار موضوع بحث اصل (۷۵) است. اینها دو تا مسئله‌ی متفاوت است: از نظر قانونی باید به ماهیت این مسئله توجه کرد. خب از نظر واقعیت خارجی، الآن یک بحثی بیرون هست که اسم این شبکه وجود دارد و یک کارهایی هم دارند انجام می‌دهند. این سعه‌ای هم که الآن در این ماده ذکر شده است، طبیعتاً الآن وجود ندارد؛ منتها صرف نظر از این، اصلاً فرض کنید که با همین وسعت مد نظر قانون، این شبکه وجود دارد و الآن با این مصوبه می‌خواهند به آن الزام قانونی ببخشند. خب الآن هزینه‌های ایجاد این شبکه را از کجا داده‌اند؛ از بودجه‌هایی که در اختیار قوه‌ی قضائیه بوده است. الآن که راه‌اندازی این شبکه به صورت قانون تکلیف شد، هزینه‌هایش را می‌خواهند از کجا بگیرند؟

آقای علیزاده - از خزانه.

آقای ره‌پیک - خب همین که می‌خواهند هزینه‌های اجرای این شبکه را از خزانه بگیرند، ما می‌گوییم این مصوبه، بار مالی دارد. از این جهت هم اصل ماده و هم تبصره‌ی ماده که دستگاه‌ها را هم تکلیف کرده است که یک چیزهایی را درست کنند، بار مالی دارد.

آقای جنتی - حالا بودجه‌ی این شبکه را که الآن می‌گویید

وجود دارد، از کجا تأمین می‌کنند؟

آقای رهپیک - از بودجه‌هایی که خود قوه‌ی قضائیه دارد.

آقای جنتی - برای راه‌اندازی این شبکه که ردیف بودجه‌ای وجود نداشته است.

آقای رهپیک - از بودجه‌های متفرقه و بودجه‌های در اختیار، تأمین اعتبار می‌کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - قوه‌ی قضائیه پانصد میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان بودجه‌ی خاص دارد. اصلاً [اعتبار راه‌اندازی این شبکه،] از خزانه نیست.

آقای اسماعیلی - بله، بودجه در اختیار دارند.

آقای رهپیک - از بودجه در اختیار قوه‌ی قضائیه است.

آقای هاشمی شاهرودی - قوه‌ی قضائیه پانصد میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان بودجه‌ی خاص دارد. هیچ کدام از این چیزهای [=بودجه‌های] دولت را هم ندارد.

آقای رهپیک - اصلاً بودجه‌ی در اختیار در حساب نمی‌آید؛ در اختیار رئیس قوه‌ی قضائیه است.

آقای علیزاده - آقایان می‌فرمایند [بودجه‌ی راه‌اندازی این شبکه، از بودجه‌ی] در اختیار است. این گونه نیست. قبلاً تبصره (۱۳) قانون بودجه^۱ به صورت کلی بودجه‌ای برای دولت الکترونیک تخصیص داده بود. تبصره (۱۳) قانون بودجه [سال ۱۳۸۶] مربوط به تشکیل دولت الکترونیک بود و یک بودجه‌ی کلی داشت که آن بودجه را بین دستگاه‌ها تقسیم کردند. الآن به خود دستگاه‌ها برای الکترونیکی کردن و این قبیل کارها بودجه

۱. تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «تبصره ۱۳ -

الف - ...

ب -

۱-۱ - ...

۲-۴ - کمک به تکمیل سامانه‌های الکترونیکی بانک‌ها، بیمه، گمرک و سایر دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیر دولتی با هدف کاهش سفرهای درون شهری.

...

ه -

۱-۱ - ...

۲- وزارت نفت مکلف است پانصد میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اعتبار مورد نیاز برای احداث جاده‌های مرزی و ابنیه فنی، استحکام و انسداد مرزها، تقویت امنیت استان‌ها، تقویت و توسعه زیرساخت‌های دولت الکترونیک و پرداخت تعهدات سنوات قبل را تأمین و در اختیار وزارت کشور قرار دهد. اعتبار مذکور به صورت هزینه‌ای و تملک دارایی قابل هزینه می‌باشد.»

اختصاص داده شده است. قوه‌ی قضائیه بودجه‌ای از جای دیگر نداشته است که برای راه‌اندازی این شبکه بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب!

آقای علیزاده - در خصوص اصل (۷۵)، ما می‌گوییم اگر حکمی بخواهد بر وضع موجود تغییری ایجاد کند و هزینه ایجاد کند، دارای بار مالی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب این ماده، ایجاد کرده است. به راه‌اندازی این شبکه الزام کرده است دیگر.

آقای علیزاده - حالا بحث تبصره‌ی این ماده را جدا کنیم. حضرات آقایانی که می‌گویند این ماده، بار مالی دارد رأی بدهند.

آقای رهپیک - رأی آورد. هفت رأی شد.

آقای علیزاده - بینی و بین الله بار مالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بینی و بین الله بار مالی دارد.

آقای علیزاده - اما تبصره‌ی آن بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بار مالی تبصره‌ی این ماده که روشن است؛ چون ایجاد تکلیف برای دستگاه‌های دیگر است.

آقای رهپیک - تبصره (۱) این ماده، دو تا اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - به آن اشکال دیگر کاری نداریم؛ آن اشکال را که قبلاً گرفتیم.

آقای علیزاده - آن اشکال دیگر را که قبلاً گرفتیم؛ اشکال مغایرت با اصل (۵۷) قانون اساسی به تبصره (۱) گرفتیم.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند تبصره (۱) بار مالی دارد، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، این هم که روشن است.

منشی جلسه - رأی آورد.

آقای ابراهیمیان - ماده (۹۲) راجع به ایجاد یک تارنما بحث می‌کند. با توجه به وجود تارنما در وضعیت فعلی، اکثریت

[اعضای حقوقدان حاضر در جلسه‌ی بررسی بار مالی این مصوبه] گفتند که بار مالی ندارد.

آقای علیزاده - ظاهراً ما گفتیم که این ماده ابهام دارد؛ همین‌طور است؟

آقای ابراهیمیان - آقایان می‌فرمایند که اصلاً بار مالی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وبسایت) اختصاصی راه‌اندازی کند و مراجع مزبور موظفند اطلاعات ذیل را در آن ارائه کنند و آنها را روزآمد نگه دارند: ...»

آقای اسماعیلی - در هر صورت، این ماده اشکال دارد دیگر.
آقای علیزاده - زمانی که حضرت آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه بودند، همان زمان، تبصره (۱۳) [قانون بودجه سال ۱۳۸۶] برای دولت الکترونیک پیش‌بینی شده بود. یک بودجه‌ی سرریسته در اختیار دولت قرار داده بودند و گفته بودند این را به دستگاه‌ها بدهید. ما یک روز تشکیل جلسه دادیم که رئیس سازمان برنامه و بودجه هم آمد. ما آنجا گفتیم این‌طور نمی‌شود که همه‌ی بودجه را درست به دولت بدهند و بعد دستگاه‌ها بگویند که دولت این بودجه را به ما نمی‌دهد. قرار شد بودجه را بین دستگاه‌ها تقسیم کنند و گفتند اجرا می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - خب، آن وقت به مقصودتان رسیدید یا نه؟
آقای هاشمی شاهرودی - آن وقت که چنین بودجه‌ای را ندادند.

آقای علیزاده - ما می‌آییم به مجلس می‌گوییم اینکه شما در این ماده [ایجاد چنین تارنماهایی را] پیش‌بینی کرده‌اید خلاف [اصل (۷۵)] است؛ یعنی ما از همان بودجه‌ای که به شما می‌دهیم یا از بودجه‌ای که دارید برای راه‌اندازی دولت الکترونیک می‌گیرید، به شما می‌دهیم که این بودجه را برای این کارها مصرف کنید. آیا مجلس می‌تواند این را بگوید یا نمی‌تواند بگوید؟

آقای هاشمی شاهرودی - خب همین طوری که می‌فرمایید بگوید؛ بگوید از آن بودجه برای انجام این کار مصرف کنید، نه اینکه این طوری کلی بگوید. مطلق نگوید؛ چون این ماده مطلق گفته است.

آقای اسماعیلی - یعنی قاعدتاً اشکال جاری است.
آقای هاشمی شاهرودی - بله، بگوید اگر بودجه‌ای در این زمینه تصویب شد، از آن برای انجام این کار هزینه کنید.
آقای علیزاده - خب این بحث معلوم است. آقایان [اعضای حقوقدان حاضر در جلسه‌ی بار مالی این مصوبه] قبلاً اعلام رأی کرده‌اند. الآن هم به همان صورت رأی می‌دهند؟
آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سلیمی - رأی بگیرید. یک‌وقت دیدید که حق با آقای [علیزاده است].

آقای علیزاده - آقایانی که رأیشان بر این است که این قسمت ماده (۹۲) هم اشکال دارد، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بله، یعنی ایراد کلی به این ماده هست.

آقای یزدی - ایراد، یعنی ایراد بار مالی؟

آقای علیزاده - «حکم این ماده مبنی بر تکلیف به راه‌اندازی «تارنمای (وبسایت) اختصاصی برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابع قوه قضائیه» توسط قوه قضائیه، علی‌رغم اینکه این تارنماهای اختصاصی هم‌اکنون وجود دارند و بخشی از اطلاعات مذکور در این ماده را هم ارائه می‌نماید، لیکن با توجه به اینکه اجرای این حکم مستلزم برخی از هزینه‌ها نظیر اجاره خطوط و طراحی شبکه‌های خاص می‌باشد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.»^۱ اگر این چیزها الآن وجود دارد [که این ماده، مغایر اصل (۷۵) نیست].

آقای مؤمن - تا کنون راه‌اندازی این تارنماها را که قانون نگفته بود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، قانونی نیست.

آقای اسماعیلی - این ماده، یک تفاوتی با آن چیزی که [تبصره (۱۳)] قانون بودجه [سال ۱۳۸۶] می‌گفت دارد. در آنجا برای ایجاد این تارنماها در دستگاه‌های دولتی با همین توضیحاتی که در این ماده آمده است، یک بودجه‌ای گذاشته بودند. دقیقاً یادم است که این اطلاعات هم داخل آن بود. الآن هر چه فکر می‌کنم ماده‌ی چند بود، یادم نمی‌آید. باید این را ببینیم. این فقط در ذهن من هست. نمی‌دانم؛ باید ببینیم.

آقای علیزاده - آقای دکتر، چه شد؟

آقای ره‌پیک - [آن حکم قانون بودجه، برای ایجاد] دولت الکترونیک است.

آقای اسماعیلی - بله، به نظرم این مطلب، در قانون هست.

آقای ره‌پیک - [آن حکم قانون بودجه، برای ایجاد] دولت الکترونیک است.

آقای اسماعیلی - نمی‌دانم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، آن مربوط به ایجاد دولت الکترونیک نیست.

آقای علیزاده - من تمام این مسائل را در مورد آن دو ماده [= مواد (۸۸) و (۹۰)] که ایراد گرفتید گفتم. تمام این موارد در برنامه‌ی مربوط به دولت الکترونیک پیش‌بینی شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون بودجه [چنین چیزی را] می‌گوید.

آقای ره‌پیک - نه، قانون بودجه نیست.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، ص ۱۳، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/tpMRN

آقای هاشمی شاهرودی - بله، همان ایراد بار مالی.

منشی جلسه - «ماده ۹۳- در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است».

آقای رهپیک - تبصره (۱) و (۳) این ماده را هم بخوانید.

منشی جلسه - «تبصره ۱- در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید».

آقای علیزاده - این ماده چه بار مالی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - گفته است که قوه قضائیه سامانه‌های امنیتی ایجاد کند.

آقای ابراهیمیان - ایراد در مورد سامانه‌های امنیتی است.

آقای علیزاده - سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل [امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی ایجاد کند].

آقای رهپیک - این ماده، بار مالی ایجاد می‌کند دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بار مالی ایجاد می‌کند.

آقای ابراهیمیان - فرمودید ظاهراً ایجاد آن سامانه، در قانون برنامه هم هست؛^۱ منتها باز هم آقایان [اعضای حقوقدان حاضر

در جلسه‌ی بررسی بار مالی این مصوبه] فرمودند که این هم بار مالی دارد.

آقای علیزاده - ایجاد این سامانه، در قانون برنامه‌ی پنجم هم هست. تأیید این ماده رأی بیشتری داشت. چرا رأی بیشتری داشت؟ چون استدلال ما این بود که علاوه بر اینکه این مسئله در قانون برنامه‌ی پنجم هم هست، انجام این کار یک سری کارهای فیزیکی را از روی دوش قوه‌ی قضائیه بر می‌دارد. مثلاً به جای اینکه بیایند و اطلاعات را روی کاغذ بنویسند و برای افراد بفرستند، این اطلاعات را دارند به وسیله‌ی این وسایل ارتباطی می‌فرستند.

آقای یزدی - یعنی هزینه‌ی روش قبلی خیلی بیشتر است از روش فعلی که الکترونیکی است.

آقای علیزاده - نه، هزینه‌ی موجود با اجرای این طرح، به مراتب تقلیل پیدا می‌کند.

آقای یزدی - مثل هزینه‌ی پست و تمبر و غیره.

آقای رهپیک - نه، ببینید؛ الان سامانه‌ی کاغذی را که کنار نگذاشته‌اند.

آقای علیزاده - یعنی آمده است و همه‌ی مواردی را که قبلاً به شکل فیزیکی انجام می‌گرفت، دارد به الکترونیکی تبدیل می‌کند. همه‌ی این کارها خرج دارد؛ مأمور باید ابلاغیه را ببرد، مأمور باید ابلاغیه را بیاورد. به نظر ما علاوه بر اینکه این ماده از مصوبه، بار مالی ندارد، موجب کاهش هزینه هم می‌شود.

آقای رهپیک - ببینید؛ من توضیحی در مورد این ماده عرض می‌کنم. این طور نیست [که این کار باعث کاهش هزینه‌های دولت بشود]. این موضوع دو تا مسئله دارد: اولاً فعلاً آن کار دستی و کاغذی جمع نمی‌شود؛ چون این ماده گفته است محتوای الکترونیکی، مانع استناد به اینها [= اسناد فیزیکی] نیست، بلکه می‌تواند هم‌زمان از منابع الکترونیکی هم استفاده بکند و برای این کار، باید این سامانه را ایجاد بکنند. ثانیاً آن بحثی که ما در مورد این ماده داریم این است که الان این ماده، ایجاد تکلیف کرده است.

آقای یزدی - معلوم نیست که اصلاً [از آن سامانه‌ی الکترونیکی] استفاده کنند؟

آقای رهپیک - بله دیگر، تا بعداً در یک زمانی مطمئن بشوند که مثلاً می‌توانند این اسنادی فیزیکی را حذف بکنند. ثانیاً الان در حکمی که در این ماده آمده است، محاسبه بین هزینه‌ی کاغذی و الکترونیکی نیست. این ماده دارد می‌گوید شما

۱. بند (ح) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

آقای ره‌پیک - سال چهارم.

آقای علیزاده - سال چهارم.

آقای علیزاده - آقای سوادکوهی، ظاهراً شما چند روز پیش در آن جلسه [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲] به نظر ما رأی دادید؟
آقای سوادکوهی - نه، الآن استدلال فرق کرد، مینا فرق کرد.

آقای علیزاده - کدام بخش از استدلال فرق کرد؟!

آقای جنتی - شش تا رأی شد. این ایراد رأی نیاورد.

منشی جلسه - «تبصره ۳- مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل این تبصره، بار مالی دارد.

آقای ره‌پیک - بله، ذیل آن.

آقای مدرسی یزدی - این چه مطلب عجیب و غریب است که اینجا گفته‌اند؟! گفته است که برای متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی ایجاد کنند. اصلاً ممکن است فردی کامپیوتر نداشته باشد، آن وقت چطور برای آن فرد پست الکترونیکی ایجاد بکنند؟!

آقای علیزاده - این تبصره، یعنی کاری بکنند که اینها بتوانند به پست الکترونیک دسترسی پیدا بکنند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه؟ تا چه حدی؟

آقای ره‌پیک - یعنی یک‌جایی درست بکنند که این کار را انجام بدهد.

آقای ابراهیمیان - یعنی یک آدرس [پست الکترونیک] به متقاضیان بدهند.

آقای مدرسی یزدی - این حکم، هزینه دارد. این یک چیز عجیب و غریبی است.

آقای ره‌پیک - خب بله، هزینه دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل این تبصره هم هزینه دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند ذیل این تبصره دارای بار مالی است رأی بدهند. پس این تبصره، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

منشی جلسه - «ماده ۹۴- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری اطلاعات مبادله‌شده میان شهروندان و محاکم قضایی، قوه قضائیه موظف است تمهیدات امنیتی مطمئن برای امضای الکترونیکی، احراز هویت و احراز اصالت را فراهم آورد.

موظف هستید سامانه‌ی پرخرج امنیتی را که شامل سخت‌افزار و نرم‌افزار شبکه است راه بندازید. آن چیزی که بار مالی دارد این است. اگر قرار است بار مالی این ماده، از یک محلی تأمین بشود، باید بگویند از محل حذف آن کارهای کاغذی و دستی و غیره تأمین می‌شود. نمی‌دانم آن هزینه‌ها چقدر است، ولی مجلس باید بباید و تأمین هزینه‌ی راه‌اندازی این سامانه را از آن محل جبران کند؛ ولی وقتی در این ماده، چنین چیزی را نگفته است، قطعاً بار مالی دارد.

آقای علیزاده - ما باید عقلمان را روی هم بگذاریم. آقای دکتر [ره‌پیک]، الآن این حکم چقدر باعث می‌شود پرونده‌ی کمتری تشکیل بشود؟

آقای ره‌پیک - آن یک بحث دیگری است. الآن هنوز این کار را نکرده‌اند.

آقای علیزاده - نه، همین الآن تمام اینها [= ابلاغیه‌ها و احضاریه‌ها] را روی تلفن‌های اشخاص اس ام اس می‌کنند.

آقای ره‌پیک - خب، آیا این کار باعث شده است که ابلاغیه‌ی کاغذی را حذف کنند؟ شیوه‌ی کاغذی که حذف نشده است.

آقای علیزاده - این کار موجب می‌شود که دیگر مواردی از قبیل نرسیدن اخطار به دست فرد منتفی شود. با این کار، افراد زودتر مطلع می‌شوند و به دادگاه می‌روند. همچنین کار اصلی هم با تسریع انجام می‌شود. شما می‌گویید حتماً مجلس باید در این ماده بگوید که این حکم، چقدر هزینه کم می‌کند و چقدر اضافه می‌کند؟!

آقای ره‌پیک - بله دیگر، طریق تأمین بار مالی باید معلوم بشود.

آقای علیزاده - حالا این ایراد را رأی گیری می‌کنیم. حضرات آقایانی که می‌گویند این تبصره (۱) بار مالی دارد، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - قبلاً این حکم، در قانون [برنامه‌ی پنجم توسعه] بوده است دیگر.

آقای ره‌پیک - نبوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، نبوده است.

آقای ره‌پیک - قانون برنامه پنجم توسعه گفته است در طول پنج سال این سامانه را ایجاد کنند.

آقای علیزاده - این حکم، در قانون برنامه پنجم هم بوده است.

آقای ابراهیمیان - بله، در قانون برنامه پنجم بوده است.

منشی جلسه - این ایراد، پنج تا رأی دارد.

آقای مدرسی یزدی - امسال، سال چندم اجرای این قانون است؟

دارد؟ خب، با همان امکانات فعلی [این کارها از هم تفکیک شود و بخش مربوط به قوه قضائیه به قوه قضائیه] برود.
آقای مدرسی یزدی - کیفیت این گواهی ریشه چطور است؟ وضعیت آن را حدس می‌زنم، ولی دقیقاً روی کامپیوتر اینها چه کار می‌کنند؟ دستگاه خاصی دارند؟

آقای ابراهیمیان - کد تعریف می‌کنند.

آقای رهپیک - در هر کشوری به اصطلاح، چند تا مرکز مورد تأیید تعیین می‌شود که امضاهای الکترونیکی را در آنجا با کد ثبت می‌کنند. بعد، هر کسی که در این سیستم وارد شد و امضا کرد، کد ورودی با آن کد تطبیق داده می‌شود. اگر امضا در سیستم تأیید شد، آن امضا، امضای درستی است. این گواهی ریشه یک چنین چیزی است.

آقای مدرسی یزدی - خود طرف هم وقتی که امضا می‌کند، باید کدش را به آنها ارسال کند یا نه؟

آقای رهپیک - بله، امضای الکترونیکی است دیگر.

آقای ابراهیمیان - یک مجموعه‌ای از اعداد و علائمی دارد که این اعداد و علائم [امضای شخص را تشکیل می‌دهد].

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، اشکال بار مالی دارد؛ چون دارد می‌گوید این مرکز راه‌اندازی شود.

آقای علیزاده - این تبصره دارد می‌گوید که قوه قضائیه این مرکز را راه‌اندازی می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره [در ایجاد بار مالی] صریح است.

آقای رهپیک - بله، این مرکز، مرکز جدیدی است.

آقای علیزاده - در اینکه این مرکز، جدید است و ممکن است افزایش هزینه داشته باشد، شکی نیست.

آقای مدرسی یزدی - مگر در قانون [سابق] نگفته است قوه قضائیه موظف به انجام این کار است؟

آقای رهپیک - نه، بر اساس آن قانون، یک مرکز دولتی گواهی امضای ریشه داریم که تحت نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت است و مربوط به کارهای تجاری است.

آقای هاشمی شاهرودی - آن مرکز، غیر از این مرکز است.

منشی جلسه - حاج‌آقا، این تبصره مغایرت با قانون اساسی دارد یا ابهام دارد؟

آقای علیزاده - بار مالی دارد.

منشی جلسه - هم خود این ماده و هم تبصره‌ی آن؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، ذیل تبصره‌ی این ماده ایراد دارد.

تبصره - قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.»

آقای مدرسی یزدی - «گواهی ریشه» اصطلاح جدیدی است که ما می‌شنویم.

آقای علیزاده - در این ماده معلوم نیست مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی همان مرکز دولتی صدور گواهی الکترونیکی ریشه^۱ است یا مرکز دیگری است. از این جهت، این ماده ابهام دارد؛ چون الآن در وزارت صنعت، معدن و تجارت یک چیزی تقریباً شبیه این وجود دارد.

آقای اسماعیلی - تبصره‌ی این ماده می‌گوید قوه قضائیه چنین کاری انجام دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - این، چیز جدیدی نیست.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ ما در آن جلسه‌ای که جناب آقای دکتر اسماعیلی تشریف نداشتند، گفتیم اگر منظورتان همان است، روشن بکنید. اگر این طور جداگانه بخواهند این مرکز را ایجاد بکنند، بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره گفته است که این مرکز را راه‌اندازی کنند دیگر.

آقای جنتی - خب ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - ابهام دارد.

آقای ابراهیمیان - اکثریت دوستان [حقوقدانان حاضر در جلسه‌ی بررسی بار مالی این مصوبه] گفتند که بگوییم تبصره‌ی این ماده ابهام دارد.

آقای علیزاده - تقریباً همه گفتیم که این تبصره ابهام دارد.

آقای رهپیک - البته ظاهر این است که این مرکز، مرکز جدیدی است؛ چون مرکز قبلی مربوط به امور تجاری است.

آقای علیزاده - اگر بشود بگوییم که این را از آن مرکز تفکیک بکنند و آنچه مربوط به اینجا [= قوه قضائیه] است را به اینجا [= قوه قضائیه] بیاورند، خوب است.

آقای رهپیک - خب اگر تفکیک بشود، بار مالی دارد.

آقای علیزاده - چرا می‌گویید تفکیک این کارها از هم بار مالی

۱. ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۰ - وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت‌های تجارت الکترونیکی، با تجمیع واحدهای ذی‌ربط، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین‌نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

آقای ره‌پیک - ماده (۹۵) را بخوانید.

آقای ابراهیمیان - این ماده مربوط به بحث تعیین هزینه‌ی دادرسی است.

آقای علیزاده - «ماده ۹۵- مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور اجراء و توسعه خدمات پرداخت الکترونیکی هزینه‌های دادرسی و سایر پرداخت‌های مربوط به دادرسی و اجرای حکم توسط شهروندان، اقدام و راهنمایی لازم را به عمل آورد.

تبصره- در راستای ترغیب شهروندان به بهره‌برداری از دادرسی الکترونیکی، در مرحله بدوی هزینه دادرسی آنان پنج درصد (۵٪) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال کمتر خواهد بود.» آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] می‌فرمایند که «حکم تبصره این ماده مبنی بر ایجاد تخفیف در هزینه دادرسی مرحله بدوی شهروندانی که از دادرسی الکترونیکی بهره‌برداری می‌نمایند (پنج درصد (۵٪) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال)، به دلیل اینکه باعث کاهش درآمدهای عمومی می‌شود، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.»^۱

آقای ابراهیمیان - چهار نفر از پنج نفر آقایان [اعضای حقوقدان شورا] عقیده داشتند با توجه به صرفه‌جویی‌های ناشی از حذف دادرسی سنتی، در این ماده افزایش هزینه‌ها مسلم نیست؛ پس مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی هم فرض نیست؛ چون افزایش هزینه‌ها مسلم نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده موجب کاهش درآمد دولت می‌شود.

آقای علیزاده - ما از آن طرف می‌گوییم هر چند ممکن است این ماده درآمد را کم بکند، ولی هزینه‌ها را هم کم می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چرا کم می‌کند؟

آقای سلیمی - چون دادرسی به نحوه‌ی الکترونیکی است.

آقای مدرسی یزدی - دادرسی الکترونیکی چه کار کرده که هزینه‌ها را کم کرده است؟

آقای علیزاده - مراجعه به محاکم کم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - در دادرسی الکترونیکی فرد به بانک مراجعه می‌کند و هزینه‌ی دادرسی را به حساب قوه‌ی قضائیه می‌ریزد؛ به خود قوه‌ی قضائیه که مراجعه نمی‌کند.

آقای علیزاده - وقتی که که دادرسی الکترونیکی نبود، مراجعه‌ی مستقیم به دادگستری لازم بود.

آقای مدرسی یزدی - خب حالا طرف به بانک می‌رود و فیش می‌گیرد و هزینه‌ی دادرسی را به حساب قوه‌ی قضائیه می‌ریزد.

آقای ره‌پیک - به حساب درآمد می‌ریزد.

آقای مدرسی یزدی - خود قوه‌ی قضائیه، در دادگستری دستگاه [الکترونیکی] بگذارد.

آقای ره‌پیک - هزینه‌ی دادرسی را به حساب درآمد خزانه می‌ریزند که با حکم این ماده [مبنی بر تخفیف در هزینه‌های دادرسی]، درآمد عمومی کسر می‌شود.

آقای اسماعیلی - ارائه‌ی دادخواست که ربطی به مراجعه به بانک ندارد.

آقای علیزاده - بله، ارائه‌ی دادخواست که مراجعه به بانک نیست. این ماده، می‌خواهد همه‌ی این درخواست‌ها را الکترونیکی کند. من از بالا شروع می‌کنم؛ با الکترونیکی شدن دادرسی، مثلاً فرد، سوار به وسایل عمومی نمی‌شود یا اگر ماشین شخصی دارد، بنزین مصرف نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - خب اینها چه ربطی به قوه‌ی قضائیه دارد؟

آقای علیزاده - مراجعات این افراد ربطی به قوه قضائیه ندارد؟! الآن برای همین است که دارند دولت الکترونیکی را به وجود می‌آورند؛ می‌گویند اگر مراجعات کم بشود، هزینه‌ی عمومی کم می‌شود، آلاستگی هوا کم می‌شود. همه‌ی این هزینه‌ها پایین می‌آید؛ کاغذ کمتر مصرف می‌شود و دولت کمتر هزینه خواهد کرد. همه‌ی اینها برای دولت هزینه دارد. به علاوه، در این تبصره هم گفته است تا سقف ده میلیون ریال تخفیف داده می‌شود و دیگر بیش از آن را به افراد تخفیف نمی‌دهیم؛ یعنی حداکثر تا سقف یک میلیون تومان هزینه‌ی دادرسی برای هر دادخواست کمتر خواهد بود.

آقای ره‌پیک - برای هر پرونده.

آقای علیزاده - بله، گفته است برای هر پرونده بیش از یک میلیون تومان تخفیف نمی‌دهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره کاهش درآمد قطعی است، ولی جبران آن مشکوک است.

آقای ره‌پیک - بله، باید این‌طوری بگویید؛ نه اینکه بگویید اصل کاهش درآمد مشکوک است. اصل کاهش درآمد، قطعی است.

آقای هاشمی شاهرودی - کاهش درآمد که قطعی است.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، ص ۱۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/tpMRN

در جلسه‌ی قبلی [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸] هم شما همین را فرمودید؛ منتها آن زمان می‌فرمودید که ما بگوییم کل این مصوبه بار مالی دارد، ولی الآن این موضوع، درست شد [و لذا ایراد اصل (۷۵) را فقط به موادی که ثابت شد بار مالی دارد، می‌گیریم].^۱ خب این موضوع در این جلسه روشن شد. هر کسی از اعضای شورای نگهبان که به مجلس می‌رود، [باید این ایراد را در خصوص همین مواد توضیح دهد تا رفع ایراد کنند].^۲

→

«۳۲- تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)، هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- تبصره ماده (۳)، از این حیث که مشخص نیست آیا تغییر سمت یا محل خدمت قضات سازمان با رعایت اصل (۱۶۴) قانون اساسی انجام می‌پذیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۲- در ماده (۷)، منظور از «محرومیت از خدمات دولتی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۳- در ماده (۱۵)، تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها از سوی رئیس سازمان قضایی، بدون ابلاغ رئیس قوه قضائیه، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین تبصره این ماده نسبت به موردی که بدون اخذ نظر مشاور، برای قاضی صدور رأی امکان‌پذیر نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۴- در ماده (۱۷)، تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق صدور ابلاغ مأموریت موقت از سایر استان‌ها، مغایر اصل (۱۶۴) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در تبصره این ماده، منوط نمودن تأمین قضات مورد نیاز از میان قضات دادگاه کیفری یک یا تجدیدنظر استان مربوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

۵- در ماده (۲۰)، منوط نمودن امر به پیشنهاد فرماندهان مرقوم و موافقت رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌باشد.

۶- در ماده (۲۱)، منوط کردن تشکیل دادگاه‌های مذکور به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره یک این ماده، رسیدگی به جرائم ارتکاب‌یافته از سوی غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی، جرائم ارتکابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید و اطلاق جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در تبصره (۲) این ماده،

←

آقای ره‌پیک - حالا شما باید ببینید آیا چیزی این کاهش درآمد را جبران می‌کند یا نه؟ آن چیزی که مشکوک است، جبران این کاهش درآمد است.

آقای مدرس‌ی یزدی - واقعه این است که به نظر می‌رسد این ماده، هزینه دارد. یک دانه از این دستگاه‌هایی که الآن هر کسی دارد را در دادگستری می‌گذارند و این مراجعه‌کننده هم برای پرداخت هزینه‌ی دادرسی کارت می‌کشد.

آقای ره‌پیک - می‌خواهند [دادرسی را تحت] شبکه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - پس کاهش درآمد را جبران نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - تا یک میلیون تومان تخفیف داده می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - درآمد را کم کرده است دیگر؛ در هزینه‌ها هم معلوم نیست فرقی حاصل شده باشد.

آقای سلیمی - این ایراد را رأی بگیرید.

آقای علیزاده - الآن فردی که می‌خواهد دادخواست بدهد، لازم است که حتماً به دادگستری مراجعه است.

آقای ره‌پیک - اگر قرار است بحث بشود، ما هم بحث کنیم.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این ماده دارای بار مالی است، رأی بدهند.

آقای مدرس‌ی یزدی - این ماده، هزینه را کم می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، درآمد را کم می‌کند. ما با این ماده، تقلیل درآمد داریم.

آقای ره‌پیک - قطعاً موجب کاهش درآمد است. به هر پرونده‌ای یک میلیون تومان تخفیف داده می‌شود. واقعاً این مسئله، با آن اصولی که شما می‌گویید بر عکس است؛ یعنی به طور قطع درآمد را کاهش می‌دهد.

آقای علیزاده - شش رأی شد. این ایراد رأی نیاورد. حالا برویم سر قضیه‌ی بعدی. موضوع این است که آیا ماده (۱۳۷) که طریق جبران بار مالی این مصوبه را پیش‌بینی کرده است، بار مالی را تأمین می‌کند یا نمی‌کند؟ اجمالاً این ماده، بار مالی را تأمین نمی‌کند. ما خیلی بحث کردیم. پس بیاییم و بگوییم این موادی که آقایان [اعضای شورای نگهبان] فرمودند بار مالی دارد با این طریقی که در این ماده پیش‌بینی شده است، برای این همه خرج کفایت نمی‌کند. یعنی بگوییم «طریق پیش‌بینی شده در این ماده (۱۳۷)، آن بار مالی که در برخی مواد این مصوبه ایجاد شده است یا موجب کاهش درآمد دولت شده است، در همان موادی که بار مالی ثابت شد، جبران نمی‌کند.»^۱

۱. بند (۳۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

←

→

منوط نمودن اقدام رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. مضافاً اینکه تبصره (۳) ماده (۲۱) نیز مغایر بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

۷- عموم بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲)، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی شناخته شد.

۸- در تبصره ماده (۲۶)، منوط کردن تصویب رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

۹- در ماده (۲۸)، عموم بند (ب)، عموم صدر بند (پ)، قسمت اخیر بند (پ)، بند (ت)، بند (ث)، عموم صدر بند (ج) نسبت به غیر موارد مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی و ذیل بند (ج)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه بند (چ) این ماده، چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیر نظامی و غیر انتظامی نیز می‌گردد اشکال دارد. همچنین چون عموم جرائم مرتبط شامل جرائم غیر موارد مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد. مضافاً بر این اطلاق صدر بند (ح) این ماده، نسبت به مواردی که لازمه خدمت مقامات مذکور نیست نیز می‌گردد، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد. همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

۱۰- ماده (۳۰) در خصوص نظامیان غیر ایرانی، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.

۱۱- اطلاق بند (چ) ماده (۳۱)، چون اشخاصی غیر از اعضای دستگاه‌های مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی را نیز شامل می‌شود، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین در تبصره (۲) این ماده، اطلاق این جرم نسبت به غیر موارد مشمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی اشکال دارد.

۱۲- مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

۱۳- اطلاق تبصره ماده (۴۴)، چون شامل اموری می‌شود که تحقیق و رسیدگی منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد و باید به مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند، مقید گردد.

۱۴- در تبصره (۲) ماده (۵۰)، عبارت «سایر مقررات مربوط» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین شمول تبصره نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد.

۱۵- در ماده (۶۸)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۵) قانون اساسی، اصل بر برگزاری محاکمات به صورت علنی است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد، لذا این ماده، مغایر اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۶- ماده (۷۴)، از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۱۷- در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است.

←

→

همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد. ۱۸- در بند (ص) ماده (۸۷)، انتخاب نماینده به عنوان ناظر باید از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد، و آلاً اشکال دارد.

۱۹- ذیل ماده (۸۸)، با توجه به مصون بودن حیثیت اشخاص باید قید گردد که این امر از سوی افراد موثق انجام پذیرد، و آلاً مغایر اصل (۲۲) قانون اساسی است. همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.

۲۰- در تبصره یک ماده (۸۹)، ظاهراً منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی بوده که باید مطابق با قانون باشد. بنابراین تبصره مذکور باید با رعایت این امر اصلاح شود.

۲۱- در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد. در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.

۲۲- اطلاق بند (ت) ماده (۹۱)، نسبت به مواردی که ارائه اطلاعات مذکور در آراء، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد، اشکال دارد.

۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده؛ لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد، و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

۲۴- در ماده (۱۱۰)، عبارت «در غیر این صورت ...» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۲۵- بند (ج) ماده (۱۱۴)، از این حیث که این شرایط باید به موجب قانون مشخص گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

۲۶- در ماده (۱۱۷)، اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی نظیر امنیت کشور در میان باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۲۷- در ماده (۱۲۵)، از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور، در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.

۲۸- در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد. و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد. به علاوه اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط، جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

۲۹- در بند (ب) ماده (۱۳۰)، اطلاق «بطان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قاضی، خلاف موازین شرع است.

۳۰- ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی دارد و باید اصلاح گردد.

۳۱- در ماده (۱۳۸)، نسخ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به اینکه موارد مزبور به عنوان معضل

←

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی

منشی جلسه - «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی»^۱
ماده واحده- به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مورخ نوزدهم نوامبر یکهزار و نهصد و هفتاد و شش میلادی (۱۳۵۵/۸/۲۸ هجری شمسی) به شرح پیوست مشتمل بر بیست و سه ماده ملحق گردد و اسناد الحاق را نزد امین اسناد کنوانسیون تودیع نماید.
تبصره ۱- به موجب بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون،^۲ جزءهای

→

مطرح و مقررات آن به تصویب رسیده است، مغایر بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.
۳۲- تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)، هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نمایند، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.
۳۳- بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است.
تذکرات:

- ۱- در بند (ب) ماده (۱۶)، تاریخ مذکور، تاریخ تصویب در مجلس شورای اسلامی است، نه کمیسیون قضایی و حقوقی که باید اصلاح شود.
 - ۲- در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» باید به واژه «اشرار» اصلاح گردد.
 - ۳- در سطر آخر ماده (۷۵)، پس از واژه «مجازات»، واژه «قانونی» اضافه شود.
 - ۴- در ماده (۱۰۳)، با توجه به اینکه تصمیمات مربوط به مراحل بعد از صدور قرار تا رسیدگی دادگاه مشخص نمی‌باشد، باید روشن شود.
۱. لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵۶/۱۶۷۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.
۲. ماده (۱۸) لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸- قیود تحدید تعهد
- ۱- هر دولتی در زمان امضاء، تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند

←

(ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) آن،^۳ توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اعمال نمی‌شود.
تبصره ۲- رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه بازنگری یا اصلاح کنوانسیون و بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه پولی در اجرای مواد (۲۰) و (۲۱)^۴ الزامی است.»

→

در مورد حق استثناء نمودن اعمال جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲)، قید تحدید تعهد در نظر بگیرد. هیچ‌گونه قید تحدید تعهد دیگری نسبت به مقررات ماهوی این کنوانسیون مجاز نخواهد بود.
۲- قیود تحدید در نظر گرفته‌شده به هنگام امضاء، منوط به تصدیق در زمان تنفیذ، پذیرش یا تصویب می‌باشد.
۳- هر دولتی که قید تحدید تعهدی نسبت به این کنوانسیون در نظر گرفته است، می‌تواند در هر زمانی به وسیله اطلاعیه‌ای خطاب به دبیر کل از آن صرف نظر نماید. چنین صرف نظری در تاریخی که اطلاعیه دریافت شده است، نافذ خواهد شد. اگر اطلاعیه حاکی از این باشد که صرف نظر از قید تحدید تعهد در تاریخ معین‌شده در اطلاعیه نافذ می‌شود و چنین تاریخی دیرتر از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیر کل باشد، صرف نظر کردن در چنین تاریخ مؤخری نافذ خواهد شد.»
۳. جزء (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- دعاوی مشمول تحدید

- ۱- با رعایت مواد (۳) و (۴)، دعاوی زیر، مبنای مسئولیت هر چه باشد، مشمول تحدید مسئولیت خواهند بود:

(الف) ...

(ت) دعاوی مربوط به بالا آوردن، انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کشتی‌ای که غرق شده، تبدیل به لاشه شده، به گل نشسته یا از آن اعراض شده از جمله هر چیزی که در چنین کشتی‌ای وجود دارد یا وجود داشته است.

(ث) دعاوی مربوط به انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کالای کشتی (ج) ...»

۴. مواد (۲۰) و (۲۱) لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۰- بازنگری و اصلاح

- ۱- فراهمایی (کنفرانسی) به منظور بازنگری یا اصلاح این کنوانسیون می‌تواند به وسیله سازمان برگزار شود.
- ۲- سازمان، فراهمایی دولت‌های عضو این کنوانسیون برای بازنگری یا اصلاح آن را بنا به درخواست حداقل یک‌سوم دولت‌های عضو تشکیل خواهد داد.

۳- بعد از تاریخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحیه این کنوانسیون، هر سندی که جهت تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق تودیع شود، چنین فرض می‌شود که در مورد کنوانسیون اصلاح‌شده اعمال خواهد شد، مگر اینکه خلاف آن در سند تصریح شود.

ماده ۲۱- بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه یا واحد پولی

۱- با وجود مفاد ماده (۲۰)، سازمان می‌تواند فراهمایی را تنها به منظور

←

این است؛ همین‌طور که مجلس اصل حق شرط را تصویب کرده و آن را تبدیل به قانون کرده است، در مورد لغو این حق شرط هم باید مجلس نظر بدهد. لذا در تبصره (۲) ماده واحده [که گفته است باید اصل (۷۷) در مواد (۲۰) و (۲۱) قانون اساسی رعایت شود] ما می‌گوییم که در مورد بند (۳) ماده (۱۸) هم باید اصل (۷۷) رعایت بشود. مجلس در تبصره (۲) ماده واحده اصل حق شرط را تصویب کرده است، ولی بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون می‌گوید لغو حق شرط به دست دولت است.^۱

آقای ابراهیمیان - منظور از دولت، در اینجا [= بند (۳) ماده (۱۸)] چیست؟

آقای رهپیک - واضح است؛ دولت یعنی قوه‌ی مجریه.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی مجلس را مجدداً بخوانید. این ایراد وارد نیست.

آقای اسماعیلی - اگر دولت بخواهد از حق شرط صرف نظر کند، باید از طریق قانونی برگردد.

آقای رهپیک - نه، تبصره (۲) چنین چیزی را ذکر نکرده است.

آقای علیزاده - منظور از دولت در این ماده مرجعی است که قانوناً می‌تواند [حق شرط یا لغو آن را اعمال کند].

آقای ابراهیمیان - منظور از دولت، دولت متعاهد است.

آقای رهپیک - نه، منظور از دولت در اینجا قوه‌ی مجریه است.

۱. «مسئله‌ی قابل تأملی که در ارتباط با این موافقتنامه وجود دارد این است که به موجب بند (۳) ماده (۱۸) این موافقتنامه «هر دولتی که قید تحدید تعهدی نسبت به این کنوانسیون در نظر گرفته است می‌تواند در هر زمانی به وسیله اطلاعیه‌ای خطاب به دبیر کل از آن صرف نظر نماید.» در خصوص این حکم توجه به این نکته لازم است که به موجب تبصره (۱) ماده واحده مصوبه مجلس «... جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) آن، توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اعمال نمی‌شود.» به عبارتی مجلس در مصوبه خود الحاق به این موافقتنامه را به صورت مقید پذیرفته است و حال آنکه به موجب بند (۳) ماده (۱۸) موافقتنامه الحاقی امکان رفع قید و تحدید را تنها از طریق صدور اطلاعیه به دبیر کل ممکن دانسته است. از سوی دیگر به موجب تبصره (۲) ماده واحده رعایت اصل (۷۷) تنها در اجرای مواد (۲۰) و (۲۱) این موافقتنامه الزامی دانسته شده است و در خصوص بند (۳) ماده (۱۸) این قید رعایت نشده است. در نتیجه، مغایرت بند مزبور با اصل (۷۷) را به ذهن متبادر می‌سازد و به تبع آن به دلیل تفویض انصراف از حق شرط مذکور در تبصره (۱) ماده واحده به دولت، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی نیز می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱، صص ۳-۴، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/7mYE0

آقای علیزاده - کنوانسیون تحدید دعاوی برای مسئولیت دریایی همین است؟

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای سوادکوهی - چه مشکلی دارد؟

آقای اسماعیلی - این مصوبه در جلسه‌ی قبل [جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان] بحث شد. این مصوبه، اصلاً یک اشکال دارد.

آقای رهپیک - ما در مجمع مشورتی حقوقی به این مصوبه یک اشکال داریم. قرار شد نظر آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی به این مصوبه هم بررسی شود.

آقای مدرسی یزدی - ما آن هفته [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸] گفتیم که این کنوانسیون تحدید مسئولیت کرده است، در حالی که تحدید مسئولیت در برخی موارد [که مسئولیت از جنبه‌ی شرعی محقق است]، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - اشکال شما [= آقای رهپیک] چیست؟

آقای رهپیک - اشکالی که به نظر می‌رسد این است که این مصوبه، در دو مورد خاص به دولت اجازه داده است که حق شرط بپذیرد؛ یعنی دو مورد از مفاد این کنوانسیون می‌تواند از تعهدات دولت استثناء بشود. تبصره (۱) ماده واحده بیان کرده است که «به موجب بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون، جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اعمال نمی‌شود.» بند (۱) ماده (۱۸)، همین دو جزء را ذکر کرده است. بند (۳) ماده (۱۸) گفته است که همین دو تا حق شرطی که الآن مجلس در تبصره (۱) آنها را ذکر کرده است، دولت می‌تواند آنها را با یک اطلاعیه لغو کند. اشکال ما

→

تغییر مقادیر مشخص شده در مواد (۶) و (۷) و بند (۲) ماده (۸) یا جایگزین کردن واحدهای دیگری با یک یا هر دو واحد تعریف شده در بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) طبق بندهای (۲) و (۳) این ماده برگزار نماید. تغییر مقادیر تنها زمانی انجام خواهد شد که ارزش مقادیر مزبور به میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده باشد.

۲- سازمان، فراهامی مزبور را حسب درخواست حداقل یک‌چهارم دولت‌های عضو برگزار خواهد کرد.

۳- تصمیم به تغییر مقادیر یا جایگزینی واحدها با واحدهای دیگر به وسیله اکثریت دوسوم دولت‌های عضو حاضر و رأی‌دهنده در فراهامی مزبور اتخاذ خواهد شد.

۴- هر دولتی که سند خود مبنی بر تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق به کنوانسیون را بعد از لازم‌الاجراء شدن اصلاحیه تودیع کند، کنوانسیون اصلاح‌شده را اعمال خواهد کرد.»

آقای هاشمی شاهرودی - این کار مانند این است که قانون بگوید دولت مجاز است این قرارداد را ببندد و مجاز است آن را فسخ کند.

آقای رهپیک - اگر دولت دو تا حق شرطی را که مجلس آنها را وضع کرده است، حذف کند، به معنای اصلاح این کنوانسیون است.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر؛ در این صورت، دولت از این کنوانسیون خارج می‌شود، تمام می‌شود.

آقای رهپیک - نه، از این کنوانسیون خارج نمی‌شود. الآن این کنوانسیونی که تصویب شده است، حق اصلاحش با کیست؟
آقای مدرسی یزدی - در آن صورت، این کنوانسیون اصلاح نمی‌شود؛ لغو می‌شود.

آقای رهپیک - نه، مجلس یک شرطی را برای پیوستن به این کنوانسیون وضع کرده است. حالا [بند (۳) ماده (۱۸)] می‌گوید اگر دولتی خواست این شرط را بردارد، [با اعلام اطلاعیه از آن شرط صرف نظر می‌کند].

آقای هاشمی شاهرودی - دولت مجاز است که این شرط را بردارد.

آقای علیزاده - دولت نمی‌تواند شرطی را که مجلس گذاشته است، بردارد؛ خود مجلس باید لغو این شرط را تصویب کند.

آقای رهپیک - نه، تبصره (۲) در مورد وضع این قیود تحدید است. در این کنوانسیون تنها در دو مورد اجازه داده است که ما حق رزرو داشته باشیم. [بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون] می‌گوید دولت می‌تواند با اطلاعیه‌ای خطاب به دبیر کل، از قید تحدید تعهد صرف نظر کند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب بله.

آقای علیزاده - دولت نمی‌تواند [مستقلاً چنین کاری کند].

آقای رهپیک - این کار به منزله‌ی اصلاح مصوبه‌ی مجلس است.

آقای علیزاده - دولت نمی‌تواند بدون مصوبه‌ی مجلس، وضع شرط کند، لیکن نیازی به ذکر چنین قیدی ندارد.

آقای رهپیک - خب، تبصره (۲) چنین چیزی نگفته است. تبصره (۲) گفته است که فقط در خصوص اصلاحات مذکور در مواد (۲۰) و (۲۱)، اینها باید برای تأیید به مجلس بیاید؛ یعنی در مورد ماده (۱۸) چنین الزامی را نگفته است. این تبصره، حصر را می‌رساند دیگر؛ گفته است فقط اصلاحات مربوط به مواد (۲۰) و (۲۱)، لازم است به تأیید مجلس برسد.

آقای علیزاده - مگر دولت می‌تواند مستقلاً از حق شرط صرف نظر کند؟!

آقای ابراهیمیان - منظور، دولت متعاقد و عضو است که معادل (STATE) است. اینجا دیگر معنای کلمه‌ی «دولت»، قوه‌ی مجریه نیست.

آقای رهپیک - در تبصره (۲) ماده واحده به طور خاص گفته است که رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی فقط در مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون الزامی است؛ چنین الزامی را در مورد ماده (۱۸) نگفته است. ما می‌گوییم که بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون هم باید در این تبصره ذکر شود. آنجا [در مواد (۲۰) و (۲۱)] هم، «دولت» را ذکر کرده است، ولی در تبصره (۲) به طور انحصاری رعایت اصل (۷۷) را فقط در مواد (۲۰) و (۲۱) لازم دانسته است.

آقای هاشمی شاهرودی - همچنان که دولت می‌تواند اجازه دهد که یک قرارداد یا کنوانسیونی بسته شود، می‌تواند اجازه دهد که فسخش بکنند.

آقای رهپیک - آن، حرف دیگری است.

آقای هاشمی شاهرودی - این [= مفاد بند (۳) ماده (۱۸)] همان است؛ دولت می‌تواند حق شرط را فسخ کند. چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - تبصره (۲) گفته است اصل حق شرط را باید مجلس تصویب کند.

آقای هاشمی شاهرودی - اختیار فسخ حق شرط، منافاتی با این [الزام به مذکور در تبصره (۲)] ندارد.

آقای رهپیک - اگر مجلس به دولت اجازه‌ی فسخ حق شرط را بدهد، این یک حرفی است [که ممکن است پذیرفتنی باشد].

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه نیز همین‌طور است؛ می‌گوید دولت مجاز است قرارداد منعقد کند و مجاز است که آن را فسخ بکند. چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - [بند (۳) ماده (۱۸) در مورد] فسخ قرارداد نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، من در پاسخ به اشکال ایشان [= آقای رهپیک] می‌گویم؛ ایشان می‌گوید دولت الآن ممکن است نه از راه قانونی [و تصویب در مجلس] بلکه خودش مستقیماً شرطی را که قرار داده است، فسخ کند. خب این کار چه اشکالی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - جناب آقای دکتر [زهپیک]، چرا شما این دو تبصره را با هم خلط می‌کنید؟

آقای رهپیک - ما خلط نکردیم.

آقای علیزاده - چرا؛ تبصره (۱) می‌خواهد بگوید در بند (۱) ماده (۱۸) که به دولت متعهد اجازه داده است که نسبت به آن موارد حق شرط قائل شود، من مجلس در این موارد برایتان حق شرط قائل می‌شوم.

آقای رهپیک - تبصره (۲)، فقط در مورد همین دو مورد [= مواد (۲۰) و (۲۱)] از کنوانسیون گفته است [که تصویب مجلس الزامی است].

آقای علیزاده - آن تبصره (۲)، یک چیز دیگری است. اصلاً آن تبصره مربوط به وضع حق شرط نیست؛ بلکه مربوط به مواد (۲۰) و (۲۱) است که مربوط به اصلاح کنوانسیون است.

آقای رهپیک - بله، این مواد مربوط به اصلاح است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - تبصره (۲) در مورد اصلاح کنوانسیون گفته است که هر وقت کنوانسیون اصلاح بشود، باید این اصلاحیه برای تأیید به مجلس بیاید. مجلس در تبصره (۲)، این حق شرط را وضع کرده است و لذا فردا با حرف فلان آقا، این حق شرط قابل برداشتن نیست، چرا؟ چون این تبصره، مصوبه‌ی مجلس است.

لذا چون در آنجا [= مواد (۲۰) و (۲۱)] به دولت اختیار پذیرش اصلاحات کنوانسیون را می‌داد، این تبصره به دولت گفته است که آقای دولت، هر جایی که در این مواد به تو گفته است که می‌توانی اصلاحات کنوانسیون را بپذیری، تو نمی‌توانی رأساً آن اصلاحات را بپذیری، بلکه باید اصلاحیه را به صورت لایحه به مجلس بیاوری تا من مجلس آن را تصویب کنم. من مجلس این حق شرط را در تبصره (۲) گذاشته‌ام، پس این شرط برای همه الزام‌آور است، تا همین مرجعی که این حق شرط را وضع کرده است، خودش این حق شرط را بردارد.

آقای رهپیک - الآن بند (۳) ماده (۱۸) می‌گوید دولت می‌تواند این حق شرط و قید تحدید تعهد را بردارد. حالا آیا برداشتن این حق شرط، اصلاح نیست؟

آقای علیزاده - برداشتن حق شرط اصلاح نیست.

آقای رهپیک - چطور اصلاح نیست؟!

آقای علیزاده - برداشتن حق شرط اصلاح نیست.

آقای رهپیک - چطور وضع آن اصلاح است، ولی برداشتن آن

اصلاح نیست؟!

آقای علیزاده - تبصره (۱) گفته است شما که طبق بند (۱) ماده (۱۸) به دولت جمهوری اسلامی ایران اختیار داده‌اید که حق شرط قائل بشود، من مجلس این حق شرط را برای دولت قائل شده‌ام و آن را می‌پذیرم؛ اینها را باید خود دولت عمل بکند. اما تبصره (۲) مربوط به حق اصلاح کنوانسیون است. اصلاح کنوانسیون اصلاً ربطی به حق شرط ندارد.

آقای رهپیک - شما بند (۳) ماده (۱۸) را بخوانید؛ می‌گوید دولت می‌تواند یک اطلاعیه به دبیر کل بدهد و بگوید من این حق شرط و قید تحدید تعهد را برمی‌دارم.

آقای علیزاده - الآن دولت ما ملزم به این شروط است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - نه، بگذارید اشکال ایشان [= آقای رهپیک] روشن بشود. من اول فکر می‌کردم که این مصوبه در مورد خارج شدن دولت از اصل این کنوانسیون را می‌گوید. ما گفتیم که خارج شدن از کنوانسیون به تصویب مجلس احتیاجی ندارد [و دولت با صلاحدید خود می‌تواند از این کنوانسیون خارج شود]. اما الآن می‌بینم که بحث بر سر این است که فرض کنید یک حق شرطی به نفع دولت ایران [در چارچوب ماده (۱۸)] گذاشته شده است. این حق شرط با تصویب مجلس برای ما قرار داده شده است...

آقای علیزاده - دولت نمی‌تواند این حق شرط را بردارد.

آقای مدرسی یزدی - ما هم می‌گوییم دولت نمی‌تواند رأساً آن حق شرط را بردارد؛ ولی ظاهر بند (۳) ماده (۱۸) این است که دولت این حق را دارد. شما عبارت را بخوانید.

آقای علیزاده - نه، ظاهر این بند، این نیست.

آقای رهپیک - بند (۳) را بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - ظاهر این بند این است که هرگاه دولت بخواهد، می‌تواند صرف نظر از تصویب مجلس، مستقلاً حق شرط را بردارد.

آقای علیزاده - نه، ما نمی‌توانیم مصوبه‌ی مجلس را با ظاهر آن رد کنیم. مصوبه‌ی مجلس، منع [لغو حق شرط توسط دولت به صورت مستقل] است. مجلس این حق شرط را در هنگام پیوستن به کنوانسیون گذاشته است.

آقای رهپیک - شما تبصره (۲) ماده واحده را بخوانید؛ رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی منحصرأ در مورد مواد (۲۰) و (۲۱) لازم دانسته شده است.

آقای علیزاده - مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون برای تغییر و اصلاح کنوانسیون است که اصلاً ربطی به مفاد بند (۳) ماده (۱۸) ندارد.

آقای مدرسی یزدی - رفع حق شرط با تغییر مفاد کنوانسیون [از جهت لزوم تصویب در مجلس] چه فرقی دارد؟
آقای اسماعیلی - رأی بگیرید.

آقای یزدی - یک اشکالی هم آقایان اعضای مجمع مشورتی در قم به این مصوبه وارد کرده‌اند. آنها هم می‌گویند [وقتی این کنوانسیون تحدید مسئولیت ایجاد می‌کند]، در مواردی که دیه محقق است، [خلاف شرع است].^۱ من می‌خواهم بگویم که تبصره (۲) ماده واحده این اشکال را هم حل نمی‌کند. این تبصره اشکال را حل می‌کند؟

آقای علیزاده - آن اشکال دیگری است که بعداً در مورد آن بحث می‌کنیم. الان، آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه مغایر با اصل (۷۷) قانون اساسی است، چون مجلس در مصوبه‌ی خود گفته است که دولت می‌تواند حق شرط را بردارد، رأی بدهند.

آقای مؤمن - ایراد این است که دولت می‌تواند بدون تصویب مجلس، حق شرط را بردارد.

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه، مغایر اصل (۷۷) است.

آقای علیزاده - چهار رأی شد.

آقای رهپیک - این مغایرت، سه تا رأی دارد.

آقای علیزاده - اگر آن ایراد تحدید مسئولیت که آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی فرموده‌اند را قبول دارید بفرمایید توضیح دهید. چون من آن ایراد را متوجه نمی‌شوم.

آقای یزدی - من می‌خواهم بگویم با وجود تبصره (۲)، آن محدودیت برداشته می‌شود؛ یعنی مجلس مشروط کرده است که باید اصل (۷۷) رعایت بشود. وقتی این اصل رعایت بشود، معنای آن این است که اگر یک‌جایی واقعاً دیه داشت باید مطابق شرع، دیه‌ی آن پرداخت شود. اشکال ایشان [= دکتر رهپیک] و مجمع مشورتی فقهی یک مطلب بیشتر نیست. بحث این است که ممکن است در مواردی از نظر شرعی مسئولیت

آقای اسماعیلی - دقیقاً با همان لحنی که در بند (۳) ماده (۱۸) آمده است، در بند (۱) این ماده نیز گفته شده است که هر دولتی می‌تواند حق شرط بگذارد. لحن بند (۱)، دقیقاً همان لحن بند (۳) است. بند (۱) می‌گوید هر دولتی می‌تواند حق شرط بگذارد و بند (۳) هم می‌گوید هر دولتی می‌تواند از حق شرط خود صرف نظر کند.

آقای مدرسی یزدی - کجا چنین چیزی را گفته است؟

آقای اسماعیلی - بند (۱) ماده (۱۸) گفته است: «هر دولتی در زمان امضاء، تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند در مورد حق استثناء نمودن اعمال جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲)، قید تحدید تعهد در نظر بگیرد...».

آقای مدرسی یزدی - خب، منظور بند (۱) زمانی است که مجلس آن را تصویب کند.

آقای رهپیک - خب، این استثناء را مجلس تصویب کرده است.

آقای اسماعیلی - بند (۳) گفته است که هر دولتی می‌تواند حق شرطی را که قبلاً گذاشته است، بردارد.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای رهپیک - خب مجلس، دیگر این موضوع [= لزوم تصویب مجلس برای صرف نظر کردن از این حق شرط] را در این مصوبه، ذکر نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - بند (۱) ماده (۱۸) می‌گوید دولت‌ها در زمان امضا یا تصویب یا فلان، می‌توانند برای خود قید تحدید تعهد در نظر بگیرند. در تبصره (۱) ماده واحده این قید آمده است که چنین چیزی باید به تصویب مجلس برسد، ولی در مورد آن بند (۳)، چنین قیدی نیامده است.

آقای اسماعیلی - در بند (۱) ماده (۱۸) این کنوانسیون [برای وضع قید تحدید تعهد] که شرطی مقرر نشده است. این کنوانسیون‌ها که ناقض قوانین داخلی کشورها نیستند [و نمی‌توانند باشند]. لذا بند (۳) ماده (۱۸) فقط دارد می‌گوید که دولت‌ها حق صرف نظر از قیود تحدید تعهد خود را دارند. حالا دولت [اگر می‌خواهد از قیود تحدید تعهد خود صرف نظر کند] باید از مجاری قانونی خود این کار را بکند، نه اینکه بر خلاف قانون داخلی خود این کار را انجام دهد.

آقای رهپیک - مجلس در تبصره (۲) ماده واحده گفته است فقط در مورد مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون، رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی الزامی است و چنین چیزی را در مورد بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون نگفته است.

۱. «نظر بعضی از اعضاء این بود که اطلاق محدود نمودن موجود در کنوانسیون از جهت شمول نسبت به مواردی که شرعاً دیه دارد یا خسارت واقعی (قیمت واقعی یا مثل) بیش از مقدار معین، محدود شده باشد، خلاف شرع می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/4R05a

آقای مدرسی یزدی - و همچنین بحث غیر دیه را.
آقای علیزاده - حالا که آقای شب‌زنده‌دار اشکالات مجمع مشورتی فقهی را توضیح ندادند، حاج‌آقای مؤمن بفرمایند.
آقای مؤمن - بسم الله الرحمن الرحیم. مجمع دو تا ایراد به این مصوبه گرفته است. من ایراد اول را نمی‌گویم؛ چون یک نفر چنین ایرادی گرفته است.^۲ این ایراد استثنائاً در نظر مجمع ذکر شده است. ایراد دوم که واقعاً ایراد است، این است که برخی از اعضا گفته‌اند که دولت ایران با الحاق به این کنوانسیون برای خودش حق تحدید مسئولیت قرار داده است. خوب، معنای تحدید مسئولیت هم به همان ترتیبی که گفته شده است، این است که دولت متعهد درصد خاصی از بعضی از امور را به عهده می‌گیرد. اطلاق یا عموم این شرط، همه‌جا را شامل می‌شود؛ یعنی مثلاً یک نفر به خاطر اینکه در یک کشتی نشسته و یک آسیبی به وی وارد شده است که این آسیب از نظر شرعی دیه دارد و دیه‌ی آن مسلم است را هم شامل می‌شود. مثلاً دست فرد شکسته است یا گوشش آسیب دیده است که از نظر شرعی مسلم است که دیه‌ی آن چه مبلغی باید باشد. خوب اینکه طرف متعهد مسئولیت خودش را در اینجا تحدید می‌کند، معنایش این است که من فقط به اندازه‌ای که در اینجا

→

جانی با مقررات فقهی راجع به دیه که در قوانین داخلی کشور ما انعکاس یافته است تعارض دارد؛ وانگهی پیش‌بینی می‌شود از این نظر با ایراد شورای محترم نگهبان مواجه شود. این مسئله زمانی دشوارتر می‌گردد که توجه شود که در خصوص مقررات مربوط به این مسئله، اجازه حق شرط نیز به اعضای کنوانسیون داده نشده است. بنابراین یا باید کنوانسیون مذکور را با همین ایراد پذیرفت و یا به طور کلی الحاق به آن را رد نمود. افزون بر این، شکل‌گیری دوگانگی در نظام حقوقی پرداخت خسارت ناشی از فوت و صدمه بدنی در صورت الحاق به این کنوانسیون در خصوص خسارات بدنی ناشی از کشتیرانی و خسارات بدنی ناشی از غیر آن، از دیگر مشکلات بر سر راه الحاق این کنوانسیون به نظر می‌رسد؛ لذا عدم تصویب آن پیشنهاد می‌شود. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعوی دریایی، شماره ۲۹/۱۳۰۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/rJsCT

۲. «نظر بعضی از اعضاء این بود که به کارگیری لفظ «کنوانسیون» در اصل ماده واحده و تبصره‌های آن خلاف اصل پانزدهم قانون اساسی می‌باشد. در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که چه بسا لفظ مذکور لفظی است که به صورت متعارف در زبان فارسی به کار برده می‌شود و لذا جنبه غیر فارسی بودن آن از بین رفته است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۴۲/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/4R05a

طرفین یک حد معینی داشته باشد، در این صورت نمی‌تواند آن را زیاده‌تر یا کمتر کند. خوب، این درست است؛ ولی چون اینجا در تبصره (۲) ماده واحده گفته است که باید اصل (۷۷) قانون اساسی رعایت بشود، این مشکل برطرف می‌شود.
آقای مدرسی یزدی - این ایراد را رأی بگیری.

آقای علیزاده - تبصره (۲) مربوط به اصلاح کنوانسیون است؛ ربطی به این موارد ندارد.

آقای یزدی - خوب، یعنی در هر نوع اصلاحی که در مفاد کنوانسیون بخواهند بکنند، باید اصل (۷۷) رعایت بشود تا خلاف قانون شرعی نباشد. یعنی باید آن اصلاحات به تصویب مجلس برسد تا «قانون» شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، اصل این کنوانسیون مبنی بر تحدید مسئولیت است.

آقای یزدی - بله، درست است که در یک جاهایی ممکن است این تحدید مسئولیت، مستلزم خلاف شرع باشد؛ اما اگر ما به این کنوانسیون تحدید مسئولیت بیونندیم، ولی قید کرده باشیم که در موارد خلاف شرع، باید نظر ما رعایت شود، اشکالی نخواهد داشت.

آقای مدرسی یزدی - ما این قید را کجا گفته‌ایم؟

آقای ابراهیمیان - جایی نگفته‌ایم.

آقای یزدی - من می‌خواهم بگویم که تبصره (۲) دارد این مطلب را می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - نه، این تبصره دلالت بر این معنا ندارد.

آقای یزدی - ما در الحاق به بعضی دیگر از کنوانسیون‌ها هم همین حرف را می‌زدیم؛ می‌گفتیم اگر قیدی [در پذیرش موافقتنامه] آمده باشد، کافی است آن قید رعایت بشود [تا ایرادی پیش نیاید].

آقای ابراهیمیان - خود مرکز پژوهش‌های مجلس هم زمانی که مجلس می‌خواست این لایحه را تصویب بکند، در اظهار نظرشان نظرات فقهی را گرفتند. آنها هم عقیده داشتند و به مجلس نیز اعلام کردند که این کنوانسیون از حیث این که بحث دیات را زیر سؤال می‌برد، خلاف شرع است.^۱

۱. «کنوانسیون تحدید مسئولیت در دعوی دریایی به رغم قدیمی بودن و تردید در پاسخگویی به اقتضانات مدرن صنعت حمل و نقل دریایی واجد نکات مثبت و مفیدی است که از آن جمله پیش‌بینی محدودیت برای مسئولیت اشخاصی فعال در امر کشتیرانی و نیز تأسیس صندوق مخصوص به پرداخت خسارات می‌باشد، اما در خصوص خسارات بدنی و تلفات

←

آقای مؤمن - دولت‌ها با هم قرارداد می‌بندند؛ یعنی اشخاصی که مشمول این کنوانسیون هستند، با یکدیگر قرارداد می‌بندند، نه با صاحب مال.

آقای هاشمی شاهرودی - صاحب کشتی با صاحب بار قرارداد می‌بندد؛ پس با چه کسی قرارداد می‌بندد؟

آقای ابراهیمیان - این کنوانسیون هم ضمانات عقدی را شامل می‌شود، هم ضمانات غیر عقدی را؛ یعنی اگر کشتی به یک اسکله‌ای برخورد کند، [صاحب کشتی، به اندازه‌ی تعهدش مسئولیت دارد و ضامن است].

آقای هاشمی شاهرودی - صاحب کشتی از اول، با آن کسی که سوار کشتی شده است و یا بارش را تحویل کشتی داده است، شرط کرده است [که اگر خسارتی وارد شد، بیش از میزان مورد تعهد، خسارت نمی‌پردازد].

آقای مؤمن - نه، چنین شرطی نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی که دولتی ملحق به این کنوانسیون شد که قانون شده است، طبق این قانون عمل می‌کند. مسافر یا صاحب بار باید قانون را بداند.

آقای مؤمن - نه، صاحب کشتی با اشخاص حقیقی شرط نمی‌کند. اگر به عنوان شرط ضمن عقد بود که خود این کنوانسیون و افرادی که عضو این کنوانسیون هستند، با اشخاصی که مشمول این کنوانسیون هستند و به آن ملحق شده‌اند، بین خودشان شرط می‌بستند، [دیگر چه نیازی به امضا از سوی دولت‌ها داشت؟]

آقای هاشمی شاهرودی - امضاکنندگان این کنوانسیون که دولت‌ها هستند.

آقای مؤمن - بحث، همین است؛ چون دولت‌ها هستند که دارند این کار را می‌کنند [می‌گوییم از سنخ شرط ضمن عقد نیست؛] وگرنه اگر متعاهدان این کنوانسیون مردم بودند [می‌شد آن را شرط ضمن عقد تلقی کرد].

آقای هاشمی شاهرودی - این کنوانسیون، برای مردم است؛ برای اموال مردم است. یعنی افرادی که بارهایشان را بر می‌دارند [و تحویل کشتی می‌دهند، چنین شرطی را پذیرفته‌اند].

آقای مؤمن - نه، مردم با کسی قرارداد نبسته‌اند. نه، مردم به این معنی چنین حقی ندارند دیگر. [در صورتی این تحدید مسئولیت، شرط ضمن عقد است که] چنین چیزی را شرط بکنند.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً فرض کنید که فرد بگوید من این قانونتان را قبول ندارم.

تعهد می‌کنم مسئولیت می‌پذیرم که دیه را بپردازم و اگر مقدار دیه، زیادتر از مسئولیت من باشد، آن را نمی‌پذیرم. یا اینکه اگر در جایی مالی از شخصی از بین برود، به خاطر اینکه آن را در کشتی بار کرده است، باز این شخص تحدید مسئولیت کرده است؛ یعنی گفته است که من درصد خاصی از مسئولیت را در اینجا قبول می‌کنم؛ یعنی کشتیران درصد خاصی را به عنوان جریمه قبول می‌کند که به آن شخصی که صاحب آن بار بوده است بپردازد و چه بسا درصدی که این شخص قبول می‌کند، کمتر از قیمت واقعی جنسی باشد که از بین رفته است. از این جهت، چون اطلاق این تحدید مسئولیت اقتضا می‌کند در مواردی که از نظر شرعی موظف است تمام دیه یا تمام قیمت جنس را به صاحبش بپردازد، چیزی کمتر از آن مقدار شرعی بپردازد، این مصوبه از این جهت خلاف شرع است؛ چون که وقتی دولتی وارد این کنوانسیون شد و مسئولیت خودش را محدود کرد، تعهد می‌کند که [به اندازه‌ی تعهد خود مسئولیت قبول کند؛ ولو اینکه خسارت] کمتر از آن مقدار واقعی باشد. این اشکال دوم مجمع مشورتی فقهی است؛ گفته‌اند: «۲- نظر بعضی از اعضاء این بود که اطلاق محدود نمودن موجود در کنوانسیون از جهت شمول نسبت به مواردی که شرعاً دیه دارد یا خسارت واقعی (قیمت واقعی یا مثل) بیش از مقدار معین محدود شده باشد، خلاف شرع می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - مگر مفاد این کنوانسیون، شرط ضمن عقد نمی‌شود؟

آقای مؤمن - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر، دارد طبق این قانون، مفاد این کنوانسیون را ضمن عقد شرط می‌کند.

آقای مؤمن - با چه کسی شرط می‌کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - به طرفی که ممکن است به او خسارت وارد شود، می‌گوید من که مال تو را بار می‌کنم، اگر خسارتی به آن وارد شد، بیش از میزانی که تعهد کردم، ملزم به پرداخت خسارت نیستم.

آقای مؤمن - با چه کسی شرط می‌کند؟ نه، این‌طور نیست؛ این کنوانسیون که با اشخاص شرط نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا، صاحب کشتی با کسی که بارش را حمل می‌کند، چنین شرطی می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، این کنوانسیون، قانون است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، قانون، شرط ضمن عقد می‌شود دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، آن فرد در کشتی ننشیند.

آقای مدرس یزدی - در کشتی ننشیند؟!

آقای هاشمی شاهرودی - بله، چون شرط من صاحب کشتی این است که اگر شما می‌خواهی بنشینی باید این قانون را رعایت کنی.

آقای مدرس یزدی - بابا، اصلاً فرد از چنین قانونی خبر ندارد؛ چون با فرد چنین صحبتی نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر خبر ندارد، خب برود و قانون را یاد بگیرد؛ مثل همه‌ی کارهای عمومی است.

آقای مدرس یزدی - پس جوابش این نیست که فرد بارش را مثل بقیه قرار ندهد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه دیگر، این قوانین، شرط ضمنی تلقی می‌شود.

آقای ره‌پیک - این کنوانسیون‌های مربوط به حمل و نقل هوایی، دریایی و... چیزهای تشریفاتی است. اصلاً این امور را نمی‌شود خارج از چهارچوب دولت انجام داد. در هیچ کشوری کسی نمی‌تواند پرواز هوایی مستقلی داشته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - حمل و نقل هوایی همین‌طور است؛ حمل و نقل زمینی هم همین‌طور است.

آقای مدرس یزدی - آن موضوع، غیر از این است. این کنوانسیون، قانون است.

آقای هاشمی شاهرودی - این قانون بعد از اینکه جعل شد، شرط ضمن عقد تلقی می‌شود.

آقای مؤمن - نه آقا، این کنوانسیون قرارداد بین خود دولت‌ها است؛ یعنی کسانی که ملحق به این کنوانسیون هستند.

آقای مدرس یزدی - اشخاص نمی‌دانند چطور باید مطلع بر مفاد این کنوانسیون باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب حرفی است! حاج آقا، کنوانسیون که بین دول است؛ این تحدید مسئولیت برای مردمی است که سوار کشتی می‌شوند؛ مثل حمل و نقل هواپیمایی و... .

آقای مؤمن - نخیر، دولت‌ها بین خودشان با هم قرار گذاشته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - دولت‌ها که با همدیگر کاری ندارند.

آقای مؤمن - مثل این است که خود دولت‌ها می‌گویند ما که ملحق به این کنوانسیون هستیم، مسئولیت خودمان را در این موارد، محدود به این حدی که گفتیم می‌کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نسبت به چه؟ نسبت به بارهایی که جابه‌جا می‌کنند، نسبت به افرادی که سوار کشتی می‌شوند.

آقای مؤمن - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، آن افراد، صاحب حق هستند.

آقای ابراهیمیان - این کنوانسیون برای دعاوی مسافری هم هست؛ چون این کنوانسیون، فقط مربوط به روابط بین دولت‌ها نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - برای هر چه که باشد؛ برای هر کسی که می‌خواهد در یک کشتی بنشیند دیگر.

آقای مؤمن - نه، این کنوانسیون مربوط به مردم نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا فرقی نمی‌کند؛ چه شخص حقیقی باشد، چه حقوقی باشد، چه دولت باشد.

آقای ابراهیمیان - فلسفه‌ی این کنوانسیون از این ناشی می‌شود که از قرون وسطا به این‌طرف، کشتی‌ها که به کسی خسارت می‌زدند یا سبب زیان می‌شدند، می‌گفتند نهایت کار این است که

ما کشتی را با بارش از صاحب کشتی می‌گیریم و او را ول می‌کنیم و می‌گوییم تو برو به امان خدا. این فرمولی است که

میزان مسئولیت را در تمام مطالبات، به (N) درصدی از آن تناژ^۱ و ظرفیت محدود کرده است؛ چه این مسئولیت قراردادی باشد و

چه فهری. یعنی مثل این است که من صاحب کشتی بگویم آقا، این کشتی مال شما، دیگر از من چی می‌خواهید؟ در واقع در

این کنوانسیون، مثل سیستم دیات، یک جدول باری را قرار داده‌اند که باید راجع به آن اظهار نظر بشود. این تحدید

مسئولیت، هم راجع به دعاوی شخصی است و هم غیر آن؛ یعنی اگر یک مسافر سوار کشتی می‌شود، این محدودیت‌ها در بلیت

او درج می‌شود. خب، در این موارد، مشکل حل است؛ چون می‌گوییم این، توافق قراردادی است. اما موضوع تحدید

مسئولیت در این کنوانسیون، فقط محدود به این مسئله نیست، بلکه اگر در یک‌جایی کشتی به یک اسکله برخورد کند و به یک

شرکتی خسارت بزند و دعوایی بین صاحب کشتی و صاحب اسکله ایجاد شود، در این حالت نیز به موجب این کنوانسیون،

دادگاه نمی‌تواند بیشتر از بارج رسمی [مذکور در کنوانسیون] حکم بدهد؛ یعنی دادگاه به همین قدر حکم می‌کند.

آقای ره‌پیک - ایران هم به این کنوانسیون ملحق شده است.

آقای مؤمن - نه، ایران با آنها [= اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی] چنین قراردادی نبسته است.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر، کنوانسیون برای کسانی است که به آن ملحق شده‌اند.

۱. «تناژ» (به انگلیسی: Tonnage)، یکای اندازه‌گیری گنجایش حمل بار برای کشتی است.

آقای مؤمن - دولت‌ها به این کنوانسیون ملحق شده‌اند، [نه اشخاص حقیقی و حقوقی].

آقای ابراهیمیان - وقتی که دولتی به یک کنوانسیون ملحق می‌شود، دادگاه و مراجع قضایی خودش را موظف می‌کند که وقتی یک شخصی می‌خواهد از شما خسارت بگیرد، اگر خسارت واقعی درصدی بالاتر از میزان محدودشده در کنوانسیون باشد، شما نمی‌توانید به آن خسارت واقعی حکم کنید.

آقای مؤمن - این، خلاف شرع است.

آقای ابراهیمیان - الان، امروز شما در جمهوری اسلامی می‌توانید [نمونه‌های دیگری از این دست را پیدا کنید].

آقای علیزاده - [خسارتی که دادگاه‌ها به آن حکم می‌کنند] در هیچ‌جا و در هیچ‌موردی، کمتر از میزان واقعی مورد معامله نیست. **آقای ابراهیمیان -** بله، حالا آن مطلب درست است؛ ولی الان ما در جمهوری اسلامی می‌توانیم یک قانونی بگذاریم [که خسارت پرداختی در برخی موارد خاص، کمتر از میزان واقعی باشد].

آقای علیزاده - در امور بین‌المللی، طرف که نمی‌آید با یک‌یک آدم‌ها قرارداد ببندد؛ بلکه با دولت آنها قرارداد می‌بندد.

آقای مدرسی یزدی - این جواب فایده‌ای ندارد. این، جواب آن اشکال نیست. آن اشکال یک جواب دیگری دارد که اینها جواب آن نیست. جواب آن اشکال این است که دولت می‌تواند قرارداد ببندد از جهت اینکه ولیّ امر این اختیار را بر عهده‌ی مجلس گذاشته است.

آقای علیزاده - ما هم همین را داریم می‌گوییم؛ ما داریم می‌گوییم مگر مردم یک مملکت یکی‌یکی می‌آیند [و با سایر دولت‌ها قرارداد می‌بندند؟!]. الان شما که سوار هواپیما می‌شوید، [با چه کسی قرارداد می‌بندید؟] پرداخت خسارت به چه نحو است؟ من یادم می‌آید در آن هواپیمایی که سقوط کرد، مردم آمدند و گفتند به اندازه‌ی دیه، خسارت می‌خواهند، اما خسارت پرداختی بیشتر از دیه‌ی یک نفر بود. گفتند هیچ اشکالی ندارد بیشتر از دیه را بگیرید، ان‌شاءالله نوش جانتان باشد. ولی شما این مسائل را در امور داخلی می‌گویید.

آقای مدرسی یزدی - دوباره که همان حرف‌ها را تکرار می‌کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، قطار اصفهان که [سانحه دیده بود و] پرونده‌اش مدت‌ها در دستگاه قضایی در جریان بود، [همین بحث‌ها در آن مورد مطرح بود]. در آن پرونده، خسارت‌دیدگان می‌خواستند بیشتر از دیه خسارت بگیرند؛ چون بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی، به سانحه‌دیدگان

خیلی بیشتر از دیه خسارت می‌دهند.

آقای مؤمن - در این کنوانسیون تحدید مسئولیت می‌خواهند کمتر خسارت بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، حالا آن بحث دیگری است. مقصود من این است که از لحاظ قانونی، مقررات کنوانسیون، شرط ضمن عقد می‌شود. هیچ فرقی هم در مورد هواپیما، راه‌آهن و دریا وجود ندارد؛ همه‌اش یکی است. با این حال، اگر شمال می‌خواهد اشکال شرعی بگیرید، خوب است. رأی بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - حاج‌آقا [ی مؤمن]، شما که خودتان این اشکال را بیان فرمودید، آیا جوابی برای آن دارید یا نه؟ **آقای مؤمن -** نه.

آقای مدرسی یزدی - اشکالتان وارد است، ولی این مسئله، از اختیارات ولی امر است. اگر او فرمود که این مقدار خسارت پرداخت شود، ما می‌گوییم چشم، قبول می‌کنیم.

آقای علیزاده - تبیین بفرمایید کدام ماده را می‌فرمایید که اطلاق محدود نمودن مسئولیت در این کنوانسیون خلاف موازین شرع است؟

آقای مؤمن - از جهت شمول این کنوانسیون نسبت ...

آقای علیزاده - این مصوبه از جهت شمول نسبت به مواردی که شرعاً دیه دارد یا میزان خسارت واقعی از لحاظ قیمت یا مثل، بیش از مقدار معین محدودشده باشد، خلاف شرع می‌باشد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای مؤمن - ما که رأی می‌دهیم.

منشی جلسه - این ایراد دو رأی دارد. پس ما این مصوبه را مغایر موازین شرعی نمی‌دانیم.

آقای یزدی - ما این مصوبه را مجاز می‌دانیم.

آقای هاشمی شاهرودی - اجمالاً این قبیل کنوانسیون‌ها، شروط ضمن عقد هستند.

آقای مدرسی یزدی - این شروط، شروط باطل هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، شروط باطل نیستند.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد، طبق این شرط، خسارت‌دیده اجازه داده است [که کمتر از خسارت واقعی پرداخت شود]؛ قطع ضمان کرده است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که اطلاق این کنوانسیون ایراد دارد.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۵۶/۱۶۷۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون

لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

منشی جلسه - «لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه

تجارت الکترونیکی^۱

ماده واحده- به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی اجازه داده می‌شود نسبت به وصول بهای خدماتی که به متقاضیان ارائه می‌دهد، اقدام کند و وجوه حاصل را به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

تبصره- انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه هر یک از آنها بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات می‌رسد.»

آقای هاشمی شاهرودی - مجمع مشورتی حقوقی چه اشکالی به این مصوبه گرفته است؟

آقای ره‌پیک - این مجمع، دو سه تا اشکال به این مصوبه گرفته است. یک اشکال اصلی این مصوبه این است که شورای عالی فضای مجازی که [در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷] به دستور آقا [= مقام معظم رهبری] تشکیل شد، در اساسنامه [ی مرکز ملی فضای مجازی] وظایفی پیش‌بینی شده است که سیاست‌گذاری تعیین نرخ، جزء وظایف [کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور] آن شورا است.^۲ حتی در یکی از این مصوبات، کمیسیون

→

تحدید مسئولیت برای دعای دریایی مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

۱. لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵۲/۱۸۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. شورای عالی فضای مجازی به استناد حکم مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷، موضوع تشکیل مرکز ملی فضای مجازی کشور، در جلسه ششم شورای عالی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱، اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی را تصویب نمود که پس از استحضار مقام معظم رهبری (طی نامه شماره ۰۱/۹۱/۱۲۴/ش مورخ ۱۳۹۱/۵/۱) جهت اجرا ابلاغ شد. به موجب ماده (۹) این اساسنامه، جهت تصمیم‌سازی و تحقق

←

تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی را منع کرده‌اند از اینکه در حوزه‌ی سلامت الکترونیک، نرخ تعیین کند.^۳ شورای عالی

→

مصوبات شورای عالی، مرکز در زمان تأسیس دارای سه کمیسیون عالی می‌باشد که اعضا و وظایف آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. یکی از این کمیسیون‌های عالی، «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» است. شورای عالی فضای مجازی، بر اساس ماده (۹) اساسنامه‌ی مرکز ملی فضای مجازی، شرح وظایف و اختیارات این کمیسیون را تعیین نموده است (ابلاغیه شماره ۰۱/۹۱۱۶۰/ش مورخ ۱۳۹۱/۷/۸). بر اساس مصوبه‌ی مزبور، «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» جهت تنظیم سیاست‌ها، نظارت، هدایت، هماهنگی و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های کلان در همه‌ی ابعاد فضای مجازی در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی تشکیل می‌شود. در این مصوبه، طی (۶) بند، وظایفی برای این کمیسیون مقرر شده است که از جمله‌ی آنها (در بند ۴)، «سیاست‌گذاری در زمینه‌ی نرخ‌گذاری برای کلیه‌ی خدمات فضای مجازی در چارچوب مصوبات شورای عالی» است.»

برای آگاهی بیشتر در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳، صص ۴-۶، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/oIgsq

۳. مصوبه مربوط به «اصول و سیاست‌های حاکم بر مجوز خدمات سلامت در فضای مجازی» مصوب کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی: «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۸ و ۱۳۹۳/۳/۱۱ در راستای بندهای (۲)، (۴) و (۶) شرح وظایف خود (ابلاغیه شماره ۰۱/۹۱۱۶۰/ش مورخ ۱۳۹۱/۷/۸) و همچنین در راستای ارتقای خدمات داخلی فضای مجازی و توسعه کاربرد شبکه ملی اطلاعات، «اصول و سیاست‌های حاکم بر مجوز خدمات سلامت در فضای مجازی» را به شرح زیر تصویب و جهت اجرا ابلاغ نمود:

۱- ...

همچنین با توجه به اینکه هرگونه صدور مجوز، وضع مقررات و تعرفه‌گذاری مغایر با اصول مصوب فوق‌الذکر، باعث ایجاد تداخل خواهد شد، مؤکداً تصویب شد که هرگونه اصلاح و تکمیل این اصول، صرفاً در محدوده اختیارات کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی است و سایر شوراها و کمیسیون‌هایی که به موجب شرح وظایف کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی، باید در حوزه فضای مجازی، تحت سیاست‌های این کمیسیون عالی عمل نمایند (از جمله کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و شورای عالی فناوری اطلاعات)، از هرگونه صدور مجوز، وضع مقررات و تعرفه‌گذاری در حوزه خدمات سلامت الکترونیکی منع شدند. تصویب سیاست‌های تعرفه‌گذاری در خصوص «خدمات سلامت در فضای مجازی»، در محدوده اختیارات کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی بوده و توسط مرکز ملی فضای مجازی ابلاغ خواهد شد.»

۴. «... بنابراین همان‌گونه که به وضوح برداشت می‌شود به موجب مصوبات «شورای عالی فضای مجازی» و همچنین «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» که در حکم مصوبات شورای عالی فضای مجازی است، اختیارات و صلاحیت‌های «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» باید در چارچوب صلاحیت‌ها و تصمیمات «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای

←

آقای مؤمن - این چیزی که الان مجلس تحت عنوان «لایحه تعیین تعرفه خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی» تصویب کرده است و در ده صفحه یا بیشتر، ضمیمه‌ی این ماده واحد شده است، آن چیزی است که باید در شورای نگهبان بررسی شود.

آقای رهپیک - کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور در چهارچوب سیاست‌های شورای عالی فضای مجازی، این نرخ‌ها را باید تعیین بکند.

آقای اسماعیلی - تعیین تعرفه که ایرادی ندارد دیگر.

آقای مؤمن - این مصوبه، مربوط به قیمت‌گذاری است؛ چیزی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون را باید مجلس تصویب کند. تازه، آقا [=مقام معظم رهبری] در مورد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هم چنین چیزی را قبول ندارد؛ ایشان می‌گویند هر جایی که مجلس زودتر قانون‌گذاری کرد، شورای عالی انقلاب فرهنگی باید تبعیت کند؛ وضعیت آن شورا هم این‌طوری است.

آقای مؤمن - الان مجلس این مصوبه را تصویب کرده است.

آقای رهپیک - مقام معظم رهبری گفته‌اند که به مصوبات شورای عالی فضای مجازی باید ترتیب اثر داده شود.^۳

آقای هاشمی شاهرودی - هر جایی که مجلس زودتر از این شورا قانون وضع کرد، مصوبه‌ی مجلس معتبر است.

آقای رهپیک - هنوز مجلس قانونی در این زمینه تصویب نکرده است. این لایحه را تازه [از طرف دولت] به مجلس داده‌اند.

آقای مؤمن - این لایحه، فقط مربوط به قیمت‌گذاری است.

آقای ابراهیمیان - قیمت‌گذاری خیلی امر مهم جزئی است؛ سیاست‌گذاری که نیست.

آقای رهپیک - بالاخره، تبصره ماده واحد گفته است دیگر؛ چون قیمت‌گذاری بحث مهمی است، گفته است در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل (۴۴) باشد.

آقای یزدی - این مصوبه، از این جهت مشکلی ندارد.

آقای رهپیک - این، اشکال اول بود.

آقای مؤمن - [ذیل قانون تجارت الکترونیکی مصوب

فضای مجازی در سال (۱۳۹۰) با حکم آقا [=مقام معظم رهبری] تشکیل داده شد. اساسنامه‌ی مرکز ملی فضای مجازی هم در سال (۱۳۹۱) به تأیید آقا رسیده است. این مرکز، سه تا کمیسیون دارد که این کمیسیون‌ها طبق اساسنامه وظایفی دارند.^۱ در ماده (۱۴) اساسنامه هم دارد که باید به مصوبات این شورای عالی ترتیب اثر بدهند؛^۲ مصوبات این شورا، مثل همان مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی این شورا می‌تواند خلاف قوانین مجلس چیزی را تصویب کند؟ معنای آن این نیست که چیزی را خلاف قوانین مجلس تصویب کند.

آقای مؤمن - بله.

آقای رهپیک - مصوبات این شورا، مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، شورای عالی انقلاب فرهنگی با این شورا خیلی فرق می‌کند. [معنای لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورای عالی مجازی] این نیست که مجلس دیگر نتواند در آن زمینه قانون‌گذاری بکند.

→

مجازی کشور» باشد. در نتیجه با توجه به جایگاه شورای عالی فضای مجازی و حکم مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ در خصوص ایجاد شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی و لزوم ترتیب اثر قانونی دادن به مصوبات این شورا، لایحه حاضر که اطلاق موضوع آن می‌تواند با صلاحیت‌های «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» در تعارض باشد، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۹۳۰۴۰۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳، ص ۸، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/olgsq

۱. ماده (۹) اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی کشور، مصوب ۱۳۹۱/۴/۲۱ شورای عالی فضای مجازی: «ماده ۹- کمیسیون‌های عالی: جهت تصمیم‌سازی و تحقق مصوبات شورای عالی، مرکز در زمان تأسیس دارای سه کمیسیون عالی زیر می‌باشد که اعضا و وظایف آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد:

۱- کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور

۲- کمیسیون عالی ارتقای تولید محتوای فضای مجازی کشور

۳- کمیسیون عالی امنیت فضای مجازی کشور»

۲. ماده (۱۴) اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی کشور، مصوب ۱۳۹۱/۴/۲۱ شورای عالی فضای مجازی: «ماده ۱۴- سایر الزامات فعالیت مرکز:

در راستای تحقق فرامین مندرج در حکم، کلیه دستگاه‌های کشور موظف به همکاری همه‌جانبه با مرکز می‌باشند و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات شورای عالی در همه سطوح توسط مرکز صورت می‌پذیرد. تصمیمات مرکز ملی، در چهارچوب مصوبات شورای عالی، برای کلیه دستگاه‌های کشور لازم‌الاجرا بوده و تخطی از آن تخلف محسوب می‌شود.»

۳. حکم مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل شورای عالی فضای مجازی و تعیین اعضای حقیقی و حقوقی آن مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷: «... شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن، ترتیب آثار قانونی داده شود.»

فضای مجازی می‌تواند [زیر نظر این مرکز] قرار بگیرد؛ یعنی این کارهای الکترونیکی خودبه‌خود در فضای مجازی هم هست؛ اما فضای مجازی یک بحث جدای کلی است که شورایی را مقام معظم رهبری برای آن قرار دادند و حدود و وظایفی برای آن معین کردند. [مرکز ملی فضای مجازی]، اساسنامه هم دارد که راجع به کم و زیادای پهنای باند و کارهایی از این قبیل که باید انجام بگیرد؛ مثل کنترل کردن اینترنت یا به قول خودشان فیلتر کردن یا فیلتر نکردن و بعضی چیزهای دیگر از این قبیل، فعالیت می‌کند. وظایف آن شورا، بیشتر در خصوص این مسائل است.

آقای رهپیک - این وظیفه هم جزء وظایف شورای عالی مجازی آمده است؛ سیاست‌گذاری در زمینه‌ی نرخ‌گذاری [جزء وظایف این شورا است].

آقای یزدی - این لایحه تعارضی با مسئله فضای مجازی و صلاحیت‌های شورای عالی فضای مجازی ندارد.

آقای رهپیک - یکی از مصوبات آن شورای عالی [در مورد وظایف «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور»] این است: «سیاست‌گذاری در زمینه نرخ‌گذاری برای کلیه خدمات فضای مجازی در چهارچوب مصوب شورای عالی».^۲

آقای علیزاده - نه، آن مصوبه، گفته است که این کمیسیون سیاست‌گذاری بکند.

آقای یزدی - بله، گفته است سیاست‌گذاری در زمینه‌ی نرخ‌گذاری خدماتی که در فضای مجازی ارائه می‌شود، نه نرخ‌گذاری برای خرید و فروش و تجارت. این اصلاً از آن مسئله انصراف دارد.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، آن چیزی که در آن مصوبه‌ی شورای عالی مجازی است، سیاست‌گذاری است نه نرخ‌گذاری. این مصوبه‌ی مجلس که نگفته است این مرکز، برای نرخ‌گذاری، سیاست‌گذاری‌ها را قبول نکند؛ مصوبه‌ی مجلس می‌گوید این مرکز، خدماتش را نرخ‌گذاری بکند. آقایان فرمودند که وظیفه‌ی این مرکز در تعیین نرخ، غیر از آن وظیفه‌ی سیاست‌گذاری برای نرخ‌گذاری است. حالا این مطلب مشخص است و ما بحثی در این زمینه نداریم. اگر آقایان از این جهت، به این مصوبه اشکالی دارند و آن را خلاف می‌دانند، بفرمایند.

۲. جزء (۶) بند (الف) مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص وظایف و اختیارات و اعضای «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» مصوب ۱۳۹۱/۶/۲۵.

۱۳۸۲/۱۰/۱۷ می‌گوید: «قانون فوق مشتمل بر هشتاد و یک ماده و هفت تبصره در جلسه روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.» این قانون، فرمایش آقا نیست. خود مجلس این قانون را تصویب کرده است و شورای نگهبان آن را تأیید کرده است.

آقای رهپیک - حاج‌آقا، منظور «مرکز توسعه تجارت الکترونیکی» نیست. ما یک شورای عالی فضای مجازی داریم. آن قانون، جدا از این شورا و مصوباتش است. توضیح این مطلب، در گزارش مجمع مشورتی حقوقی آمده است.

آقای مؤمن - بله، ولی توجه کنید؛ خود قانون تجارت الکترونیکی، این «مرکز توسعه تجارت الکترونیکی» را ایجاد کرده است.^۱ حالا این ماده واحده و تبصره‌اش می‌گوید اگر این مرکز خواست قیمت‌گذاری بکند، بیاید و به اینها [= کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات] بگوید تا این کمیسیون، این قیمت‌ها را تصویب کند.

آقای رهپیک - حاج‌آقا، بعد از تصویب آن قانون تجارت الکترونیکی، یک شورای عالی فضای مجازی با دستور آقا [= مقام معظم رهبری] تشکیل شد.

آقای مؤمن - این مصوبه با آن قانون کاری ندارد. این تبصره دارد قیمت‌گذاری را به این مرکز محول می‌کند.

آقای علیزاده - شما بگویید این ایراد کافی نیست؛ سابقه را هم بیاورید تا ما ببینیم که این ایراد مربوط به کجا است.

آقای یزدی - قیمت‌گذاری ربطی به شورای عالی فضای مجازی ندارد. آن شورای عالی فضای مجازی یک حساب جدایی دارد. کل فضای مجازی یک سری مقررات دارد و آن شورا هم مسئول مقررات مربوط به فضای مجازی است.

آقای رهپیک - تعیین تعرفه و مانند اینها هم، در وظایف آن شورای عالی مجازی آمده است.

آقای یزدی - این، یک بحث خاصی است که این ماده واحده می‌گوید مرکز توسعه تجارت الکترونیکی این خدمات را باید بدهد و قیمت‌گذاری هم باید انجام بدهد. معمولاً بخشی از کار

۱. ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۰- وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت‌های تجارت الکترونیکی، با تجمیع واحدهای ذی‌ربط، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین‌نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

آقای هاشمی شاهرودی - این کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات نمی‌تواند این نرخ‌گذاری را انجام دهد.

آقای رهپیک - یک اشکال دیگر [که در گزارش مجمع مشورتی حقوقی آمده،] در مورد ترکیب این کمیسیون است.^۱

آقای علیزاده - آقای دکتر [رهپیک]، الآن در این مصوبه در مورد [ترکیب اعضای] کمیسیون حرفی نمی‌زند. الآن ما نمی‌توانیم بگوییم [ترکیب اعضای] آن کمیسیون را خلاف قانون اساسی می‌دانیم. الآن در تبصره‌ی ماده واحده فقط گفته است که این نرخ‌ها به تصویب آن کمیسیون می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - چرا ما نمی‌توانیم اشکال وارد کنیم؟! اگر در مصوبه، وظیفه‌ای به آن کمیسیون بدهد که مناسب آن کمیسیون نیست، ما می‌توانیم این اشکال را بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - ایشان [= آقای رهپیک] می‌گوید که مجلس ترکیب اعضای این کمیسیون را درست کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، می‌گوید ترکیب این کمیسیون برای این کار ایراد دارد.

آقای رهپیک - بله، ترکیب اعضای کمیسیون برای این کار ایراد دارد. این مصوبه می‌گوید این کمیسیون تعرفه‌گذاری بکند، قیمت‌گذاری بکند؛ در حالی که این کار شبیه آیین‌نامه است. اگر این کار شبیه آیین‌نامه باشد، این جزو اختیارات هیئت وزیران است.

آقای علیزاده - اضافه کردن این صلاحیت‌ها برای آن کمیسیون ایراد دارد. نرخ‌گذاری کار دولت است؛ بله، واقعاً این اشکال دارد.

آقای رهپیک - بله، این مصوبه هم تعریف خدمات و هم تعیین

۱. «فارغ از ایراد مبنایی فوق، اعطاء صلاحیت تعیین انواع خدمات «مرکز توسعه تجارت الکترونیک» و همچنین تعرفه هر یک از آنها به «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» از دو جهت محل تأمل است: اول اینکه تعیین انواع خدمات مرکز توسعه تجارت با توجه به اینکه عموم و اطلاق آن می‌تواند باعث ایجاد و تعریف خدمات جدیدی شود و از سوی دیگر تعیین وظایف و خدمات یک نهاد، واجد ماهیت اساسنامه‌ای و تقنینی می‌باشد، واگذاری آن به «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات»، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ دوم اینکه تعیین تعرفه هر یک از خدمات به دلیل اینکه اکثر اعضاء «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» از غیر وزراء می‌باشند و تعیین چنین مواردی در واقع دارای ماهیت آیین‌نامه‌ای است مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی مبنی بر صلاحیت وزراء و هیئت وزیران در تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی جهت تأمین اجرای قوانین است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۹۳۰۴۰۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳، صص ۸ و ۹، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/oIgsq

نرخ‌گذاری را به دست این کمیسیون داده است.
آقای یزدی - [تعیین اعضای این کمیسیون] در اختیار دولت است.

آقای علیزاده - این مصوبه، اشکال دارد. تبصره‌ی ماده واحده گفته است: «انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه‌ی هر یک از آنها بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات می‌رسد.» اگر این کار تسعیر است، این تبصره اشکال دارد؛ چون تسعیر حق دولت است. این کار، کار اجرایی است.

آقای رهپیک - در ترکیب این کمیسیون، یک وزیر هست؛ بقیه‌ی اعضای آن، غیر وزیر هستند.

آقای علیزاده - ما در ایرادمان به این مصوبه بگوییم که واگذاری این نرخ‌گذاری به آن کمیسیون ایراد دارد. الآن ما به آن کمیسیون ایراد نمی‌گیریم. الآن ما به این وظیفه‌ای که مجلس دارد به موجب این قانون به آن کمیسیون می‌دهد، ایراد می‌گیریم؛ چون مجلس نمی‌تواند این وظیفه را با توجه به ترکیبی که این کمیسیون دارد، بر عهده‌ی آن بگذارد.

آقای یزدی - تبصره نمی‌گوید که کمیسیون نرخ‌گذاری بکند؛ می‌گوید این کمیسیون نرخ‌ها را تصویب می‌کند. معنای آن این است که این کمیسیون به عنوان کارشناس است، و آلاً اصل نرخ‌گذاری مربوط به دولت است.

آقای رهپیک - نه، خود کمیسیون نرخ‌گذاری می‌کند.

آقای علیزاده - نه، تبصره گفته است که این نرخ‌ها به تصویب کمیسیون برسد؛ نگفته است که این نرخ‌ها تأیید جای دیگر را هم می‌خواهد. اگر چنین چیزی را می‌گفت ایرادی نداشت. ما می‌گوییم واگذاری تصویب این موارد به آن کمیسیون ایراد دارد، مگر اینکه مصوبات این کمیسیون به تصویب دولت برسد.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ همه‌ی اعضای این کمیسیون، دولتی هستند.

آقای رهپیک - دولتی هستند، ولی همه‌ی اعضای باید از دولت [= هیئت وزیران] باشند؛ در حالی که تنها یک نفر وزیر در این کمیسیون هست.

آقای هاشمی شاهرودی - [طبق این تبصره، مصوبات این کمیسیون،] با پیشنهاد وزیر صنعت، معدن و تجارت است.

آقای علیزاده - خب کمیسیون می‌تواند پیشنهاد وزیر را رد بکند. این نرخ‌ها باید به تصویب وزیر یا هیئت وزیران برسد.

کشور، نماینده‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی و سه نفر صاحب‌نظر در امور ارتباطات و فناوری اطلاعات هستند.^۱

آقای علیزاده - سه نفر صاحب‌نظر هم که از اعضای این کمیسیون هستند، غیر دولتی هستند.

آقای مدرسی یزدی - در انتهای آن [= بند (ه) ماده (۶) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات] گفته است که باید به تصویب هیئت وزیران برسد.

آقای رهپیک - نه، انتخاب آن سه نفر را گفته است که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای مدرسی یزدی - بله، انتخاب آن سه نفر باید به تصویب هیئت وزیران برسد.

آقای رهپیک - خب، این سه نفر منتخب هیئت وزیران هستند، نه از اعضای هیئت وزیران.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی این کمیسیون که به تصویب هیئت وزیران نمی‌رسد.

آقای رهپیک - بله، اگر مصوبه‌ی این کمیسیون به تصویب هیئت وزیران می‌رسید، خوب بود [و اشکال برطرف می‌شد].

آقای ابراهیمیان - باید ببینیم ماهیت مصوبه‌ی این کمیسیون چیست؛ اگر از جنس آیین‌نامه و قانون‌گذاری باشد، ایراد دارد. اگر از جنس قانون باشد، مجلس باید تصویب کند و اگر از جنس آیین‌نامه باشد، هیئت وزیران باید معین کند؛ منتها اگر ما سطح تعرفه‌گذاری را پایین‌تر بیاوریم، مثلاً در حد بخشنامه باشد و یک ماهیت اجرایی داشته باشد، ...

آقای علیزاده - مگر این کمیسیون می‌تواند بخشنامه صادر بکند؟

آقای رهپیک - نه، بخشنامه را هم وزیر باید صادر کند.

آقای ابراهیمیان - بله، وزیر بخشنامه صادر می‌کند، نه هیئت وزیران؛ اما اگر تعیین تعرفه در حد مسائل اجرایی باشد، آن‌وقت ایراد این نیست که مصوبه‌ی کمیسیون باید به تصویب

۱. ماده (۶) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات از افراد زیر با استفاده از امکانات معاونت امور مخابراتی و اداره کل ارتباطات رادیویی تشکیل می‌گردد:

الف- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات (رئیس)

ب- معاون وزیر و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (دبیر)

ج- نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

د- نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی

ه- سه نفر صاحب‌نظر مرتبط در امور ارتباطات و فناوری اطلاعات با پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب هیئت وزیران.»

این مصوبه دارد برای مردم الزام ایجاد می‌کند.

آقای مؤمن - نه، این نرخ‌ها پیشنهاد وزیر است.

آقای رهپیک - به پیشنهاد وزیر است دیگر.

آقای علیزاده - باشد؛ ممکن است که کمیسیون پیشنهاد وزیر را نپذیرد.

آقای سوادکوهی - بله، این‌طور که نمی‌شود. اگر کمیسیون پیشنهاد وزیر را نپذیرد، چیز دیگری تصویب می‌کند. این مصوبه اشکال دارد. واقعاً ایراد آقایان صحیح است. ما از این جهت ایراد وارد می‌کنیم.

آقای رهپیک - این مصوبه، از این جهت اشکال دارد.

آقای علیزاده - واقعاً از این جهت اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای رهپیک - این آیین‌نامه، حق دولت است.

آقای مدرسی یزدی - اگر از جهت اصل بحث نرخ‌گذاری می‌گویید، اصلاً غیر ولیّ امر نمی‌تواند نرخ‌گذاری کند.

آقای رهپیک - نه، این شأن نرخ‌گذاری برای کمیسیون در سلسله مراتب قانونی در کجا قرار می‌گیرد؟

آقای علیزاده - الان این نرخ‌گذاری که این کمیسیون آن را تصویب می‌کند، چیست؟ قانون که نیست؛ پس آیین‌نامه است.

آقای مدرسی یزدی - آیین‌نامه که نیست.

آقای علیزاده - چرا، آیین‌نامه است. اگر آیین‌نامه نیست پس چیست؟ این کمیسیون می‌خواهد انواع خدمات و نرخ آنها را تعیین بکند.

آقای رهپیک - بالاخره، این مصوبه در مورد چیست؟

آقای علیزاده - یا دولت باید نرخ‌گذاری را تعیین بکند، یا مجلس باید تعیین بکند.

آقای مدرسی یزدی - نه، هر چیزی که دولت [باید آن را تعیین کند، یعنی اینکه] از طریق دولت انجام پذیرد، نه اینکه خود دولت مستقیماً تعیین کند.

آقای علیزاده - تبصره این را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - امور اجرایی از طریق دولت، در این کمیسیون انجام می‌شود.

آقای رهپیک - این کمیسیون می‌خواهد برای کل کشور قیمت‌گذاری کند.

آقای علیزاده - اعضای این کمیسیون از اعضای دولت هستند؟

آقای رهپیک - یک نفر از آنها، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات است و بقیه، معاون وزیر، نماینده‌ی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

هیئت وزیران برسد؛ چون امور اجرایی به خود قوه‌ی مجریه مربوط است و اینکه قوه‌ی مجریه چطور این امور را اجرا می‌کند به خودش مربوط است. در این صورت، این مصوبه‌ی مجلس فقط ترتیب اجرا را گفته است.

آقای علیزاده - اینها [=مجلس] نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید.

آقای ابراهیمیان - اگر ما بگوییم که خود دولت در یک ساختاری دارد تکلیف انجام این کار اجرایی را مشخص می‌کند؛ مثلاً اگر خود دولت لایحه‌ای در این زمینه بدهد و بگوید ما می‌خواهیم در یک ساختار ویژه این کار را بکنیم، این که ایرادی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، مجلس هم می‌تواند این ساختار را تأیید بکند.

آقای رهپیک - مجلس که نمی‌تواند چیزی بر خلاف قانون اساسی تصویب کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مصوبات این کمیسیون، نیاز به تأیید وزیر دولت دارد.

آقای علیزاده - بله، نیاز به تأیید وزیر دارد.

آقای رهپیک - این مصوبه، خلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی است دیگر. اگر نرخ‌گذاری در حد آیین‌نامه باشد باید به تصویب هیئت وزیران برسد.

آقای علیزاده - در اینجا فقط وزیر صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد نرخ‌گذاری می‌دهد؛ چیزی را تصویب نمی‌کند. اکثریت اعضای این کمیسیون وزیر نیستند و فقط یک نفر وزیر در آن هست.

آقای مدرسی یزدی - مطابق این مصوبه، دولت از طریق این وزیر، کار اجرایی را انجام دهد؛ کمیسیون که نمی‌خواهد کاری انجام دهد. الان نرخ‌گذاری پزشکان بیمارستان در دست کیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان نظام پزشکی.

آقای مدرسی یزدی - خب، آن هم یک همین طور است [و در دست دولت نیست].

آقای یزدی - نرخ‌گذاری در این تبصره، فقط مربوط به خدمات این مرکز است.

آقای علیزاده - باشد؛ مردم باید این مبالغ را پرداخت کنند.

آقای مدرسی یزدی - الان چه کسی نرخ‌گذاری پزشکان را تعیین می‌کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان نظام پزشکی.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر، خب تعرفه‌های پزشکی را نظام

پزشکی تعیین می‌کند، نه هیئت دولت.

آقای رهپیک - نه، تعیین تعرفه‌های پزشکی به دست نظام پزشکی نیست؛ همین اخیراً هیئت دولت تعرفه‌های پزشکی را تصویب کرد.

آقای مؤمن - بله، هیئت دولت هم می‌تواند تصویب کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هر دو می‌توانند تصویب بکنند.

آقای علیزاده - نه، دولت به سازمان نظام پزشکی اجازه می‌دهد که این سازمان این نرخ‌گذاری را اجرا بکند؛ وگرنه [نظام پزشکی نمی‌تواند مستقلاً نرخ‌گذاری کند].

آقای یزدی - تبصره‌ی این ماده واحده می‌گوید انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه‌ی هر یک از آنها بنا به پیشنهاد وزیر صنعت است. این تبصره فقط مربوط به تعرفه‌های خدماتی است که این مرکز آن خدمات را ارائه می‌دهد، نه نرخ‌گذاری روی جنسی که می‌خواهند بخرند.

آقای علیزاده - دولت خدمات را به مردم ارائه می‌دهد.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - پس بالطبع، دولت باید این نرخ‌گذاری را تصویب کند.

آقای یزدی - این کمیسیون دارد خدماتی را که این مرکز ارائه می‌دهد، نرخ‌گذاری می‌کند.

آقای علیزاده - خب همه‌ی اعضای این کمیسیون دولتی نیستند.

آقای یزدی - نرخ‌گذاری این کمیسیون، برای اجناس تجارتي نیست. یک‌وقتی است که شما می‌بینید نرخ‌گذاری بر روی اجناسی است که مردم می‌خواهند آن اجناس را خرید و فروش بکنند، این، یک حرف است؛ ولی یک‌وقتی نرخ‌گذاری روی خدماتی است که این تشکیلات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی آن خدمات را ارائه داده است؛ [این نرخ‌گذاری ایرادی ندارد]. «انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه‌های هر یک از آنها»، یعنی این کمیسیون، تعرفه‌های هر یک از آن خدماتی که این مرکز ارائه می‌دهد را بنا به پیشنهاد وزارت صنعت و معدن و تجارت تصویب بکند.

آقای علیزاده - این مصوبه، اشکال دارد.

آقای یزدی - نه، این مصوبه اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - چند نفر غیر وزیر هم جزء اعضای این کمیسیون هستند. افراد غیر دولتی هم در آن عضو هستند.

اشخاص صاحب‌نظر که دولتی نیستند.

آقای مدرسی یزدی - خب [=بند (ه) ماده (۶) قانون وظایف و

آقای علیزاده - حضرات آقایان، ما این ایراد را رأی گرفتیم؛ این ایراد رأی نیاورد.^۱

لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر

منشی جلسه - «لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر»^۲

ماده واحده - موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۱۲) و اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۱۳) این موافقتنامه^۴ الزامی است.

آقای علیزاده - حضرات آقایان، اگر نکته‌ای دارید، بفرمایید.

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۵۲/۱۸۶۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴، لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی مصوب جلسه مورخ بیستم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۸۷/۱۸۶۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۳. ماده (۱۲) لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲ - هر گونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای مفاد این موافقتنامه از طریق مشورت و مذاکره میان طرف‌ها حل و فصل می‌شود.»

۴. ماده (۱۳) لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳ - ۱- مفاد این موافقتنامه با توافق متقابل طرف‌ها می‌تواند اصلاح یا تکمیل گردد.

۲- اصلاحیه‌ها و تکمله‌های این موافقتنامه، جزء لاینفک آن را تشکیل می‌دهد و به صورت تشریفات (پروتکل)‌های جداگانه تنظیم می‌شوند که طبق رویه پیش‌بینی شده در ماده (۱۵) این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردند.»

اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات] گفته است که انتخاب این سه نفر صاحب‌نظر به تصویب هیئت وزیران باشد.

آقای علیزاده - مگر انتخاب آن سه نفر توسط هیئت وزیران، آنها را دولتی می‌کند؟ خب، اگر شما به این ایراد رأی می‌دهید، رأی بدهید؛ اگر رأی نمی‌دهید، ندهید.

آقای یزدی - لازم است که روشن بشود که نرخ‌گذاری اجناس مورد تجارت منظور نیست.

آقای ره‌پیک - این تبصره، خلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.

آقای یزدی - نرخ‌گذاری این کمیسیون، روی خدماتی است که این مرکز به مردم ارائه می‌دهد. این کمیسیون، نرخ خدمات آن مرکز را معین می‌کند.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به این تبصره اشکال دارند، رأی بدهند؛ از این جهت که این کمیسیون دارد نرخ‌گذاری خدمات را تصویب می‌کند، در حالی که بعضی افراد غیر دولتی هم در آن کمیسیون، عضو هستند و از آن طرف، غیر وزیر هم داخل آن کمیسیون هستند.

منشی جلسه - چهار رأی شد. رأی نیاورد.

آقای علیزاده - حاج‌آقای یزدی هم که معمولاً رأی می‌داد.

آقای یزدی - نه، من رأی نمی‌دهم. من این تبصره را خلاف قانون اساسی نمی‌بینم. من اصلاً حق این مرکز می‌بینم که این خدمتی را که ارائه می‌دهد، باید خودش هم نرخش را معین کند.

آقای علیزاده - حالا این ایراد رأی نیاورد دیگر؛ برویم.

آقای سلیمی - در [بند (ط)] ماده (۴۶) همین [قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)] مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصحلت نظام] آمده است: «ط - به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، مبالغی به عنوان حق امتیاز، خسارت و جریمه عدم انجام تعهدات مندرج در پروانه‌های صادره اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید ...». این بند، عین همین مطالب این مصوبه را آورده است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا شاید مجلس، این مطلب را تکرار کرده است.

آقای ره‌پیک - آن اخذ خسارت و مانند اینها یک‌چیز دیگری است. الان، این تبصره در مورد تعیین تعرفه، چیز جدیدی را بیان می‌کنند.

آقای رهپیک - یک شبهه‌ای در مورد در ماده (۴) این مصوبه هست. به حضورتان عرض شود که طبق تبصره‌ی ماده واحد، رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی در اجرای ماده (۱۳) این موافقتنامه الزامی شده است؛ چون موضوع ماده (۱۳) همین بحث اصلاح موافقتنامه است.

آقای علیزاده - تبصره در مورد ماده (۱۲) هم گفته است.

آقای رهپیک - بله؟

آقای علیزاده - در تبصره گفته است که در اجرای ماده (۱۲) و در اجرای ماده (۱۳).

آقای مدرس‌ی بزدی - بله، همان است.

آقای رهپیک - بله، اما منظور بنده ماده (۱۳) است که مربوط به اصلاح موافقتنامه است. حرف شما درست است. ممکن است که بندهای (۲) و (۳) ماده (۴) یک تردید و ابهامی داشته باشد که در اینجا، مقصود از این توافقات، همین توافقاتی است که به اصطلاح به عنوان موافقتنامه است یا چیز دیگری است؟ بند (۲) ماده (۴) گفته است: «تعامل میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها می‌تواند در سایر اشکال مورد توافق طرف‌ها نیز صورت گیرد.»

آقای مدرس‌ی بزدی - حرف بنده هم همین است؛ این بند، اطلاق دارد.

آقای رهپیک - یعنی مطابق بند (۲) ماده (۴) می‌شود یک توافق‌های دیگری به اشکال دیگری کرد؟ همچنین آن بند (۳) که در مورد پروتکل‌ها است هم شبهه دارد. البته شاید «تشریفات» ترجمه‌ی خوبی برای کلمه‌ی «پروتکل» نباشد؛ همان کلمه‌ی «قراردادها» بهتر است. منظور از «پروتکل‌ها» قراردادهای ضمیمه و مانند اینها است. بند (۳) گفته است که طرف‌ها می‌توانند این پروتکل‌ها را هم انجام بدهند.

آقای علیزاده - کجا را می‌فرمایید، بند (۱) را می‌فرمایید؟

آقای رهپیک - نه، بند (۲) و (۳) ماده (۴).

آقای علیزاده - بند (۲) ماده (۴) این است: «تعامل میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها می‌تواند در سایر اشکال مورد توافق طرف‌ها نیز صورت گیرد.»

آقای مدرس‌ی بزدی - بله، اطلاق بند (۲) اشکال دارد که شامل آن حدی که فراتر از این توافق را اجرا بکند هم می‌شود.

آقای علیزاده - بند (۲)، صحبت از توافق جدید که نمی‌کند؛ صحبت از «تعامل» است.

آقای اسماعیلی - این مسئله، یک مسئله‌ی اجرایی است.

آقای علیزاده - بله، مقصود، تعامل اجرایی است.

آقای رهپیک - حالا ما به این کلمه‌ها خیلی نباید اتکا کنیم؛ چون این کلمه‌ها ترجمه هستند.

آقای علیزاده - بند (۳) ماده (۴) به طور کلی مشخص است: «۳- نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها، به منظور انجام تعامل، تشریفات (پروتکل)هایی را در خصوص همکاری در زمینه تعیین‌شده در ماده (۲) این موافقتنامه منعقد می‌نمایند». نه، این بند ایراد ندارد.

آقای رهپیک - حالا رفع این اشکال ساده است؛ مجلس در تبصره‌ی ماده واحد بنویسد در ماده (۱۳) و (۴) [اصل (۷۷) قانون اساسی رعایت بشود].

آقای هاشمی شاهرودی - به نظر من، این اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - ما نمی‌توانیم بگوییم این ماده (۴) ایراد دارد؛ ما نمی‌توانیم به دولت بگوییم که شما تصویب توافقات در امور اجرایی را برای تأیید به مجلس بیاورید.

آقای رهپیک - سایر اشکال توافق، مسائل اجرایی نیست.

آقای علیزاده - بند (۲) ماده (۴) می‌گوید: «تعامل میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها می‌تواند در سایر اشکال مورد توافق طرف‌ها نیز صورت گیرد.»

آقای هاشمی شاهرودی - آن سایر توافقات، توافقاتی که مکمل می‌شود که مشمول ماده (۱۳) می‌شود.

آقای علیزاده - بله، آن توافقاتی که توافقاتی مکمل است. قبلاً تبصره‌ی ماده واحد گفته است که توافق مکمل به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. آقایانی که بند (۲) و (۳) ماده (۴) را مغایر اصل (۷۷) قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند.

آقای رهپیک - آیا این بندها از دید ما اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - به جای دیگری از این مصوبه ایراد ندارید؟

آقای رهپیک - نه، ایراد دیگری نداریم.

۱. ماده (۴) لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای

خزر مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴-»

۱- تعامل میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها در چهارچوب این موافقتنامه، به طور دوجانبه و چندجانبه، بدون خدشه وارد نمودن به منافع سایر طرف‌ها انجام می‌پذیرد و شامل مبادله اطلاعات، برگزاری جلسات و رایزنی‌ها، تبادل تجربیات و همچنین انجام فعالیت‌های توافق‌شده در زمینه‌های مشخص‌شده در ماده (۲) این موافقتنامه می‌باشد.

۲- تعامل میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها می‌تواند در سایر اشکال مورد توافق طرف‌ها نیز صورت گیرد.

۳- نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها، به منظور انجام تعامل، تشریفات (پروتکل)هایی را در خصوص همکاری در زمینه‌های تعیین‌شده در ماده (۲) این موافقتنامه منعقد می‌نمایند.»

آقای علیزاده - آقایان، اگر به این لایحه موافقتنامه اشکالی دارند، بفرمایند.

آقای مدرس یزدی - البته باز آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] یک اشکال دیگری هم به این مصوبه داشته‌اند،^۱ ولی کسی این اشکال را قبول نمی‌کند.

آقای علیزاده - پس آقایان اعضای شورای نگهبان، لایحه‌ی موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر را خلاف شرع و قانون اساسی ندانستند و ایرادی نداشتند؛ بنابراین، این موافقتنامه تأیید شد.^۲

طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار (اعاده‌شده از شورای نگهبان)»^۳

۱. «... مسئله عمده‌ای که در خصوص این موافقتنامه وجود دارد، اطلاق و عموم بندهای (۲) و (۳) ماده (۴) است که به نظر مغایر با اصل (۷۷) قانون اساسی است. بدین تفصیل که:

مطابق بند (۲) ماده (۴) «تعامل نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها می‌تواند در سایر اشکال مورد توافق طرف‌ها نیز صورت گیرد»؛ بنابراین تعامل در «سایر اشکال مورد توافق» مندرج در این بند از این جهت که می‌تواند متضمن قراردادی جدید باشد ابهام دارد و در این صورت لازم است منوط به رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی گردد.

بند (۳) ماده (۴) نیز مقرر داشته «نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها به منظور انجام تعامل، تشریفات (پروتکل‌هایی) را در خصوص همکاری در زمینه‌های تعیین‌شده در ماده (۲) این موافقتنامه منعقد می‌نمایند». لذا انعقاد تشریفات (پروتکل) موضوع این بند نیز می‌تواند دربرگیرنده معاهدات جدیدی باشد و در نتیجه لازم است به رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی در این خصوص تصریح شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۹ مورخ ۹۳/۳/۲۱، صص ۱۱-۱۲، قابل مشاهده در نشانی زیر: <http://yon.ir/LFOBs>.

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۲ مورخ ۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۸۷/۱۸۶۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴، لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر مصوب جلسه مورخ بیستم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۳. طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار

←

آقای علیزاده - این مصوبه‌ی بازگشتی از مجلس است. **منشی جلسه -** ایراد شورا [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۸۷ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۰] این بوده است: «ماده واحده از این حیث که تاریخ و مدت تمدید را مشخص ننموده و همچنین معلوم نیست که برای ردیف مرقوم محل مصرف دیگری در نظر گرفته شده یا خیر، و اینکه چه مبلغ از این ردیف باقی است و آیا مبلغ باقی‌مانده کفایت هزینه پیش‌بینی شده را می‌نماید یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که مجلس مصوبه‌اش را به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده واحده - به وزارت صنعت، معدن و تجارت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۳ در سقف بازرسان به کار گرفته‌شده در سال ۱۳۹۲ با تأمین اعتبار از ردیف ۱۷-۵۵۰۰۰۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، جهت اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات بدون هزینه جدید اقدام نماید.»

آقای علیزاده - عرض شود به حضورتان، یک ردیفی [در جداول قانون بودجه سال ۱۳۹۳] وجود دارد به شماره ردیف ۵۵۰۰۰۰، که اصلاً در شماره (۱۷) آن ردیف، عنوان «اعتبارات اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات» آمده است.^۴ من نمی‌خواهم این را رد یا تأیید کنم، اما به حضور شما عرض شود که در سال‌های گذشته هم اینها [= بازرسان شاغل در حوزه‌ی نظارت بر بازار] بوده‌اند و هزینه‌ی این کار را از همین ردیف می‌داده‌اند؛ منتها ردیف شماره (۱۷) مثلاً ردیف شماره (۱۴) بود. یک چیزی که الان مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی

→

معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ با قید دو فوریت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۴/۱۴۹۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ بررسی کرد و آن را از جهاتی دارای ابهام و غیر قابل اظهار نظر دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان بررسی و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۹ مورخ ۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۴. در ردیف (۱۷) جدول شماره (۹) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ کل کشور با عنوان «برآورد اعتبارات ردیف‌های متفرقه در سال ۱۳۹۳»، پانصد و هفتاد هزار میلیون ریال به «اعتبارات اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات» اختصاص یافته است.

پیش‌بینی شده، برای ما بار مالی اضافه دارد. لذا اشکال شورا در مورد تاریخ و مدت تمدید رفع شده، ولی اینکه آنجا چه دستگاه‌های دیگری [برای استفاده از آن ردیف اعتباری مربوط به بازرسی] بوده‌اند و اینکه مبلغ اضافه‌ای از آن ردیف باقی می‌ماند یا خیر، [در این مصوبه‌ی اصلاحی پاسخی ارائه نشده و از این جهت، مفاد مصوبه] تغییری نکرده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - جواب این اشکال شما روشن است؛ [در این مصوبه، به دولت] «اجازه» داده شده است؛ لذا دولت می‌تواند این «اجازه» را استفاده نکند.

آقای سلیمی - اگر [منابعی از محل آن ردیف برای اجرای این مصوبه] باقی ماند، این مصوبه اجرا می‌شود؛ اگر هم باقی نماند، اجرا نمی‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - اجازه داده‌اند، یعنی اجازه دارید از این اجازه، استفاده نکنید.

آقای ابراهیمیان - در این مصوبه‌ی اصلاحی، گفته شده که بدون هزینه‌ی جدید باشد.

آقای علیزاده - بگذارید من راجع به این موضوع توضیح بدهم. بنده به کمیسیون رفتم؛ در کمیسیون داخلی مجلس، هر سه طرف آمده بودند؛ هم اعضای کمیسیون بودند، هم از وزارت صنعت بودند و هم آقایان معاونت رئیس‌جمهور که مخالف این مصوبه‌اند، همگی اینها بودند.

آقای رهپیک - دولت، مخالف است.

آقای علیزاده - بله، معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس‌جمهور مخالف است. اینها [= معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس‌جمهور با برخی وزارتخانه‌های دولت مانند وزارت صنعت، معدن و تجارت] گاهی با هم یک دعوایی دارند، می‌آیند این وسط ما را [وارد دعوای خودشان می‌کنند]. من حالا فهمیدم، آنجا هم به اینها گفتم که شما با هم دعوا دارید. دولت می‌گوید ما این جاها را برای این ردیف اعتباری داریم و می‌خواهیم بودجه‌ی بازرسان همین جا [= وزارت صنعت] را هم بدهیم، ولی می‌خواهیم برای این کار بازرسی، یک شرکت تشکیل بدهیم. من که در جلسه بودم به این نتیجه رسیدم که اینها می‌گویند ما می‌خواهیم یک شرکت تشکیل بدهیم که همان بازرسان بیایند و در قالب این شرکت کار بکنند؛ همین.

آقای مدرس‌ی یزدی - الآن قانون به نحوی شد که شرکت‌ها ملغی بشود.

کم کرده، این است که در این مصوبه‌ی قبلی جذب را تا سقف ۳۵۰۰ نفر گفته بودند، اما الآن گفته‌اند در سقف بازرسان به کار گرفته شده در سال ۱۳۹۲. اگر بخواهم حساب کنم، در سال‌های گذشته حدود سه هزار نفر می‌شوند؛ یعنی می‌خواستند امسال (۵۰۰) نفر را برای جذب اضافه بکنند که آن میزان اضافه [با نظر مرحله‌ی اول شورا و با این مصوبه‌ی اصلاحی]، جلوی جذب گرفته شد. توجه فرمودید؟ اینکه در نظریات نسبت به مصوبه‌ی سابق گفتیم که تاریخ تمدید هم معلوم نیست و تا کی باید تمدید بکنند، در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند در سال ۱۳۹۳ تمدید بکنند. توجه فرمودید؟ این ردیفی را هم که در نظر گرفته‌اند، مربوط است به اعتبارات اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات که برای همین کار پیش‌بینی شده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - اصل مصوبه هم به دولت «اجازه» داده بود، [نه اینکه دولت را تکلیف به انجام این کار کند].

آقای رهپیک - نه، من توضیح بدهم.

آقای مدرس‌ی یزدی - یعنی شما می‌خواهید بگویید ایراد دارد یا ایراد ندارد؟

آقای رهپیک - بله، ما می‌گوییم تا حدی ایراد باقی است. ببینید، اشکال شورا یکی در مورد تاریخ و مدت تمدید بود، یکی دیگر این بود که مصارف دیگر این ردیف چه چیزهایی است و اینکه [با توجه به سایر مصارف پیش‌بینی شده در آن ردیف] چقدر از بودجه‌ی آن ردیف باقی می‌ماند.

آقای علیزاده - آن ردیف، مصارف دیگری نداشته است.

آقای رهپیک - چرا؛ این ردیف عنوانش بازرسی است، ولی هم مجلس و هم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌گویند که این ردیف مختص به وزارت صنعت نبوده است.

آقای علیزاده - چرا، مختص همین کار بوده است.

آقای رهپیک - به عرض من توجه کنید. این ردیف مربوط به جهاد کشاورزی است، مربوط به گمرک است، مربوط به جاهای مختلفی است. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هم یک نامه در خصوص این مصوبه ارسال کرده مبنی بر اینکه آقا این ردیف، اول سال تعیین شده و هزینه‌ی مقابله هم تعیین شده است و اصلاً این ردیف، ربطی به این (۳۵۰۰) بازرسان وزارت صنعت ندارد. سازمان مدیریت می‌گوید ما برای تمام این دستگاه‌هایی که وظیفه‌ی بازرسی دارند، یک رقمی در آن ردیف دیده‌ایم که رقمش هم مشخص است. الآن سازمان می‌گوید به‌کارگیری این تعداد بازرسان که در این مصوبه

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - ببینید موضوع چه بوده است؟ این بازرسان، نیروی شرکتی بودند، حالا می‌خواستند وضعیت اینها را به قرارداد کار معین تبدیل بکنند. این تعداد از سقف مجوز قانون هم بالاتر است.

آقای علیزاده - بله، اعتبارات ردیف‌های موردی [= متفرقه]، موقت است. اما این اعتبار اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات را همه‌ساله در بودجه آورده‌اند؛ پارسال هم عین همین بوده، منتها شماره‌ی ردیفش با امسال تفاوت داشته است. این چند ردیفی که اینجا [در جدول شماره (۹) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ کل کشور] هست را ببینید. این مصوبه الان آمده و گفته که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری این بودجه را در اختیار وزارت صنعت قرار دهد. خودشان هم گفته‌اند؛ همان‌جا در کمیسیون داخلی مجلس هم همه‌شان این را قبول داشتند. [در مرحله‌ی قبل] موقعی که این مصوبه در شورای نگهبان مطرح شد، بنده در جلسه نبودم. فقط پنج نفر از آقایان فقها در آن جلسه [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۷] حضور داشتند. در آن جلسه آقایان فرموده بودند که این مصوبه ایراد ندارد. با وجود این، قبل از اینکه نامه‌ی دولت در خصوص آن مصوبه بیاید،^۱ من گفتم که این مصوبه یک ابهاماتی دارد. بعداً با آقایان اعضای شورا تلفنی صحبت کردیم و با نظر آنها آن ابهام را به مصوبه گرفتیم و [طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۸۷ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۰] به مجلس فرستادیم. من [برای تبیین نظر شورا و برطرف کردن ایراد مصوبه] به جلسه‌ی کمیسیون داخلی مجلس رفتم. آقایان، خلاصه‌ی آنچه که درباره‌ی این مصوبه گفتنی و مهم است این است که این ردیف همه‌ساله بوده است. در سال ۱۳۹۱ هم وجود داشته که جناب آقای محمدرضا رحیمی^۲ [در ابلاغیه‌ی مصوبه‌ی هیئت وزیران] گفته است که «وزارت صنعت و معدن و تجارت مجاز است نسبت به انعقاد قرارداد کار معین (مشخص) یا ساعتی با نیروهای بازرسی و نظارت در سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تا سقف سه هزار و دویست نفر از محل اعتبار ۴۹-۵۵۰۰۰۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور تا پایان سال

جاری اقدام نماید.»^۳ آن سال از همین ردیف و برای همین کار بودجه اختصاص داده‌اند. امسال هم خود اینها در مجلس، همه قبول داشتند که تا به حال ما برای این ردیف [= ردیف شماره (۱۷) جدول شماره (۹) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ کل کشور با عنوان «برآورد اعتبارات ردیف‌های متفرقه در سال ۱۳۹۳» به مبلغ پانصد و هفتاد هزار میلیون ریال برای «اعتبارات اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات»، هیچ مصرفی نکرده‌ایم. آن ردیف اصلاً برای همین مورد است. اینها [= نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور با نمایندگان وزارت صنعت، معدن و تجارت] وقتی حضوری با هم روبه‌رو شدند تنها اختلافی که داشتند، این بود که دولت می‌گوید ما باید برای امر بازرسی و بازرسان شرکت تشکیل بدهیم، اما وزارت صنعت می‌خواهد بروند همان برنامه‌ای که از سابق داشته‌اند را ادامه بدهند.

آقای رهپیک - قضیه برعکس است؛ حالا من عرض می‌کنم.

آقای علیزاده - نه، این‌طور نیست؛ من خودم [در جلسه‌ی کمیسیون داخلی مجلس] بودم، چه چیزی برعکس است؟! آقای رهپیک - ببینید، باید ببینیم اصل این مطلب چیست. این بازرسان را به صورت شرکتی می‌گرفتند. این یک‌طور نحوه‌ی انجام کار است؛ یعنی با یک شرکتی قرارداد می‌بندند، یک پولی می‌دهند، آن شرکت هم یک تعداد نیرو می‌گیرد و [کار بازرسی را برای آن دستگاه انجام می‌دهد]. لذا این نیرو مستقیماً با دستگاه ارتباطی ندارد. بنابراین، یک حداقل حقوقی به این بازرسان می‌دهند. در قانون مدیریت خدمات کشوری گفته شده

۳. مصوبه‌ی هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۵/۸ به شماره ۴۹۴۷۴۹/ت/۴۷۶۴۳ هـ و ابلاغی مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴. لازم به ذکر است که این مصوبه در همان سال با مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ هیئت وزیران به شماره‌ی ۴۷۶۴۳/ت/۲۵۲۶۳۳ و ابلاغی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹، با عنوان «اجازه انعقاد قرارداد کار معین (مشخص) یا ساعتی با نیروهای بازرسی و نظارت به وزارت صنعت، معدن و تجارت» نسخ صریح می‌شود. این مصوبه اظهار می‌دارد: «۱- وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان‌های حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و صنعت، معدن و تجارت استان‌ها) مجاز است از ابتدای سال ۱۳۹۱ نسبت به انعقاد قرارداد کار معین (مشخص) یا ساعتی با نیروهای بازرسی و نظارت تا سقف سه هزار و پانصد نفر، از محل اعتبار ردیف (۴۹-۵۵۰۰۰۰) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور اقدام نماید. جذب نیروهای جدید و جایگزین در سقف تعداد نفرات و اعتبار تعیین‌شده بلامانع است. ۲- این تصویب‌نامه جایگزین تصویب‌نامه‌ی شماره ۹۴۷۴۹/ت/۴۷۶۴۳ هـ مورخ ۱۴/۵/۱۳۹۱ می‌شود.»

۱. نامه‌ی شماره ۲۱/۹۳/۳۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ جانشین معاون توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس جمهور به شورای نگهبان.

۲. معاون اول رئیس جمهور در دوره‌ی نهم ریاست جمهوری آقای محمود احمدی‌نژاد.

دارد. الآن بحث سازمان مدیریت [= معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس جمهور] این است که همین وضعیت شرکتی را ادامه دهید.

آقای عزیزاده - شرکتی نبوده است؛ من سابقه‌ی این مصوبه را خوانده‌ام.

آقای ره‌پیک - این مصوبه‌ای که ما نسبت به آن ابهام گرفتیم، چه بود؟ در آن مصوبه آمدند و به‌کارگیری نیروهای شرکتی را به (۳۵۰۰) نفر بازرس به صورت قرارداد کار معین تبدیل کردند. مفاد این مصوبه دقیقاً همان مصوبه‌ای بود هیئت وزیران در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسانده بود و در کمیسیون تطبیق [= هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین] به دلیل اینکه خلاف قانون عادی بود، رد شد. برخی از نمایندگان مجلس آن مصوبه به صورت «طرح» در مجلس مطرح کردند تا آن را به صورت «قانون» درآورند. حالا سازمان مدیریت [= معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس جمهور] نامه زده و می‌گوید که آقا، این به‌کارگیری بازرسان به صورت کار معین نمی‌تواند انجام شود؛ این خلاف است و بودجه هم برای این کار وجود ندارد.

آقای عزیزاده - آقای دکتر، بودجه دارد.

آقای ره‌پیک - الآن سازمان مدیریت می‌گوید اگر آن وضعیت شرکتی قبلی را می‌خواهید ادامه بدهید، با همان بودجه‌ای که دارید ادامه دهید، ولی این ردیف [= ردیف ۱۷-۵۵۰۰۰۰۰ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ کل کشور] نمی‌تواند بار اضافه تحمل کند. حرفشان این است.

آقای عزیزاده - قراردادهای قبلی به صورت شرکتی نیست؛ الآن از سال ۱۳۹۱ تا به حال، قرارداد بازرسان به همین صورت کار معین بوده است؛ به صورت شرکتی نبوده است. وزارت صنعت در این سال‌ها بازرسان را در قالب قرارداد کار معین به‌کارگیری می‌کرده است. الآن اینها [= معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس جمهور] می‌گویند باید شرکتی شود. حرف این است، نه اینکه از گذشته تا الآن شرکتی بوده و از الآن می‌خواهند قراردادها را به قرارداد کار معین تبدیل کنند. حالا به هر حال، این ابهام‌های شورای نگهبان نسبت به این مصوبه رفع شده است. اگر حضرات آقایان می‌گویند که باز این ابهام باقی است، رأی به ابهام بدهند.

آقای ره‌پیک - ما می‌گوییم ابهام قسمت دوم نظر شورا، که گفته بود «معلوم نیست آیا برای ردیف مرقوم، محل مصرف

بود که دستگاه‌ها به نسبت کل پرسنل خود، تا ده درصد (۱۰٪) می‌توانند قرارداد کار معین ببندند.^۱ دولت [در سال ۱۳۹۱] یک مصوبه‌ای وضع کرد - همین مصوبه‌ای که ایشان [= آقای عزیزاده] می‌گویند^۲ تا خارج از آن سقف ده درصد (۱۰٪)، سه هزار و خرده‌ای نیروی قرارداد کار معین بگیرند. این مصوبه‌ی دولت به کمیسیون تطبیق [= هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین] رفت که کمیسیون تطبیق به آن ایراد گرفت و گفت خلاف قانون است^۳ و شما نمی‌توانید این مقدار نیروی کار معین را به‌کارگیری کنید. چون وقتی نیروی کار معین می‌گیرند، افزایش بودجه می‌خواهد. به نیروی شرکتی یک حداقلی از حقوق را می‌دهند، اما وقتی نیروی کار معین شد، یک رقمی باید به حقوق آن نیرو اضافه کنند. به هر حال، کمیسیون تطبیق [= هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین] آن مصوبه‌ی دولت را رد کرد. حالا اینها آمده‌اند آن چیزی را که در کمیسیون تطبیق رد شد، به صورت «طرح» به مجلس برده‌اند و آن را به تصویب رسانده‌اند؛ گفته‌اند (۳۵۰۰) تا بازرس کار معین جذب شود که این، نیاز به افزایش بودجه

۱. تبصره‌ی ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۲- ...

تبصره- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند در شرایط خاص، با تأیید سازمان، تا ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب، افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین، برای حداکثر یک سال به‌کار گیرند.»

۲. مصوبه‌ی هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۵/۸ به شماره ۹۴۷۴۹/ت۴۷۶۴۳-ه و ابلاغی مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴.

۳. نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ی شماره ۱۳۰۲/ه/ب مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۳ در رابطه با مصوبه‌ی جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۵/۸ هیئت وزیران: «نظر به اینکه تبصره ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری- مصوب ۱۳۸۶- برای انعقاد قرارداد کار معین و ساعتی شرایطی مشتمل بر تأیید معاونت توسعه و سرمایه‌ی انسانی رئیس جمهور، رعایت سقف ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب و مراعات سقف اعتبارات مصوب را مقرر کرده، ولی در مصوبه مذکور شرایط فوق مراعات نشده و ردیف اعتباری معرفی شده در مصوبه نیز مربوط به «اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان» بوده و ارتباطی با موضوع مصوبه ندارد، این مصوبه مغایر با قانون شناخته می‌شود.» و نیز نظر رئیس مجلس در نامه‌ی شماره ۱۵۲۸۱/ه/ب مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ در رابطه با تصویب‌نامه‌ی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ هیئت وزیران با عنوان «انعقاد قرارداد کار معین توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت»: «... از آنجا که تبصره ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری- مصوب ۱۳۸۶- به‌کارگیری افراد به صورت ساعتی و قرارداد کار معین را «تا ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب» مجاز دانسته است، علی‌هذا مصوبه مذکور از حیث عدم مراعات سقف مذکور، مغایر با قانون است.»

ماده واحده - مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به مدت دو سال تمدید می‌شود.

تبصره - دولت موظف است برای دائمی شدن این قانون، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد. «**آقای جنتی** - این عبارت «اقدامات قانونی لازم» یعنی چه؟ آیا این عبارت، دولت را ملزم به دادن لایحه نمی‌کند؟

«**آقای ره‌پیک** - چرا دیگر، آخرین نظر شورای نگهبان در این زمینه، نظری بود که در سال (۱۳۹۲) دادیم که گفتیم مقصود از «اقدامات قانونی لازم»، الزام دولت به دادن لایحه است.^۳

«**آقای هاشمی شاهرودی** - یعنی الزام دولت به دادن لایحه است.

«**آقای یزدی** - پیوست ضمیمه‌ی به این مفصلی به این مصوبه، به خاطر این است که قانون قبلی [هم به صورت آزمایشی تصویب شده است].

«**آقای علیزاده** - آخرین نظر شورا در مورد قانون استخدام نیروی انتظامی چه بوده است؟

«**آقای مدرسی یزدی** - منظور از «اقدامات قانونی لازم»، یعنی اینکه مجلس می‌خواهد این «طرح» را تبدیل به «لایحه» کند.

«**آقای ره‌پیک** - یعنی دولت لایحه‌ای، در این زمینه ارائه بدهد؟

«**آقای جنتی** - الان، خود این مصوبه، به صورت «لایحه» است.

«**آقای اسماعیلی** - بله، «لایحه» است.

«**آقای علیزاده** - آن قانون قبلی به صورت «لایحه» بوده است یا «طرح»؟

«**آقای مدرسی یزدی** - فکر نکنم پیشنهاد اولیه‌ی این قانون «طرح» بوده باشد؛ به صورت «لایحه» از سوی دولت بوده است.

«**آقای جنتی** - پس در قالب «لایحه» بوده است؟

→

مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۹۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۳. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی: «تکلیف دولت به اقدام قانونی لازم جهت دائمی نمودن قانون مذکور، مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

دیگری در نظر گرفته شده یا خیر، و اینکه چه مبلغ از این ردیف باقی است و آیا مبلغ باقی‌مانده کفایت هزینه پیش‌بینی شده را می‌نماید یا خیر» همچنان باقی است؛ چون مصوبه‌ی مجلس از این جهت تغییری نکرده است.

«**آقای علیزاده** - خب، دومین مطلب این است که اگر آقایان با این تفاسیر، این مصوبه را خلاف هر اصلی از قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند.

«**آقای ره‌پیک** - ما می‌گوییم این مصوبه بار مالی دارد و مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

«**آقای علیزاده** - اجازه‌ی یکساله به دولت که بار مالی ندارد.

«**آقای ره‌پیک** - نه، این «اجازه» که در اینجا آمده است که به معنای اختیار نیست.

«**آقای علیزاده** - خیلی خب، دیگر روشن است.

«**آقای یزدی** - در نظر قبلی شورا، اشکال بار مالی که گرفته نشده بود.^۱

لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون

استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

منشی جلسه - «لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران^۲

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۹ مورخ ۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۵۴/۲۰۹۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۸۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۰، طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار، که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۳۶/۲۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره‌ی ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات

←

دائمی کردن این قانون، یعنی الزام دولت به ارائه‌ی لایحه که اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر منظور از دائمی شدن، اشاره به این قانون باشد، خیلی خوب است.

آقای هاشمی شاهرودی - در حقیقت، مقصود این تبصره، الزام دولت به دادن لایحه است.

آقای ابراهیمیان - خب، مهلت آزمایشی قانون، وقتی می‌خواهد تمام بشود، چه بکنند؟

آقای یزدی - اشکال این تبصره، همان اشکال همیشگی است که الزام دولت به ارائه‌ی لایحه است.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند اطلاق این عبارت «اقدامات قانونی لازم» برای دائمی شدن این قانون، شامل الزام دولت به دادن «لایحه» هم می‌شود، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - چرا اطلاق؟

آقای رهپیک - اصلاً معنای اصل این عبارت، همین است؛ چون دولت وظیفه‌ی دیگری که ندارد.

آقای مدرسی یزدی - منظور همین است دیگر؛ این تبصره اطلاق ندارد که.

آقای علیزاده - دائمی شدن به معنای الزام دولت به دادن لایحه است؛ چون مقصود این تبصره این است که از این به بعد، این قانون تمدید نمی‌شود.

آقای مؤمن - اصل ماده [در لایحه‌ی تقدیمی دولت] چیست؟

آقای یزدی - کلاً این الزام دولت توسط مجلس به دادن لایحه، خلاف [اصل (۷۴)] قانون اساسی است. مجلس نمی‌تواند چنین کاری بکند.

آقای علیزاده - آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - با این قید که این موضوع، قانون دارد، این تبصره، اشکال دارد.

آقای رهپیک - نه، حالا این قانون هم نباشد، الزام دولت توسط مجلس برای ارائه‌ی لایحه اشکال دارد.

آقای علیزاده - بله، اشکال دارد.

آقای مؤمن - شما لایحه‌ی دولت را هم یک نگاهی بکنید.

آقای علیزاده - ما این‌طور بگوییم که عبارت تبصره، ظهور در الزام دولت به دادن لایحه دارد؛ بنابراین خلاف اصل (۷۴) قانون اساسی است.

آقای مدرسی یزدی - الزام دولت به دادن این «لایحه‌ی

آقای رهپیک - بله، پیشنهاد اولیه‌اش، به صورت «لایحه» بوده است.

آقای علیزاده - به هر حال، دولت که نمی‌تواند با «لایحه»، پیشنهاد تمدید قانون بدهد. دولت که نمی‌تواند این کار را بکند، می‌تواند؟

آقای مدرسی یزدی - ولی الآن دولت این تبصره را پیشنهاد داده است یا مجلس؟

آقای رهپیک - نه، تبصره را مجلس داده است.

آقای مدرسی یزدی - خب، اگر قبلش [دولت در لایحه‌ی خود این تبصره را] اضافه کرده باشد، درست نیست.

آقای رهپیک - مجلس تبصره را اضافه کرده است.

آقای مدرسی یزدی - مجلس تبصره را اضافه کرده است؛ یعنی می‌گوید که ما این قانون را می‌پسندیم؛ پس دولت برود و این قانون را دائمی کند.

آقای اسماعیلی - این تبصره، نمی‌گوید که دولت این قانون را دائمی کند.

آقای علیزاده - کجا گفته است که دولت باید دائمی کند؟

آقای مدرسی یزدی - معنای تبصره این است دیگر.

آقای رهپیک - تبصره می‌گوید دولت اقدامات لازم را انجام بدهد.

آقای مدرسی یزدی - مجلس می‌گوید [اقدامات قانونی لازم برای دائمی کردن] این قانون انجام شود؛ یعنی شاکله‌ی این قانون باید محفوظ باشد. خب، این کار درست نیست دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - شاکله‌ی این قانون که محفوظ است ...

آقای رهپیک - چه منظور این قانون باشد چه قانون دیگر باشد، ظاهراً مقصود از اقدام قانونی توسط دولت، چیزی جز ارائه‌ی «لایحه» که نیست؛ چون دولت وظیفه‌ی دیگری که ندارد.

آقای جنتی - سؤال من این بود که اگر یکی از این الزامات، الزام دولت به دادن لایحه باشد، آنوقت این تبصره، الزام دولت به ارائه‌ی لایحه می‌شود؟ آیا این‌طور است یا نه؟

آقای رهپیک - اصل این تبصره، همین است دیگر؛ اصلش الزام دولت به دادن لایحه است.

آقای اسماعیلی - اشکال هم همین است.

آقای رهپیک - بقیه‌ی الزامات که دیگر [ایراد] ندارد.

آقای علیزاده - اگر این تبصره برای دائمی کردن این قانون مثلاً می‌گفت که دولت اقدامات قانونی را در خصوص موضوع این لایحه معمول بدارد، اشکالی نداشت. ما هم می‌گفتیم دولت مثلاً می‌تواند بگوید این قانون تمدید بشود یا تمدید نشود؛ اما

مشخص»، خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - الزام دولت به لایحه‌ی غیرمشخص هم خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - ما کاری به این مسئله نداریم. ما می‌گوییم این تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به دادن لایحه دارد.

آقای ره‌پیک - بله، معنی اقدام قانونی همین است دیگر.

آقای جنتی - بحث تمام شد. رد شویم.

آقای ره‌پیک - البته حاج‌آقا، یک فکری باید در مورد تمدید قوانین آزمایشی کرد. بالاخره تصویب قانون آزمایشی برای یک ضرورتی بوده است. الآن این قانون ده سال به صورت آزمایشی بوده است و دوباره این قانون آزمایشی را، به صورت آزمایشی تمدید می‌کنند. باز هم بعد از دو سال، دوباره آن را تمدید می‌کنند. واقعاً این تمدید چندباره‌ی قانون آزمایشی، چه ضرورتی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - بله، این اشکال هم هست. واقعاً چرا ما در اینجا این اشکال همیشگی را وارد نکنیم؟ واقعاً چه ضرورتی دارد این قوانین به صورت آزمایشی باشد؟

آقای ره‌پیک - این قانون ده سال به صورت آزمایشی اجرا شده است. حالا می‌گذارند بعد از ده سال، وقتی که دارد مهلت این قانون تمام می‌شود، دوباره درخواست تمدید این قانون به صورت آزمایشی را می‌دهند.

آقای علیزاده - آقایان، تا به حال، ما به این تمدید شدن دوباره‌ی قانون به صورت آزمایشی ایرادی وارد نکرده‌ایم.

آقای جنتی - یعنی می‌فرمایید تمدید قانون، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است؟

آقای ره‌پیک - حالا واقعاً با یک تفسیری می‌توان این تمديدها را جایز ندانست.

آقای علیزاده - شورای نگهبان همیشه این تمديدها را قبول کرده است.

آقای ره‌پیک - بله، ما تا به حال، به چنین تمديدهایی ایراد نگرفته‌ایم، منتهی واقعاً ...

آقای علیزاده - ما الآن اگر می‌خواهیم در آن رویه‌ای که قبلاً داشته‌ایم، تغییر ایجاد کنیم، این تغییر منوط به این است که آقایان اعضا، این موضوع را یک بررسی دقیقی بکنند ...

آقای ره‌پیک - بله، باید یک بحث و بررسی دقیقی بشود.

آقای علیزاده - ... بعد، ما همه‌جا هم نمی‌توانیم این ایراد را مطرح کنیم. مثلاً قانون آیین دادرسی کیفری آزمایشی است؛ آیا

یک وقتی شده است که ما بگوییم دوباره بعد از (۵) سال اجرای آزمایشی، آن قانون تمدید نشود و همه‌ی تشکیلات به حالت سابق برگردد؟ یا اینکه مجلس بگوید که قانون آزمایشی دو سال دیگر باقی بماند تا مجلس وضعیت آن قانون را تکمیل کند؟ بنابراین ما نمی‌توانیم بپاییم و در این مورد به این کلیت اظهار نظر بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - اظهار نظر ما کلی نیست؛ در مورد این لایحه‌ی خاص است.

آقای جنتی - [این بحث، کلی نیست؛] موردی است. آیا شما تمدید همین مورد خاص را قبول دارید که اشکال دارد؟

آقای علیزاده - در مورد این موضوع موردی هم همین است؛ اگر قانون استخدام نیروی انتظامی تغییر پیدا بکند، تمام شاکله‌ی نیروی انتظامی تغییر پیدا می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - خب، لزومی ندارد که این قانون را تغییر بدهند؛ همین قانون را به صورت دائمی اصلاح کنند.

آقای علیزاده - اصلاح قانون، وقت می‌خواهد. بر فرض که قرار باشد حقوق کارکنان نیروی انتظامی تغییر پیدا کند، آیا می‌شود مجلس فردا این قانون را اصلاح بکند؟!

آقای مدرسی یزدی - یعنی بعد از گذشت (۱۰) سال، هنوز فرصت اصلاح این قانون فراهم نشده است؟!

آقای علیزاده - خب ببینید؛ اصلاح قانون که کار ما نیست. کار ما که نظرات بر کار مجلس یا دولت نیست.

آقای مدرسی یزدی - آیا اصل (۸۵) قانون اساسی چنین اجازه‌ای می‌دهد؟ این اصل گفته است که کمیسیون مجلس می‌تواند عندالضروره قانونی را آزمایشی تصویب کند.

آقای علیزاده - الآن هم عندالضروره، دولت آمده است و لایحه‌ای را در زمینه‌ی تمدید همان قانونی که مجلس آن را قبلاً به صورت آزمایشی تصویب کرده بود، ارائه داده و مجلس هم آن را تصویب کرده است.

آقای مدرسی یزدی - ولی ما هم باید ضرورت تمدید آزمایشی این مصوبه را احراز بکنیم.

آقای علیزاده - حالا کجای این مصوبه خلاف قانون اساسی است؟

آقای مدرسی یزدی - ما هم باید ضرورت تمدید دوباره‌ی آزمایشی این قانون را احراز بکنیم و آلاً تأیید ما معنا ندارد.

آقای ره‌پیک - به هر حال، این نکته‌ی قابل تأملی است.

آقای علیزاده - ضرورت تمدید این قانون، این است که اگر الآن این

کمیسیون‌های مجلس، ما یک‌بار در دفعه‌ی اول نظر می‌دهیم. از آن به بعد، در تمدید قوانین آزمایشی ما نمی‌توانیم دوباره سراغ بحث ضرورت برویم. فقط تنها جایی که از نظر تفسیری جای بحث و مانور دارد این است که اصل (۸۵) می‌گوید: «... در این صورت، این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود...». حالا آیا اختیار مجلس برای تعیین مدت اجرای قوانین آزمایشی مطلق و نامحدود است یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - نه، این اختیار به اندازه‌ی ضوابط است.

آقای ابراهیمیان - شاید ما بتوانیم بگوییم این اختیار مجلس، باید به اندازه‌ای منعطف باشد تا شائبه‌ی سلب اختیار از مجلس در مورد قانون‌گذاری پیش نیاید.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است دیگر؛ اختیار مجلس به اندازه‌ی ضرورت است.

آقای ره‌پیک - ببینید؛ بالاخره اصل صلاحیت قانون‌گذاری برای مجلس است و کمیسیون‌های مجلس استثنائاً قانون‌گذاری می‌کنند.

آقای یزدی - دیگر از این بحث رد بشویم.

آقای مدرسی یزدی - ولی خوب حالا واقعاً مشکل این مصوبه، حل است؛ مجلس نوشته است که این قانون تا یک سال تمدید می‌شود؛ یعنی تمدید آن تا یک سال ضرورت دارد.

آقای اسماعیلی - ماده واحد گفته است تا دو سال تمدید می‌شود.

آقای ره‌پیک - حالا منظور من این قانون نیست؛ ولی به هر حال، با این وضع، الآن آیا می‌خواهید این قانون را برای ده سال دیگر هم تأیید کنید؟ واقعاً تمدید قانون تا ده سال دیگر به صورت آزمایشی ضرورت دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال دارد دیگر.

آقای سلیمی - قبلاً ده سال آزمایشی تمدید کردند و حالا بر اساس تبصره، دولت یک سال فرصت دارد که این قانون را دائمی کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، مجلس این قانون را دو سال تمدید کرده است. منتهی دولت یک سال فرصت دارد تا لایحه‌ی جدید را به مجلس ارائه کند.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور از این تبصره این نیست که ما دولت را مجبور کنیم که لایحه بدهد؛ تبصره به دولت می‌گوید که این قانون را دائمی کن.

آقای علیزاده - نمی‌تواند اجبار به دائمی کردن این قانون کند.

قانون تمدید نشود، همه چیز در نیروی انتظامی به هم می‌خورد.

آقای ره‌پیک - این مسئله، مثل قاعده‌ی «الإمتناع بالاختیار» است. ۱۰ ده سال فرصت [بررسی و اصلاح قانون و تبدیل آن به قانون دائمی] را کنار می‌گذارند، بعد از ده سال می‌گویند [الآن فرصت بررسی و تبدیل آن به قانون دائمی را نداریم] دوباره لازم است به صورت آزمایشی تمدید شود. دور بعد هم دوباره همین کار را می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - خوب، حداقل مجلس یک‌زمانی را برای دائمی کردن این قانون تعیین کند.

آقای ره‌پیک - حالا توجه بفرمایید، این هم جالب است که از تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، [مهلت ده‌ساله‌ی این قانون تمام شده است و] تا الآن قانون لازم‌الاجرا نداشته‌ایم.

آقای جنتی - اگر ما نمی‌دانیم که تمدید این قانون ضرورت دارد یا نه، نمی‌توانیم به آن ایراد بگیریم؛ ولی اگر می‌دانیم که تمدید این قانون به صورت آزمایشی ضرورتی ندارد، می‌توانیم به آن ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - ببینید؛ ما می‌دانیم تمدید این قانون ضرورت دارد، ولی نه به این وسعت؛ مثلاً تا یک سال ضرورت دارد. اما دولت موظف است ظرف مدت یک سال، [برای دائمی شدن این قانون اقدام کند]. البته مجلس در تبصره، یک سال را آورده است؛ شاید مجلس تا یک سال بتواند این مشکل را حل بکند.

آقای سوادکوهی - خود ماده واحد، این قانون را برای (۲) سال تمدید کرده است.

آقای ابراهیمیان - روی اصل ضرورت اعطای قانون‌گذاری به

۱. قاعده‌ی «الإمتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار»، قاعده‌ی عدم معذورت شخص مضطرب است که به اختیار خود، شرایط اضطراری را برای خود فراهم کرده است. این قاعده در مواردی همچون تجری، اجتماع امر و نهی و ترتب در علم اصول به کار می‌رود و در فقه نیز برخی از مشکلات از طریق این قاعده حل می‌شود. کاربرد این قاعده در جایی است که مکلفی با اختیار خویش کاری انجام دهد که به سلب اختیار از او و مضطر شدن وی منجر گردد. اصولیون بر این اعتقادند که این اضطرار با مسئول بودن او در نظر عقل و شرع منافات ندارد؛ یعنی اگر اساس و ریشه‌ی اضطرار شخص مکلف، سوء اختیار او باشد، این امر موجب معذورت او نمی‌گردد و همچنان مسئولیت عدم انجام تکلیف خویش را بر عهده دارد. (جمعی از محققین مرکز اطلاعات مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸. ج ۱، ص ۶۰۸، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/F6ui7)

آقای یزدی - حالا مقصود هر چه است، به صورت کلی، موضوع روشن است و مجلس نمی‌تواند دولت را الزام به لایحه دادن بکند.

آقای علیزاده - این تبصره می‌خواهد بگوید که دولت این‌طور لایحه بیاورد. مجلس نمی‌تواند دولت را به چنین چیزی الزام بکند. اینکه آقای مدرس فشار می‌آوردند که بگویند «این قانون»، منظورشان همین است؛ یعنی لایحه‌ای مثل همین قانون بیاور و غیر از این، چیز دیگری نیاور.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی دولت لایحه‌ی دائمی را در این زمینه بیاورد.

آقای سلیمی - نه، تبصره می‌گوید که دولت باید لایحه‌ی نیروی انتظامی را دائمی‌اش کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، می‌گوید دائمی‌اش کن.

آقای علیزاده - باز اگر تبصره این مطلب را بگوید هم ما حرفی نداریم؛ اما چنین چیزی نمی‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره همین را می‌گوید. تبصره، درست است.

آقای ابراهیمیان - آیا دولت می‌تواند هیچ لایحه‌ای ندهد یا نه؟
آقای علیزاده - مگر می‌تواند هیچ لایحه‌ای ندهد؟!

آقای ابراهیمیان - چون مجلس دارد چنین الزامی را تصویب می‌کند، [دولت ملزم به ارائه‌ی لایحه است]. دولت می‌تواند لایحه ندهد؛ لذا مجلس نمی‌تواند به دولت بگوید حتماً لایحه بده.

آقای علیزاده - این ایراد قبلی ما [که مجلس نمی‌تواند دولت را ملزم به ارائه لایحه کند]، ایراد صحیحی است.

آقای ره‌پیک - آن ایراد را گه گرفتیم. [حرف من این است که] الان برای حل این مشکل، نباید دست از آن اشکال کلی برداریم که.

آقای هاشمی شاهرودی - ما رأیمان به ایراد این تبصره را پس گرفتیم؛ چون منظور تبصره این است که دولت لایحه را به صورت دائمی بیاورد. تبصره نمی‌خواهد بیشتر از این بگوید؛ درست هم می‌گوید.

آقای ره‌پیک - حالا شما اگر این ایراد را برای دائمی شدن این لایحه بگیرید، اینها باز هم این کار [= دائمی کردن قانون آزمایشی پس از انقضای مهلت آن] را انجام نمی‌دهند.

آقای علیزاده - چند تا رأی داشتیم؟

آقای شب‌زنده‌دار - اشکال وارد نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور این است که حالا اگر قرار است دولت لایحه بدهد، لایحه‌ی تمدید دو ساله ندهد، بلکه لایحه‌ی دائمی شدن این قانون را بدهد.

آقای علیزاده - اجبار به دائمی کردن این قانون، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مدت اجرای آزمایشی این قانون هم تمام شده است.

آقای علیزاده - اگر مجلس این‌طور بگوید که «دولت اقدامات لازم را برای دائمی شدن این قانون انجام دهد» اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - خود لایحه‌ی دولت، خواهان تمدید آزمایشی دو ساله‌ی این قانون است. در ماده واحده لایحه‌ی دولت آمده است که این قانون دو ساله تمدید می‌شود؛ یعنی به صورت آزمایشی تمدید می‌شود. این تبصره می‌خواهد بگوید که دولت که لایحه می‌دهد، لایحه‌ی تمدید مدت آزمایشی ندهد ...

آقای علیزاده - لایحه‌ی دائمی بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - [اگر مقصود مجلس این‌طور باشد] ما حرفی نداریم.

آقای هاشمی شاهرودی - اقدامات قانونی یعنی [وقتی دولت لایحه ارائه می‌دهد به صورت دائمی ارائه دهد].

آقای علیزاده - نه، الان این تبصره می‌گوید دولت برای دائمی شدن «این قانون» اقدام کند؛ اگر بگوید که این قانون را دائمی کن، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون، یعنی همین لایحه‌ای که دولت داده است.

آقای علیزاده - این تبصره دارد دولت را الزام می‌کند که متن همین قانون را دائمی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، این تبصره نمی‌خواهد دولت را الزام به دادن لایحه کند؛ منظور این است که دوباره سال دیگر دولت لایحه‌ی تمدید آزمایشی ندهد، بلکه لایحه‌ای برای دائمی شدن موضوع این قانون بدهد.

آقای علیزاده - اگر توجه بفرمایید ایراد ما این نیست. اگر تبصره این‌طور بگوید که دولت اقدامات قانونی برای دائمی شدن قانون مربوط به استخدام نیروی انتظامی انجام دهد، اشکالی ندارد؛ اما تبصره می‌گوید: «دولت موظف است برای دائمی شدن این قانون، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد».

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود همین است ...

است، رأی بدهند. رأی آورد. سراغ موضوع بعدی برویم.^۱

اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)

منشی جلسه - هفتمین دستور جلسه، بررسی «اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی»^۲ است. در این مصوبه، هیئت وزیران مواد (۱۲) و (۱۶) این اساسنامه را اصلاح کرده است. متن این مصوبه به این شرح است: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۷۰۴۳۸/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ وزارت راه و شهرسازی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-۳ تصویب کرد:

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۳۶/۲۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه مورخ بیست و یکم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- عبارت تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به اقدام قانونی جهت دائمی کردن متن همین قانون را دارد؛ لذا مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۶۶/۱۴۱۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۳. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

آقای علیزاده - یکبار دیگر رأی بگیریم. با توجه به اینکه این مصوبه دارد دولت را الزام به دائمی کردن این قانون می‌کند، ما به این اشکال داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور تبصره، این نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - معنا ندارد که بگوییم مصوبه‌ی مجلس می‌گوید دولت حتماً باید «این قانون» را دائمی بکند. با قید تمدید تا (۲) سال، معنا ندارد که چنین چیزی بگوییم. پس معنای این تبصره این است که دولت برای دائمی کردن اصل موضوع این قانون، اقدام کند و آلاً معنا نداشت که بگوید این قانون را دو سال تمدید می‌کنم.

آقای ره‌پیک - مقصود تبصره این است که این لایحه‌ی قانون استخدام نیروی انتظامی را دائمی کنید.

آقای مدرسی یزدی - یعنی با یک مختصر اصلاحی، این قانون را دائمی‌اش کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی دائمی‌اش کنند.

آقای علیزاده - معنای تبصره چیست؟ معنای آن، الزام دولت به دادن لایحه است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، الزام به دائمی کردن لایحه‌ای است که بعداً می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - مجلس حق ندارد دولت را ملزم کند که لایحه را دائمی بدهد یا دائمی ندهد.

آقای علیزاده - شما از رأیتان برگشتید؟

آقای ابراهیمیان - دوام قانون که در دست دولت نیست.

آقای ره‌پیک - وظیفه‌ی دولت این است که لایحه بدهد. دائمی و آزمایشی شدن قانون که ربطی به دولت ندارد؛ نمی‌شود به دولت گفت که لایحه‌ی دائمی بدهد.

آقای ابراهیمیان - کاری که دولت می‌تواند بکند، فقط دادن یک لایحه است. دائمی و یا آزمایشی بودن آن که در دست دولت نیست. حالا مجلس به دولت می‌گوید که مقدمه‌ی دائمی بودن این قانون را که فقط دادن یک لایحه جدید است انجام دهد؛ آیا مجلس می‌تواند چنین چیزی را بگوید یا نه؟ جواب، منفی است.

آقای علیزاده - آقایانی که الآن می‌فرمایند که از ایرادشان برگشتند، چه کسانی هستند؟ بگویند تا من بفهمم.

آقای هاشمی شاهرودی - ما که از ایرادمان برگشتیم.

آقای یزدی - من می‌گویم الزام دولت توسط مجلس به دادن لایحه، خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند این الزام، خلاف قانون اساسی

آقای جنتی - خب، وظایف اصلی این سازمان را «قانون» معین کرده بود.

آقای یزدی - وظایف اصلی سازمان قبلاً معین شده است.

آقای علیزاده - بله، قبلاً وظایف اصلی هیئت مدیره را تصویب کرده‌اند؛^۱ حالا در مورد اینکه برخی از این وظایف را به چه کسی بدهند می‌گویند به جای اینکه برویم یک آدم دیگر را بیاوریم و اعضای هیئت مدیره‌ی سازمان بیکار باشند، یکی از

۱. ماده (۱۵) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و

عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ هیئت وزیران: «ماده

۱۵- هیئت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای اختیارات لازم برای اجرای وظایف مصرح در این اساسنامه از جمله وظایف زیر می‌باشند:

۱- انتخاب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان

۲- تهیه و پیشنهاد طرح تشکیلات سازمان به مجمع عمومی برای تصویب در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه

۳- تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و استخدامی و رفاهی و سایر آیین‌نامه‌ها به مجمع عمومی برای اتخاذ تصمیم

۴- تصویب برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی بنا به پیشنهاد مدیرعامل

۵- تهیه گزارش عملکرد، صورت‌های مالی و همچنین بودجه سالانه سازمان برای اتخاذ تصمیم مجمع عمومی

۶- تصویب و ابلاغ آیین‌نامه‌های داخلی و دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط و این اساسنامه

۷- پیشنهاد دریافت وام و اعتبار برای سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط و بودجه مصوب به مجمع عمومی برای اتخاذ تصمیم

۸- پیشنهاد سازش در دعوی و ارجاع امر به داور و تعیین داور با حق صلح و سازش یا بدون آن و استرداد دعوی برای تصویب مجمع عمومی با رعایت اصل (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۹- بررسی و پیشنهاد سرمایه‌گذاری به طور مستقل یا از طریق مشارکت با شرکت‌های دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور اجرای وظایف سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مجمع عمومی برای تصویب

۱۰- انعقاد قراردادها در چارچوب وظایف محوله و قوانین و مقررات مربوط

۱۱- تصویب ارائه خدمات مدیریت طرح و اجرای ساختمان و یا هرگونه خدمات فنی و مهندسی و تعیین حق‌الزحمه آن

۱۲- تعیین کارمزد مناسب برای انجام وظایف مندرج در بندهای (۳) و (۷) ماده (۴) این اساسنامه

۱۳- اتخاذ تصمیم نسبت به خرید هرگونه لوازم و اموال منقول و غیرمنقول که برای اجرای وظایف محوله لازم باشد و همچنین معاوضه اموال و اراضی و ساختمان‌های ملکی سازمان، برای رفع نیاز اداری و تأسیساتی سازمان یا به منظور سرمایه‌گذاری در چارچوب قوانین و مقررات

۱۴- تعیین قیمت برای فروش یا اجاره دادن ساختمان‌ها و تأسیسات و محصولات یا به سرمایه‌گذاری مستقل یا از طریق مشارکت احداث یا حادث شده‌اند.

۱۵- اتخاذ تصمیم در مورد هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مورد عمل سازمان ضروری باشد.»

مواد (۱۲) و (۱۶) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۰۷۶۳/ت/۳۱۰۵۴ هـ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۸ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۲- هیئت مدیره سازمان از پنج عضو (یک نفر رئیس و دو نفر عضو موظف و دو نفر عضو غیرموظف) تشکیل می‌شود. رئیس هیئت مدیره توسط اعضای هیئت مدیره تعیین می‌شود. اعضای هیئت مدیره، علاوه بر وظایف اصلی، سرپرستی قسمتی از امور سازمان را

به تشخیص رئیس هیئت مدیره نیز به عهده خواهند داشت.»

آقای جنتی - چنین مصوبه‌ای، «قانون» نمی‌خواهد؟ اینکه در اینجا وظایف اعضای هیئت مدیره را تعیین کرده و گفته است اعضای هیئت مدیره، می‌توانند قسمتی از امور سازمان را به تشخیص رئیس هیئت مدیره به عهده بگیرند، نباید بر اساس «قانون» مصوب مجلس باشد؟

آقای یزدی - این مصوبه، مربوط به اصلاح اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران است.

آقای ره‌پیک - هیئت وزیران، این اساسنامه را بر اساس آن استفساریه [= ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] اصلاح کرده است.

آقای جنتی - امور این سازمان که وظایف اصلی‌اش مشخص شده است. علاوه بر این، در اینجا گفته است که سرپرستی قسمتی از امور این سازمان به تشخیص رئیس هیئت مدیره به اعضای هیئت مدیره واگذار می‌شود.

آقای علیزاده - ماده (۱۲) اصلاحی می‌گوید: «هیئت مدیره سازمان از پنج عضو (یک نفر رئیس و دو نفر عضو موظف و دو نفر عضو غیرموظف) تشکیل می‌شود». خب، این چه مشکلی دارد؟

آقای ره‌پیک - [مشکلی ندارد] در این ماده، دو عضو به اعضای هیئت مدیره‌ی این سازمان اضافه کرده است. قبلاً هیئت مدیره، سه عضو داشته است، الآن دو عضو به آن اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - اینکه اشکالی ندارد. اعضای هیئت مدیره را پنج نفر کرده است. بعد هم گفته به جای اینکه برای سرپرستی امور این سازمان، یکی دیگر را بگذاری، می‌توانی یکی از اعضای هیئت مدیره را بگذاری.

→

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

همین اعضای هیئت مدیره را متصدی این امور می‌گذاریم.

آقای ره‌پیک - طبق استفساریه‌ای که مجلس تصویب کرده است، در مواردی که مجلس به دولت اجازه داده باشد که اصل اساسنامه را تصویب کند، اختیار اصلاح اساسنامه را هم به خود دولت داده است. در ابتدای مصوبه، به این استفساریه استناد شده است.

آقای علیزاده - بله، سراغ ماده‌ی بعدی برویم.

آقای جنتی - خیلی خوب، ادامه‌اش را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده ۱۶- جلسات هیئت مدیره با حضور رئیس هیئت مدیره و حداقل سه نفر از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت آرا (حداقل سه رأی موافق) معتبر است و تصمیمات آن در دفتر مخصوص، ثبت و به امضای اعضای هیئت مدیره حاضر در جلسه می‌رسد.»

آقای علیزاده - آقایان فقهای که این اصلاحیه را خلاف شرع می‌دانند، اعلام بفرمایند. آقایان اعضا مجموعاً اگر این اصلاحیه را خلاف قانون اساسی می‌دانند، اعلام بفرمایند. بنابراین این مصوبه تأیید شد.^۱

اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی^۲

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۱۰ به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶- تصویب کرد:

متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۳) اصلاحی اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی،^۳ موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۷۵۷۷۸/ت/۴۹۹۱۷-هـ

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۶۶/۱۴۱۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴، اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)، مصوب جلسه مورخ سوم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۴۹۲/۱۴۱۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۳. ماده (۳) اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی، اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ هیئت وزیران: «متن زیر جایگزین ماده (۳) اساسنامه سازمان

مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ الحاق می‌گردد.

تبصره - افزایش سرمایه یادشده صرفاً از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها موضوع بند (۴۸) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور^۴ تأمین شده است.»

آقای علیزاده - یعنی چه؟ این بند (۴۸) بودجه چیست که گفته است [افزایش سرمایه] از آنجا تأمین شده است؟ بند (۴۸) را بیاورید تا ببینیم چیست.

آقای ره‌پیک - این بند مربوط به قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ است. در اینجا گفته [که افزایش سرمایه‌ی شرکت خصوصی‌سازی از محل بند (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۲] تأمین شده است. این بند (۴۸) همان بحثی است که در مورد تجدید ارزیابی‌ها داشتیم که از جهت حسابداری، تفاوت قیمت تبدیل ارز به ریال در طی سال‌ها را ارزیابی می‌کردند و از محل مابه‌التفاوت آن، افزایش سرمایه می‌دادند.

آقای علیزاده - بله، کار حسابداری می‌کنند.^۵

اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف

سوخت (سهامی خاص)

منشی جلسه - «اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)^۶

→

خصوصی‌سازی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۲۷۳۳/۲۶۰۶۲۶ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ می‌شود: ماده ۳- سرمایه سازمان مبلغ دوپست و هشتاد و هفت میلیارد و ششصد و چهل میلیون و هشتصد و سی و یک هزار و هشتصد و سی و پنج (۸۳۱،۸۳۵،۶۴۰،۲۸۷) ریال و صد درصد (۱۰۰٪) متعلق به دولت می‌باشد که تمامی آن پرداخت شده است.»

۴. بند (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۴۸- افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های آنها، از شمول مالیات معاف است، مشروط بر آنکه متعاقب آن، به نسبت استهلاك دارایی مربوطه و یا در زمان فروش، مبنای محاسبه مالیات اصلاح گردد و بنگاه یادشده طی پنج سال اخیر تجدید ارزیابی نشده باشد. آیین‌نامه اجرایی این بند، از جمله شرکت‌های مشمول یا غیرمشمول موضوع این بند، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۵. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۴۹۲/۱۴۱۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴، اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی مصوب جلسه مورخ دهم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۶. اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)

←

←

۱- تهیه بسته‌های سیاستی و خط‌مشی‌های اساسی مرتبط با عرضه و مصرف انرژی و حامل‌های آن در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، حمل و نقل، کشاورزی و مسکن و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب
۲- ...»

آقای هاشمی‌شاهروندی - عبارت این ماده، آیا به این معنا است که این شرکت می‌تواند به نیابت از وزارت نفت به شرح ذکرشده در این ماده، مقررات وضع کند؟

آقای یزدی - گفته است به تبعیت از وزارت نفت.

آقای هاشمی‌شاهروندی - نه، «به نیابت» نوشته شده است.

آقای یزدی - نه، نوشته است «به تبعیت».

آقای هاشمی‌شاهروندی - در ماده (۵) گفته است «به نیابت از وزارت نفت»؛ ماده ۵- ... به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی تجدیدپذیر به نیابت از وزارت نفت ...»

آقای مدرسی‌یزدی - این نیابت در یک مورد خاص است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - خوب باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای علیزاده - بحث از نیابت در وضع مقررات نیست.

آقای هاشمی‌شاهروندی - چرا دیگر؛ وضع مقررات هم در دل آن هست؛ وقتی می‌گوید «... به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی تجدیدپذیر به نیابت از وزارت نفت و اجرای کلیه فعالیت‌های مربوط به امور مزبور...» یعنی باید انرژی‌های تجدیدپذیر را به‌کار بگیرید و حق ندارید از آن انرژی‌های قدیم استفاده کنید. خوب آیا می‌شود به این شرکت به نیابت از وزارت نفت چنین وظیفه‌ای را داد؟

آقای علیزاده - خود آن قانونی که این شرکت به موجب آن به وجود آمده است، چه گفته است؟ ماده (۵) این مصوبه می‌گوید: «موضوع شرکت عبارت است از اعمال مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت ...»؛ اصلاً اسم این شرکت همین است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - این شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، خصوصی است.

آقای علیزاده - نه، خصوصی نیست؛ دولتی است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - نه، در آن صدر مصوبه گفته است که خصوصی است.

آقای مدرسی‌یزدی - سهامی خاص است.

آقای علیزاده - سهامی خاص بودن که لزوماً به معنای خصوصی بودن نیست؛ این شرکت، دولتی است.

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۱۹۶۸۹-۱۲/۲ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ وزارت نفت و به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹-^۱ تصویب کرد: متون زیر جایگزین مواد (۵)، (۶)، (۱۰) و (۱۱) اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص) - مصوب ۱۳۷۷- و اصلاحات بعدی آن می‌شود:

ماده ۵- موضوع شرکت عبارت است از اعمال مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی تجدیدپذیر به نیابت از وزارت نفت و اجرای کلیه فعالیت‌های مربوط به امور مزبور و تصدی و انجام هرگونه فعالیت علمی، پژوهشی، فنی، بازرگانی و سایر خدماتی که برای توسعه عملیات شرکت لازم شناخته شود.

ماده ۶- وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط، از جمله موارد زیر می‌باشد که به تبعیت از وزارت نفت، حسب مورد رأساً یا با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام می‌دهد:

→

در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۱۵۳/۱۴۱۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۱. ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- وزارت نفت مکلف است به منظور مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشنهاد اصلاح اساسنامه و وظایف شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد.»

آقای ره‌پیک - بله، خصوصی نیست.

آقای علیزاده - این شرکت از شرکت‌های وابسته به وزارت نفت است.

آقای یزدی - در ماده (۶) هم گفته است «به تبعیت از وزارت نفت».

آقای علیزاده - اصلاً این شرکت برای همین [= انجام وظایف و اختیارات مذکور در ماده (۵)] به وجود آمده است.

آقای مدرسی یزدی - اگر به اشکال ایشان [= آقای شاهرودی] وارد شویم، اصل تشکیل این شرکت [و دادن این وظایف به این شرکت] مورد اشکال است و آن جوابی که داده شد، این اشکال را حل نمی‌کند.

آقای یزدی - من خیال می‌کنم اینجا اشتباه شده است. ببینید، در ماده (۶) دارد می‌گوید به تبعیت از وزارت نفت؛ بعید نیست که این عبارت ماده (۵) هم به تبعیت بوده باشد.

آقای علیزاده - قانونی که این شرکت به موجب آن به وجود آمده است این است:^۱ «ماده ۱- دولت مکلف است در جهت توسعه حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری کشور و مدیریت بر مصرف سوخت نسبت به بهینه‌سازی عرضه خدمات حمل و نقل (از طریق اصلاح و توسعه شبکه حمل و نقل ریلی، برقی کردن خطوط و اجرای علائم و تأسیسات و ارتباطات، افزایش سرعت در شبکه ریلی، یکپارچه‌سازی و ساماندهی مدیریت حمل و نقل، اصلاح قیمت‌ها، ایمن‌سازی و بهبود تردد، بهسازی و از رده خارج نمودن خودروهای فرسوده سبک و سنگین مسافری و باری درون و برون‌شهری، تبدیل خودروهای بنزین‌سوز و گازوئیل‌سوز به دوگانه‌سوز، الزام معاینه فنی، توسعه ناوگان حمل و نقل همگانی ون و مینی‌بوس و مدی‌بوس و اتوبوس، استفاده از سامانه هوشمند حمل و نقل، ساخت و توسعه شبکه آزادراه‌ها و بزرگراه‌های بین شهری، حمل ترکیبی کالا از مبدأ تا مقصد نهایی با شبکه ریلی و شبکه مکمل جاده‌ای، الزام به داشتن توقفگاه در انواع کاربری‌ها، احداث توقفگاه‌های عمومی، ساماندهی و ایجاد توقفگاه‌ها و پایانه‌های بار و مسافر شهری و برون‌شهری اعم از ریلی و جاده‌ای در نقاط مناسب از شهرها و حومه آن، افزایش امنیت و قابلیت اطمینان و دسترسی)، بهینه‌سازی تقاضای حمل و نقل (از طریق اصلاح فرآیندهای اداری، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، اصلاح کاربری زمین و آمایش سرزمین، اعمال

محدودیت‌های ترافیکی، آموزش و فرهنگ‌سازی)، بهینه‌سازی مصرف انرژی (از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت، احداث جایگاه‌های عرضه گاز، حمایت از ابداعات و اختراعات مؤثر در کاهش مصرف سوخت)، بهینه‌سازی تولید خودرو (از طریق تولید خودروهای گازسوز، تأمین تجهیزات استفاده از گاز توسط خودروها، حمایت از تولید خودروهای برقی، دونیروی (هیبریدی) و کم‌مصرف، استانداردسازی تولید خودروی سبک و سنگین و موتور سیکلت در مصرف سوخت و کاهش آلایندگی) و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی، حداکثر از ابتدای سال ۱۳۹۱ هجری شمسی اقدام نماید.»

آقای هاشمی شاهرودی - آخر این ماده گفته است که «اقدام نماید».

آقای مدرسی یزدی - بله، نگفته است که شرکت درست کنید.

آقای علیزاده - «ماده ۲- به دولت اجازه داده می‌شود برای اجرای احکام ماده (۱) این قانون، اقدامات زیر را به عمل آورد: ...» اینها به درد ما نمی‌خورد، مواد بعدی را ببینیم. این مصوبه به کدام ماده‌ی قانونی برای اصلاح خودش استناد کرده بود؟

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۹).

آقای علیزاده - ماده (۹) را بیاورید.

منشی جلسه - در ابتدای این اساسنامه، به ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی استناد کرده است. این قانونی که فرمودید بیاورم، قانون توسعه‌ی حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت است.

آقای علیزاده - پس چرا این قانون [= قانون توسعه‌ی حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت] را آورده‌اید؟! ما آن قانون را گفتیم؛ ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی را بیاورید تا ببینیم آنجا چه گفته است. معلوم شد که ما داشتیم یک قانون دیگری را می‌خواندیم. [ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی:] «ماده ۹- وزارت نفت مکلف است به منظور مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشنهاد اصلاح اساسنامه و وظایف شرکت

۱. قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۸ مجلس شورای اسلامی.

و اقدامات اجرایی و نظارتی مقتضی در این زمینه، در حدود امکانات و اختیارات مقرر

۸- مدیریت، نظارت و بازرسی و اقدام لازم در زمینه ممیزی انرژی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و اجرای راهکارهای بهینه‌سازی مصرف انرژی توسط مصرف‌کنندگان انرژی، طبق مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط

۹- تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و راهکارهای مناسب و اقدامات اجرایی، نظارتی و حمایتی در حوزه تولید و توسعه همزمان برق، انرژی و برودت، احداث و به‌کارگیری واحدهای بازیافت انرژی و طرح‌های مرتبط با افزایش بازده انرژی توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و ارائه آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و راهکارهای مزبور به مراجع ذی‌ربط برای تصویب

۱۰- فعالیت لازم در زمینه حمایت از ترویج کاربرد اقتصادی منابع تجدیدشونده انرژی

۱۱- طراحی و ساخت طرح‌های الگو و آزمایشی به منظور کسب و ارتقای دانش و تجربیات در حوزه اهداف و مسئولیت‌های شرکت

۱۲- اقدام در زمینه آموزش و آگاه‌سازی عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه در بخش بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف انرژی
۱۳- نمایندگی، عضویت و حضور در مجامع بین‌المللی مربوط برای حفظ منافع ملی و ارتقای دانش فنی طبق سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط
۱۴- ...»

آقای مدرسی‌یزدی - اینجا یک ابهام فی‌الجمله هست که البته قابل اغماض است. در بند (۱۳) به طور کلی گفته است «نمایندگی»؛ نگفته که این نمایندگی در چیست.

آقای اسماعیلی - نمایندگی برای امور شرکت است دیگر.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، قرینه هست، ولی خب حالا ...

آقای علیزاده - انتهای بند (۱۳) گفته است «با رعایت قوانین و مقررات مربوط».

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - بله، گفته است «با رعایت قوانین و مقررات مربوط».

منشی جلسه - «۱۴- انعقاد انواع عقود و معاملات، از جمله قراردادهای خدمت و پیمانکاری و مهندسی مشاور و مشاوره و استخدامی با اشخاص واجد صلاحیت با رعایت قوانین و مقررات مربوط»

آقای شب‌زنده‌دار - در نمونه‌های مشابه با این بند، قبلاً این اشکال را وارد می‌کردید که عبارت «با رعایت قوانین و

بهینه‌سازی مصرف سوخت را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد.» می‌بینید که تشکیل این شرکت و اصلاح اساسنامه و وظایفش در این قانون آمده است. پس از این موضوع، بگذریم.

آقای یزدی - ماده (۹) گفته است که این موارد را «تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد.»

آقای علیزاده - پس معلوم است که اجازه وجود داشته است. دقت آقا خیلی خوب بود؛ اگر قانون چنین اجازه‌ای را برای اصلاح اساسنامه به دولت نداده نبود، اشکال پیش می‌آمد.

«ماده ۶- وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط، از جمله موارد زیر می‌باشد که به تبعیت از وزارت نفت، حسب مورد رأساً یا با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام می‌دهد:

۱- تهیه بسته‌های سیاستی و خط‌مشی‌های اساسی مرتبط با عرضه و مصرف انرژی و حامل‌های آن در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، حمل و نقل، کشاورزی و مسکن و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب

۲- تهیه راهکارهای اجرایی مناسب به منظور حمایت و تشویق برای ارتقای نظام تحقیق و توسعه فناوری‌های جدید در زمینه بهینه‌سازی انرژی و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب.»

۳- تهیه آیین‌نامه‌های صرفه‌جویی و الگوهای لازم برای مصرف انرژی و حامل‌های آن در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، حمل و نقل، کشاورزی و مسکن و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب

۴- شناسایی و تدوین راهکارهای توسعه فناوری‌های مورد نیاز در حوزه صنعت نفت برای عرضه و مصرف انرژی در حیطه تخصصی نفت و فراهم ساختن امکان طراحی و بهبود آنها برای به‌کارگیری توسط سازندگان و تولیدکنندگان داخلی

۵- تهیه معیارها و مشخصات فنی و استانداردهای اجباری انرژی و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب و همکاری لازم برای اجرای آنها

۶- اقدامات لازم به منظور ترغیب مصرف‌کنندگان انرژی به استفاده از تجهیزات، وسایل، مجموعه‌ها و فرآیندهای با مصرف انرژی کمتر

۷- تهیه مقررات و آیین‌نامه‌های لازم برای شرکت‌های خدمات انرژی و حمایت از فعالیت و توسعه آنها با مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب

آقای هاشمی شاهرودی - اگر در مصوبه‌ای اسم قانون تجارت را بیاورند، ما به آن اشکال می‌گیریم.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، [با این استدلال شما] اگر در مصوبه‌ای عبارت «با رعایت قانون تجارت» را هم به‌کار ببرند، اشکالی ندارد؛ چون اصل (۴) حاکم بر آن است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در فرض شما، مصوبه بر رعایت قانون تجارت تنصیب کرده است.

آقای ره‌پیک - رعایت قوانین در بند (۱۴)، یعنی «رعایت قوانین معتبر».

آقای علیزاده - بله، یعنی قوانین شرعی.

منشی جلسه - «۱۵- خرید، فروش، اجاره، استیجار، رهن، تحصیل و تملک اموال منقول و غیرمنقول و همچنین ایجاد، تکمیل، توسعه، نظارت و اداره اموال، تأسیسات، کارگاه‌ها، دستگاه‌ها، تعمیرگاه‌ها و دیگر تأسیسات و ابزار و ادوات و وسایل لازم برای انجام مقاصد و عملیات موضوع شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۱۶- گرفتن اعتبار یا وام و پرداخت تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و اجرای مقاصد شرکت با تصویب مجمع عمومی، با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۱۷- تحصیل و تملک و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع و هرگونه اطلاعات درباره علائم تجاری، اختراعات، طرح‌ها و روش‌های مورد نیاز برای انجام عملیات و وظایف موضوع شرکت.»

آقای مدرسی‌یزدی - این بند هم مثل بقیه‌ی بندها، قید «با رعایت قوانین و مقررات» را می‌خواست. این بند که با بقیه‌ی بندها فرقی ندارد که آن را متفاوت با بندهای دیگر آورده‌اند!

آقای علیزاده - کجا را می‌فرمایید؟

آقای مؤمن - همین‌جا در بند (۱۷)، قید «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» را ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - [عدم ذکر این عبارت در این بند] یعنی رعایت قانون در اینجا لازم نیست؟

آقای یزدی - این بند طبق مقررات است دیگر؛ چون مربوط به موضوع تملک و این جور مباحث است.

آقای علیزاده - در مورد «تملك و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع» معلوم است که دستگاه‌هایی که می‌خواهند این کارها را انجام بدهند، باید قانون را رعایت بکنند دیگر؛ در این موارد آنها باید قانون را رعایت کنند. این بند که نمی‌گوید آن دستگاه‌ها به رعایت این قوانین ملزم نیستند.

مقررات مربوط «شامل قانون تجارت هم می‌شود و چون آن قانون مشتمل بر برخی مواد است که خلاف شرع است، اینجا هم اشکال دارد. قبلاً این اشکال را در نظایر این مورد داشته‌ایم. **آقای اسماعیلی** - نه، در آن موارد تصریح به رعایت قانون تجارت می‌کردند که ما ایراد می‌گرفتیم.^۱

آقای علیزاده - بله، تا کنون هر جا که این جور به صورت کلی می‌گفتند «با رعایت قوانین و مقررات مربوط»، آقایان فقها ایراد نمی‌گرفتند.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا جواب این ایراد من چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - ما در آن مصوباتی که به رعایت قانون تجارت تصریح می‌شود، اشکال می‌گرفتیم؛ اما در اینجا به صورت کلی گفته است «با رعایت قوانین و مقررات مربوط».

آقای مدرسی‌یزدی - یکی دیگر از قوانینی که باید رعایت شود هم این است که خلاف شرع نباشد. این قانون، مواد مخالف با شرع قانون تجارت را خنثی می‌کند؛ پس مشکل حل می‌شود.

آقای اسماعیلی - البته فرمایششان [= فرمایش آقای شب‌زنده‌دار] عملاً درست است.

آقای علیزاده - در این موارد، ما خلاف شرع عمل نمی‌کنیم، آقایان در مجلس هم چیز خلاف شرع تصویب نکرده‌اند. حالا البته اگر مجریان در عمل خلاف شرع عمل کردند، به گردن خودشان است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، یکی از قوانین مربوط [که طبق عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوطه» باید مراعات شود]، همان اصل (۴) قانون اساسی است.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر این‌طور است، پس هیچ‌جا نباید اشکال مغایرت با شرع بگیریم!

آقای علیزاده - اگر در مصوبه‌ای بگویند به قانون تجارت عمل شود، ایراد می‌گیرید.

۱. شورای نگهبان در موارد متعدد، استناد کلی به رعایت قانون تجارت را واجد اشکال و مغایر با موازین شرع دانسته است. به عنوان مثال، شورای نگهبان در بندهای (۴) و (۵) نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۱۴۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰ خود در خصوص اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی ماکو مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۵ هیئت وزیران، به شرح زیر اظهار نظر کرده است: «۴- بند (۱۰) ماده (۱۷) مبنی بر اقدام بر اساس قانون تجارت، نظر به اینکه بعضی از مواد این قانون خلاف موازین شرع می‌باشد، فلذا اطلاق این بند خلاف شرع شناخته شد. ۵- ارجاع به قانون تجارت علی‌الاطلاق در ماده (۲۷) خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.»

آقای مدرس‌یزدی - تحصیل و تملک و اینها باید طبق مقررات باشد.

آقای یزدی - درست است؛ مشکلی ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - بنده به سهم خودم به این بند، ایراد و ابهام دارم.

منشی جلسه - «۱۸- مشارکت و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و یا خارجی واجد صلاحیت فنی و مالی با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۱۹- برنامه‌ریزی جهت جذب نیرو برای تأمین احتیاجات شرکت و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارآموزی کارکنان به منظور ارتقای سطح اطلاعات علمی، تخصصی، فنی و اجرایی آنها با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۲۰- سایر وظایف و اختیاراتی که در چارچوب قوانین و مقررات توسط وزارت نفت به شرکت محول می‌شود.»

آقای علیزاده - از اول همین بند (۲۰) را می‌گفتید!

آقای اسماعیلی - من یک ایرادی را مطرح می‌کنم که در طول این چند سال، سه چهار بار تا به حال اتفاق افتاده و همین جا هم رأی آورده است. ببینید، تصویب اساسنامه‌ها یک اختیار استثنایی است که مجلس به دولت می‌دهد؛ فلذا باید کاملاً شفاف و به اندازه‌ی قدر متیقن از آن استفاده کنیم. الآن در مورد این شرکت که شرکت بسیار مهمی هم است، بیست بند وظایف و اختیارات برایش آورده شده است که وظایف خیلی گسترده‌ای است. خب، مجلس به دولت اختیار داده است که چنین شرکتی را تأسیس کند، اشکالی هم ندارد، منتها [این موضوع، باید حد و حدود معقولی داشته باشد]. الآن در صدر همین ماده (۶) گفته است: «وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات ... از جمله موارد زیر می‌باشد؛ یعنی برای توسعه‌ی این اختیارات دست را باز هم باز گذاشته است. عبارت «از جمله موارد زیر» یعنی این بیست مورد، تنها وظایف و اختیارات این شرکت نیست؛ یعنی بعداً می‌تواند چیزهایی دیگر هم به این وظایف و بندها اضافه شود. من دو یا سه بار در شورای نگهبان عرض کرده‌ام و رأی هم آورده است که این عبارت «از جمله» را یا باید حذف کنند یا هر چه می‌خواهند به بندهای این ماده اضافه کنند، همین جا اضافه کنند تا ما بررسی کنیم، و الا اگر الآن در اساسنامه عبارت «از جمله» بیاید، اینها [= هیئت وزیران] می‌توانند خودشان به وظایف و اختیارات این شرکت باز هم اضافه کنند. این ایراد من چند بار رأی هم آورده بود.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، عبارت «از جمله» ایراد دارد.

آقای اسماعیلی - این ایراد، سابقه هم دارد. به این ایراد، قبلاً هم رأی داده‌ایم.

آقای علیزاده - آنجایی که این ایراد در شورا مطرح شد، با این عبارت نبود. در آنجاها می‌گفتند که از جمله وظایف این دستگاه این موارد هستند، اما اینجا می‌گوید «وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط از جمله موارد زیر...»

آقای ره‌پیک - بله، وظایف و اختیارات این شرکت در چارچوب آن قوانین است.

آقای اسماعیلی - نه، آن موضوع را که در بند (۲۰) آورده‌اند. نه، چرا می‌فرمایید این مصوبه با نمونه‌های قبلی متفاوت است؟ الآن در بند (۲۰) آورده‌اند که طبق سایر قوانین و مقررات هر چه به این شرکت واگذار شود، اینها می‌توانند انجام بدهند.

آقای شب‌زنده‌دار - ببینید، اینجا ذکر خاص بعد از عام است؛ یعنی اینکه این بندها را دارند به عنوان تأکید می‌گویند و الا آن وظایف مربوط به این شرکت مشخص است و معلوم است که این شرکت باید چه کارهایی انجام دهد؛ همین‌طوری نیست که همه‌ی چیزها را شامل شود و آن «سایر وظایفی» که گفته است، بدون چارچوب بماند.

آقای اسماعیلی - حالا این ماده (۶) می‌گوید که وظایف و اختیارات این شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و قوانین مربوط است؛ تا اینجا درست است، اما عبارت «از جمله موارد زیر» اشکال دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - این «از جمله موارد زیر ...» بخشی از آن وظایف است که تکرار می‌شود.

آقای اسماعیلی - با توجه به اینکه این وظایف و اختیارات شرکت بر اساس اختیاری است که مجلس به دولت داده است این وظایف باید کاملاً شفاف باشد. نباید با آوردن عبارتی مثل «از جمله موارد زیر» دست دولت را باز بگذارند. این ایراد دارد. برای مشابه این ایراد، رأی مغایرت با اصل (۸۵) هم داشتیم. حالا هر جور صلاح می‌دانید.

آقای علیزاده - نه آقای دکتر، آن چیزی که قبلاً برای آن رأی مغایرت داشتیم این‌طور بود که می‌گفتند «از جمله وظایف و اختیارات» این موارد است. الآن در این ماده گفته‌اند که وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیاراتی است که در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و قوانین مربوط آمده است

تبصره- جلسات هیئت مدیره با حضور پنج نفر عضو رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه معتبر است.»

آقای اسماعیلی - پس این مصوبه، ایرادی نداشت دیگر؟

آقای یزدی - نه دیگر.

آقای علیزاده - آقایان نسبت به این مواد ایرادی نداشتند؟ خوب، مصوبه‌ی بعدی را بیاورید.^۱

اساسنامه شرکت‌های عمران شهر جدید رامشمار،

گلبهار، سهند، عالیشهر، مهاجران (امیرکبیر)،

هشتگرد، پرند، پردیس، اندیشه، بینالود، رامین،

صدرا، علوی، فولادشهر، مجلسی، بهارستان و تیس

منشی جلسه - دستور بعدی بررسی «اساسنامه‌ی شرکت‌های عمران شهر جدید رامشمار، گلبهار، سهند، عالیشهر، مهاجران (امیرکبیر)، هشتگرد، پرند، پردیس، اندیشه، بینالود، رامین، صدرا، علوی، فولادشهر، مجلسی، بهارستان و تیس»^۲ است. اینها هفده مورد اساسنامه‌ی مشابه هستند.

و دولت اهم آن وظایف قانونی را در این بندها ذکر کرده است. **آقای اسماعیلی -** این ماده آمده گفته که یک چیزهای دیگر هم به عنوان وظایف علاوه بر وظایف قانونی هست.

آقای علیزاده - نه، این ماده نمی‌خواهد چنین چیزی بگوید. ماده (۶) نگفته است که «وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط» از جمله موارد زیر است؛ نگفته است که غیر از «وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط»، شرکت وظایف دیگری هم دارد. اگر «از جمله ...» را می‌گفت و این عبارت قبل از آن را نمی‌گفت، اشکال داشت و فرمایش شما صحیح بود؛ ولی وقتی عبارت قبل از «از جمله ...» را گفته است، «از جمله ...» را هم مقید کرده است دیگر. این ماده به نظر من اشکالی ندارد. آقایانی که با توجه به فرمایشات جناب آقای دکتر اسماعیلی، این ماده (۶) را خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. خیلی خوب، برویم به سراغ مواد دیگر.

منشی جلسه - «ماده ۱۰- هیئت مدیره شرکت از پنج نفر عضو اصلی شامل رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل (نایب رئیس) و سه نفر دیگر تشکیل می‌گردد. دو نفر دیگر نیز به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب می‌شوند که در غیاب هر یک از اعضای اصلی، به دعوت رئیس هیئت مدیره، شرکت آنان در جلسات و تصمیمات هیئت مدیره الزامی و معتبر خواهد بود. رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر اعضای هیئت مدیره با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی و با صدور حکم از سوی وزیر نفت برای مدت دو سال به این سمت انتخاب می‌شوند و در پایان مدت عضویت هیئت مدیره، انتخاب مجدد آنان بلامانع است. پس از انقضای دوره تصدی و تا وقتی که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است، هیئت مدیره شرکت با اختیارات فعلی خود به خدمت ادامه خواهند داد. تغییر هر یک از اعضای هیئت مدیره، قبل از پایان مدت عضویت آنان با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی امکان‌پذیر می‌باشد.

ماده ۱۱- دعوت، تعیین وقت و اداره جلسات هیئت مدیره و ابلاغ مصوبات به عهده رئیس و در غیاب رئیس به عهده نایب رئیس هیئت مدیره و اجرای مصوبات و تصمیمات هیئت مدیره از وظایف مدیرعامل می‌باشد. جلسات هیئت مدیره در محل شرکت و حداقل هر ماه یک بار تشکیل خواهد شد. جلسات هیئت مدیره با پیشنهاد هر یک از اعضا و به دعوت و حضور رئیس هیئت مدیره و در غیاب ایشان توسط نایب رئیس هیئت مدیره نیز تشکیل می‌شود.

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۱۵۳/۱۴۱۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴، اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)، مصوب جلسه مورخ سوم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. اساسنامه‌های هفده‌گانه مربوط به شرکت‌های عمران شهرهای جدید رامشمار، گلبهار، سهند، عالیشهر، مهاجران (امیرکبیر)، هشتگرد، پرند، پردیس، اندیشه، بینالود، رامین، صدرا، علوی، فولادشهر، مجلسی، بهارستان و تیس، همگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ به تصویب هیئت وزیران رسیدند. این مصوبات مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، به ترتیب طی نامه‌های شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۵۹، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۱، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۲، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۳، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۶، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۷۶، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۰، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۱، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۲، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۳، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۵، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۹، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۱، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۴، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۵، ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۶ و ۴۸۰۳۶/۲۳۶۰۶ همگی مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبات مشابه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این اساسنامه‌ها با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۷، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۶، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۵، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۴، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۳، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۲، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۱، ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۴، ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۲، ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۱، ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۰، ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۸ و ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۹ همگی مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید رامشار که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- مرکز اصلی شرکت، شهر جدید رامشار است و شرکت با تصویب مجمع عمومی می‌تواند برای انجام عملیات و وظایف خود مجری منصوب نماید.

ماده ۳- مدت فعالیت شرکت طبق ماده (۱۲) قانون ایجاد شهرهای جدید - مصوب ۱۳۸۰- و تبصره آن خواهد بود.

ماده ۴- سرمایه شرکت مبلغ ششصد و هشتاد و هفت میلیون و ششصد هزار (۶۸۷,۶۰۰,۰۰۰) ریال منقسم به شش هزار و هشتصد و هفتاد و شش سهم یکصد هزار ریالی می‌باشد که تماماً متعلق به شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) است.

فصل دوم- وظایف و اختیارات

ماده ۵- وظایف و اختیارات شرکت به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی، معماری، نقشه‌های تفکیکی و آماده‌سازی اراضی، ایجاد بنا، تأسیسات، تجهیزات شهری، مسکونی، خدماتی، تولیدی و اقتصادی و سایر اقدامات اجرایی لازم برای ایجاد شهر جدید در زمین‌های تأمین‌شده طبق قوانین و مقررات مربوط

۲- اجرا و احداث شهر جدید دیگر، شهرک و باغستان پس از تصویب مجمع عمومی رأساً یا با مشارکت بخش غیردولتی با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۳- حفظ حقوق و اعمال مالکیت دولت نسبت به اراضی متعلق به شرکت در محدوده شهر جدید، شهرک و باغستان و حریم آن

۴- واگذاری تأسیسات و تجهیزات شهری، خدماتی، تولیدی، اقتصادی، مسکونی در شهر جدید یا شهرک‌ها یا باغستان‌هایی که شرکت خود احداث‌کننده آن می‌باشد و حسب مورد هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط

۵- بهره‌برداری و اداره تأسیسات ایجادشده تا زمان تصدی سازمان‌های ذی‌ربط به صورت مستقیم یا از طریق اشخاص حقیقی و حقوقی

۶- مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و اخذ وام، اعتبار و تسهیلات از مؤسسات مالی و اعتباری بر اساس دستورالعمل‌های مجمع عمومی و با رعایت قوانین و مقررات مربوط

آقای علیزاده - همه‌ی اینها یکی هستند. ما گفتیم که [به دلیل مشابهت] لازم نیست از همه‌ی آنها کپی بگیرند، بلکه یک‌جا به عنوان یک دستور بدهند. تنها چیزی که در این اساسنامه‌ها متفاوت است این است که آمده‌اند چه چیزی را تغییر داده‌اند؟
منشی جلسه - سرمایه‌ی شرکت را تغییر داده‌اند.

آقای علیزاده - بله، سرمایه‌ی شرکت را تغییر داده‌اند. من گفتم فقط یک نمونه از این اساسنامه‌ها را کپی بگیرید و برای آقایان اعضا بفرستید و بقیه را دیگر نیاز نیست که برای آقایان بفرستید. چون قبلاً که در چند مورد این اساسنامه‌ها را به صورت فرمت فرستادند، ما به آنها ایراد گرفتیم و گفتیم که این اساسنامه‌ها باید یکی یکی به تأیید شورای نگهبان برسد. بنابراین، الآن این مصوبه‌ای که امروز آقایان اینجا می‌بینند، اساسنامه‌ی شرکت عمران چند شهر جدید است که [تنها تفاوت میان آنها این است که] سرمایه‌ی شرکت‌ها متفاوت تعیین شده است.

آقای رده‌پیک - همه‌ی این اساسنامه‌ها مثل هم هستند. هفده تا اساسنامه است.

آقای مؤمن - آن اساسنامه‌ی آخر مربوط به شرکت عمران شهر جدید تیس را بخوانید.

آقای علیزاده - اسم این اساسنامه‌ها را اینجا می‌خوانیم که معلوم شود اینها در شورا مطرح و تأیید شده‌اند؛ تا این حد را می‌خوانیم دیگر.

منشی جلسه - حاج‌آقای مؤمن می‌فرمایند اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید تیس، کامل خوانده شود.

آقای مدرسی‌یزدی - یکی از آن اساسنامه‌ها باید کامل خوانده شود.

آقای جنتی - نه، آقایانی که اساسنامه‌ها را خوانده‌اند، اشکالشان را بگویند.

آقای علیزاده - همه یکی هستند؛ فقط سرمایه‌شان متفاوت است.

منشی جلسه - آن یکی [= اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید تیس] کامل است.

آقای مدرسی‌یزدی - یکی از آن اساسنامه‌ها خوانده شود.

آقای علیزاده - یکی از آنها را بخوانید.

منشی جلسه - «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار را به شرح زیر تصویب کرد:

۷- استفاده از خدمات پیمانکاری، مهندسی، پژوهشی و مشاوره‌ای اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی طبق قوانین و مقررات مربوط

۸- اجرای ضوابط و استانداردهای احداث و ایجاد تأسیسات در شهر جدید، شهرک و باغستان بر اساس قوانین و مقررات مربوط و اعمال کنترل بر فعالیت‌های توسعه و عمران در محدوده و حریم شهر جدید و صدور مجوزها و گواهی‌های مربوط

۹- فروش، اجاره، صلح حقوق و نقل و انتقال اراضی، املاک و واحدهای مسکونی، خدماتی، اقتصادی و تولیدی (صنعتی، کارگاهی و غیره) مربوط به شهر جدید طبق آیین‌نامه‌های شرکت و دستورالعمل‌های مصوب مجمع عمومی

۱۰- خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز شهر جدید و اعمال روش‌های معاوضه، تهاتر و مشارکت با مالکین با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۱۱- تهیه طرح‌های شهرسازی، تأسیساتی و معماری اعم از امکان‌سنجی و مکان‌یابی، جامع و تفصیلی، آماده‌سازی، طراحی شهری، ترافیکی و غیره و نیز تغییرات بعدی و ارائه آنها جهت تصمیم‌گیری به مراجع ذی‌صلاح

۱۲- خرید، فروش، اجاره، استیجار، رهن و تحصیل و تملک و استفاده از اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شرکت

۱۳- نگهداری شهر و وصول عوارض و بهای خدمات شهری

۱۴- اعلام تخلفات ساختمانی و شهرسازی در شهر جدید و حریم آن به مراجع ذی‌ربط

۱۵- اجرای سایر موارد ارجاعی و یا تفویضی از طرف مجمع عمومی شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و مجمع عمومی شرکت با رعایت قوانین مقررات مربوط.

فصل سوم- ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس).

ماده ۷- نمایندگی سهام شرکت در مجمع عمومی با هیئت مدیره شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و ریاست مجمع عمومی با رئیس هیئت مدیره شرکت مزبور است.

آقای ره‌پیک - تا ماده (۱۲) مسئله‌ای ندارد؛ در مورد همین ساختار شرکت است دیگر.

منشی جلسه - «ماده ۸- مجامع عمومی شرکت عبارتند از:

۱- مجمع عمومی عادی

۲- مجمع عمومی فوق‌العاده.

ماده ۹- مجمع عمومی عادی با حضور اکثریت اعضا و مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل چهار عضو رسمیت خواهد داشت و تصمیمات در مجمع عمومی عادی با سه رأی و در مجمع عمومی فوق‌العاده با چهار رأی موافق معتبر خواهد بود.

ماده ۱۰- مجمع عمومی عادی حداقل سالی دو بار به دعوت کتبی رئیس مجمع عمومی، یک بار برای رسیدگی به گزارش هیئت مدیره و بازرس (حسابرس شرکت) و بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی و بار دوم برای اتخاذ تصمیم نسبت به بودجه سال آتی و اصلاحیه و برنامه‌ها و خط مشی آتی شرکت تشکیل می‌شود.

تبصره- مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده به تقاضای هر یک از اعضای مجمع عمومی، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل یا بازرس به دعوت و با حضور رئیس مجمع عمومی تشکیل می‌شود.

ماده ۱۱- دستور جلسات مجمع عمومی عادی، عادی به طور فوق‌العاده و فوق‌العاده، با توجه به پیشنهادات مورد نظر توسط رئیس مجمع عمومی تعیین می‌شود.

تبصره- دعوت مجمع اعم از عادی، عادی به طور فوق‌العاده و فوق‌العاده، با ذکر تاریخ و محل تشکیل، حداقل پانزده روز قبل از تاریخ جلسه مجمع عمومی به عمل خواهد آمد. سوابق مربوط به موضوعاتی که در دستور جلسه عمومی قرار دارد، باید همراه دعوت‌نامه، برای اعضای مجمع ارسال شود.

ماده ۱۲- وظایف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تصویب خط مشی کلی و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت عملیات آتی شرکت در چارچوب مصوبات مجمع عمومی شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و قوانین و مقررات مربوط

۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس (حسابرس) و صورت‌های مالی و بودجه شرکت

۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انواع مشارکت و سرمایه‌گذاری و اخذ وام یا تسهیلات و اعتبار، با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۴- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به پیشنهاد هیئت مدیره در خصوص احداث شهر جدید، شهرک و یا باغستان

۵- نظارت بر عملکرد شرکت و عنداللزوم اخذ گزارش‌های آماری، صورت‌حساب‌های مالی و محاسباتی و بررسی آنها به منظور اتخاذ تصمیم لازم

۶- پیشنهاد انتشار اوراق مشارکت به مجمع عمومی شرکت

انقضای مدت، تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده، در سِمَت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعدی بلامانع است.

ماده ۱۵- هیئت مدیره در اولین جلسه از بین خود مدیرعامل، رئیس و نایب رئیس و یک نفر منشی انتخاب می‌کند.

تبصره- مدیرعامل می‌تواند با تصویب سه‌چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی، همزمان رئیس هیئت مدیره نیز باشد.

ماده ۱۶- تغییر هر یک از اعضای هیئت مدیره قبل از پایان مدت عضویت آنان با پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی امکان‌پذیر می‌باشد.

ماده ۱۷- چنانچه قبل از پایان مدت عضویت، هر یک از اعضای هیئت مدیره فوت کند و یا استعفا دهد و یا عزل شود، جانشین او برای مدت باقیمانده برای عضویت هیئت مدیره انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۸- جلسات هیئت مدیره حداقل هر پانزده روز یکبار، بنا به دعوت رئیس هیئت مدیره و یا نایب رئیس با حضور اکثریت اعضا رسمیت داشته و تصمیمات متخذه با حداقل سه رأی موافق معتبر است.

ماده ۱۹- هیئت مدیره دارای دفتری خواهد بود که صورت‌جلسات هیئت مدیره با درج نظر اعضای حاضر با ذکر نظر اقلیت در آن ثبت و به امضای اعضای حاضر خواهد رسید. مسئولیت ابلاغ و پیگیری مصوبات هیئت مدیره با رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل می‌باشد.

ماده ۲۰- وظایف و اختیارات هیئت مدیره به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تهیه و پیشنهاد ساختار تشکیلاتی شرکت برای تأیید مجمع عمومی

۲- پیشنهاد سازش در دعاوی و ارجاع امر به داوری و تعیین داور با حق صلح و سازش یا بدون آن و استرداد دعاوی، با رعایت قوانین و مقررات مربوط برای تصویب مجمع عمومی

۳- تهیه گزارش عملکرد سالانه، صورت‌های مالی و همچنین تدوین و ارائه بودجه سالانه شرکت با احتساب درصد جابه‌جایی اعتبارات و درآمد، حسب مصوبه شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) برای تصویب مجمع عمومی

۴- تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم، با رعایت قوانین و مقررات مربوط و ارائه آن به مجمع عمومی برای تصویب

۵- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد چگونگی دریافت وام و تسهیلات اعتباری از مؤسسات مالی و اعتباری و سیستم بانکی، با

عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) برای اتخاذ تصمیم در چارچوب قوانین و مقررات مربوط

۷- تأیید ساختار تشکیلاتی شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط و ارائه آن به مراجع ذیصلاح

۸- نصب و عزل اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس (حسابرس)، با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۹- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای انتشار آگهی‌های شرکت و صدور مجوز افتتاح حساب بانکی

۱۰- تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم موضوع این اساسنامه به منظور تسریع و تسهیل در انجام وظایف شرکت

۱۱- اتخاذ تصمیم در خصوص ایجاد اندوخته‌های احتیاطی مورد نیاز شرکت و اجازة استفاده از ذخایر عمومی شرکت به پیشنهاد هیئت مدیره، با رعایت قوانین و مقررات مربوط

۱۲- بررسی پیشنهاد هیئت مدیره در مورد تعیین، تعدیل، تخفیف و یا تقسیط بهای خدمات و اراضی، با رعایت قوانین و مقررات مربوط و تصویب آن و یا عنداللزوم کسب مجوز از مراجع ذیربط

۱۳- اتخاذ تصمیم درباره موضوعاتی که اعضای مجمع عمومی یا هیئت مدیره در ارتباط با شرکت یا حسب وظیفه محوله، به مجمع عمومی پیشنهاد نمایند.

تبصره- به منظور تسریع در انجام امور، مجمع عمومی می‌تواند بخشی از اختیارات خود را که اجرای آن موکول به تهیه دستورالعمل‌های مجمع عمومی شده است، به هیئت مدیره تفویض کند.

ماده ۱۳- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه شرکت و پیشنهاد به مجمع عمومی شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) جهت تصویب هیئت وزیران

۲- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به اصلاح یا تغییر مواد اساسنامه شرکت در چارچوب قانون و پیشنهاد به مجمع عمومی شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) جهت تصویب هیئت وزیران

۳- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به ادغام یا انحلال شرکت و تعیین مدیران تصفیه طبق قوانین و مقررات مربوط و پیشنهاد به مجمع عمومی شرکت عمران شهرهای جدید (مادرتخصصی) جهت تصویب هیئت وزیران.

ماده ۱۴- هیئت مدیره مرکب از پنج عضو اصلی است که با تأیید مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و پس از

مسئولیت به مدیرعامل تفویض نماید.

ماده ۲۱- هیئت مدیره از بین خود یک نفر را برای مدت سه سال به عنوان مدیرعامل پیشنهاد می‌نماید که با تصویب مجمع عمومی، حکم مربوط با امضای رئیس مجمع عمومی ابلاغ می‌شود. انتخاب مجدد مدیرعامل بلامانع است.

ماده ۲۲- مدیرعامل به صورت تمام‌وقت در اختیار شرکت بوده و نمی‌تواند هیچ نوع اشتغال موظف دیگری در سازمان دولتی و غیردولتی داشته باشد.

ماده ۲۳- مدیرعامل بالاترین مقام اجرایی و اداری شرکت بوده و مسئول حُسن جریان امور و حفظ حقوق و منافع و اموال و سرمایه شرکت می‌باشد و برای اداره امور شرکت و اجرای مصوبات مجمع عمومی و هیئت مدیره، دارای هرگونه حقوق و اختیارات قانونی بوده و نمایندگی شرکت را در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی با حق توکیل به غیر دارد و می‌تواند با رعایت مقررات و پس از اخذ نظر مجمع عمومی، نسبت به ارجاع موارد به داوری اقدام نماید و همچنین می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را به هر یک از اعضای هیئت مدیره و یا معاونان و مدیران شرکت، به تشخیص خود تفویض کند تا اداره امور مختلف شرکت را که به این طریق به آنها محول می‌گردد، زیر نظر و مسئولیت مستقیم وی بر عهده گیرند.»

آقای مدرسی‌بزدی - در مورد ارجاع به داوری قید «رعایت مقررات» را آورده‌اند، ولی قید «رعایت قانون» را نیاورده‌اند؛ آوردن قید «رعایت مقررات» به تنهایی کافی است؟ مسائل مربوط به ارجاع به داوری معمولاً در قانون می‌آید؛ این موضوع قانون دارد.

آقای عزیززاده - این قید «رعایت مقررات» که آورده‌اند، اعم از قانون و آیین‌نامه است. بله دیگر، «مقررات» به معنای عام منظور نظر است.

منشی جلسه - «ماده ۲۴- وظایف و اختیارات مدیرعامل به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تهیه و تنظیم پیشنهاد خط مشی برنامه عملیاتی و بودجه سالانه شرکت به هیئت مدیره

۲- تهیه و تنظیم صورت‌های مالی سالانه شرکت و ارائه آن به هیئت مدیره

۳- تعیین روش‌های اجرایی در چارچوب مقررات و آیین‌نامه‌ها و ابلاغ به واحدهای ذی‌ربط

۴- پیشنهاد تشکیلات تفصیلی شرکت به هیئت مدیره در چارچوب مصوبات مجمع عمومی

۵- اجرای مصوبات مجمع عمومی و هیئت مدیره

رعایت قوانین و مقررات مربوط و بودجه مصوب

۶- پیشنهاد تعیین، تعدیل، تخفیف و تقسیط بهای خدمات، اراضی و مستحدثات به مجمع عمومی برای تصویب

۷- خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز، فروش، اجاره، استیجار، صلح حقوق و هرگونه نقل و انتقال اراضی و املاک و مستحدثات، طبق قوانین و مقررات مربوط و در حدود اختیارات شرکت و دستورالعمل مجمع عمومی

۸- اتخاذ تصمیم نسبت به خرید یا اجاره هرگونه خدمات، لوازم و اموال منقول که برای اجرای وظایف محوله لازم باشد و همچنین معاوضه اموال و اراضی و ساختمان‌های ملکی یا مصالحه حقوق خود برای رفع نیاز اداری و تأسیساتی شرکت

۹- معاوضه، تهاتر، مشارکت و واگذاری زمین به قیمت کارشناسی به جای پرداخت نقدی و امثال آن، با رعایت قوانین و مقررات مربوط و در چارچوب دستورالعمل مصوب مجمع عمومی

۱۰- تصویب عقد قرارداد با مشاورین و پیمانکاران حقیقی یا حقوقی، طبق قوانین و مقررات مربوط

۱۱- تعیین امضاهای مجاز تعهدآور

۱۲- مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی جهت اجرای وظایف شرکت بر اساس قوانین و مقررات مربوط و در چارچوب دستورالعمل مصوب مجمع عمومی

۱۳- استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی برای انجام وظایف شرکت بر اساس قوانین و مقررات مربوط

۱۴- بررسی و برنامه‌ریزی به منظور انجام هر نوع فعالیت خدماتی، تولیدی و حمل و نقل که به نحوی منطبق با وظایف شرکت باشد.

۱۵- حفظ و حراست از اراضی و مستحدثات متعلق و تحت اختیار شرکت در محدوده شهر جدید و حریم آن، شهرک و باغستان

۱۶- اجرای سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها و ضوابط ابلاغی مجمع عمومی شرکت

۱۷- بررسی و ارجاع سایر مواردی که وزیر راه و شهرسازی و یا مجمع عمومی شرکت در حدود قوانین و این اساسنامه به مدیرعامل جهت اجرا تفویض می‌نماید.

۱۸- اتخاذ تصمیم در سایر موارد با رعایت مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط یا پیشنهاد آن به مجمع عمومی شرکت جهت تصویب.

تبصره- هیئت مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را با حفظ

گزارش هیئت مدیره باید حداقل سی روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی تهیه و به بازرس تسلیم شود.»

آقای شب‌زنده‌دار - در این اساسنامه، اصلاً برای اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هیچ شرطی ذکر نشده است؛ حتی شرط وثاقت که حداقل شرایط این کارهای مهم است نیامده است. این مسئله در مصوبات دیگر اشکال گرفته می‌شد.^۱ حالا فرض کنید شرط داشتن اسلام و اینها را هم در اینجا کنار بگذاریم، لااقل شرط عام وثاقت هم در اینجا ذکر نشده است و دست اینها را باز گذاشته‌اند تا هر کسی را که خواستند، مدیرعامل قرار بدهند یا جزء هیئت مدیره قرار بدهند. حالا استناد این مصوبه به قانون تجارت در ماده (۲۷) را هم نمی‌دانم، ایراد بگیریم یا نه؛ چون بخشی از قانون تجارت مشتمل بر اشکال شرعی است، شاید این ماده (۲۷) هم از همین موارد دارای اشکال شرعی باشد یا نباشد. اما به هر حال، اطلاق این مصوبه از جهت اینکه شرطی برای اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل قائل نشده است، ایراد دارد.

آقای علیزاده - در اینجا، رعایت مقررات مربوط به گزینش^۲

۱. شورای نگهبان، در موارد متعدد در نظرات خود نسبت به مصوبات مجلس یا اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران، ذکر شرط وثاقت برای سپردن امور عمومی به افراد را لازم دانسته است. به عنوان نمونه، در بند (۲) نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۱۰۳ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۱ شورای نگهبان در خصوص طرح ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۱ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۱- اطلاق ماده (۲۲) از این جهت که شامل افراد غیرموقت و یا متجاهر به فسق و همچنین کسانی که تعهد به نظام جمهوری اسلامی ندارند می‌شود، خلاف موازین مستنبط از مبانی اسلامی و مغایر بند (۱) اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.» ماده (۲۲) این مصوبه، بدین شرح بود: «ماده ۲۲- شرایط انتخاب‌شوندگان هیئت‌های مدیره نظام پرستاری شهرستان‌ها و شورای عالی نظام پرستاری به شرح زیر است:

۱- دارا بودن شرایط عضویت در سازمان نظام پرستاری ۲- نداشتن سوء پیشینه ۳- داشتن حداقل سه سال سابقه سکونت یا اشتغال در حوزه انتخابیه.

تبصره- اعضاء هیئت‌های نظارت و اجرایی نمی‌توانند جزء انتخاب‌شوندگان باشند.»

۲. در این زمینه، ماده (۲) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «ماده ۲- ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان آموزش و پرورش، مدارس غیرانتفاعی، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه، اعم از داوطلبان مراکز تربیت معلم، دانشسرای تربیت معلم، تعهد دبیری، متعهدین خدمت و استخدام و اشتغال، بورسیه‌های داخل و خارج، اعزام مأمورین ثابت، مأمورین و منتقلین سایر دستگاه‌ها برای مشاغل آموزشی و غیرآموزشی، علاوه بر داشتن شرایط عمومی استخدام (صلاحیت علمی

۶- نصب و عزل معاونان و مدیران شرکت و اخذ تصمیم در مورد کلیه امور استخدامی، رفاهی و پژوهشی کارکنان شرکت طبق قوانین و مقررات مربوط

۷- اعمال نظارت بر کلیه قسمت‌های شرکت مستقیماً یا با تفویض اختیار به اعضای هیئت مدیره، معاونان و مدیران شرکت

۸- انجام سایر وظایفی که به موجب سایر مقررات به عهده مدیرعامل محول شده یا می‌شود.

ماده ۲۵- در صورت انقضای مدت مدیریت مدیرعامل یا استعفای وی، تا زمان انتخاب مدیرعامل جدید، مدیرعامل سابق کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

ماده ۲۶- چک‌ها و اسناد و اوراق مالی و تعهدآور و قراردادهای باید به امضای مدیرعامل یا نماینده مجاز وی و یکی از اعضای هیئت مدیره به انتخاب هیئت مدیره برسد. چک‌ها علاوه بر امضای افراد فوق‌الذکر، به امضای ذی‌حساب یا جانشین قانونی وی نیز خواهد رسید و مکاتبات اداری شرکت به امضای مدیرعامل می‌رسد.

ماده ۲۷- بازرس (حسابرس) شرکت که سازمان حسابرسی یا از حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی می‌باشد، بر اجرای مقررات اساسنامه و آیین‌نامه‌های مربوط نظارت داشته و صورت‌های مالی شرکت را رسیدگی و گزارش‌های لازم را جهت ارائه به مقامات ذی‌صلاح تهیه می‌نماید و نیز کلیه وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون تجارت به عهده بازرس محول است، انجام می‌دهد.

تبصره ۱- بازرس (حسابرس) نسخه‌ای از گزارش خود را حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی به مقامات و مراجع ذی‌ربط ارائه می‌نماید.

تبصره ۲- بازرس (حسابرس) با اطلاع رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، حق مراجعه به کلیه اسناد و مدارک شرکت را دارد، بدون اینکه در عملیات اجرایی دخالت کند و یا انجام وظایف وی موجب وقفه در عملیات شرکت شود.»

آقای علیزاده - خب پس تمام شد؟

منشی جلسه - نه، هنوز ادامه دارد. یک ماده‌ی دیگر دارد.

«فصل چهارم- سایر

ماده ۲۸- سال مالی شرکت از اول فروردین‌ماه هر سال شروع می‌شود و در آخر اسفندماه همان سال خاتمه می‌یابد، به استثنای اولین سال تأسیس که از تاریخ تشکیل شروع و آخر اسفندماه همان سال ختم می‌شود. دفاتر شرکت به تاریخ روز آخر سال مالی بسته می‌شود. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و

آقای شبزنده‌دار - بند (۸) ماده (۱۲) این اساسنامه، نصب و عزل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل را با رعایت قوانین و مقررات مربوط بر عهده‌ی مجمع عمومی شرکت گذاشته است. **آقای ره‌پیک -** اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت دولتی، کارکنان دولت هستند و گزینش می‌شوند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، آخر نگفته است که این اعضا حتماً کارکنان دولتی باشند؛ ممکن است غیردولتی هم باشند.

آقای علیزاده - این شرکت، شرکت دولتی است. آقایان، اگر این ایرادی را که آقایان [شبزنده‌دار و مدرسی] در مورد عدم ذکر شرط وثاقت برای اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل مطرح می‌کنند، وارد می‌دانید بفرمایید.

آقای یزدی - این ایراد وارد نیست واقعاً.

آقای مدرسی‌یزدی - آخر در این مصوبه نگفته است که مجمع عمومی از چه کسانی تشکیل می‌شود؟ در کجای مصوبه گفته است که مجمع عمومی از چه کسانی تشکیل می‌شود؟

آقای مؤمن - ماده (۹) گفته که مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل چهار نفر باشد دیگر.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب کجا گفته است که این چهار نفر چه کسانی باشند؟

آقای یزدی - در همه جای این اساسنامه گفته است انجام امور باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط باشد. این قید «رعایت قوانین و مقررات مربوط» کافی است و رعایت آن شرایط مفروغ‌عنه است.

آقای مدرسی‌یزدی - ما باید به این مصوبه یک ابهام بگیریم و این مسئله را سؤال کنیم.

آقای علیزاده - آقایانی که این موضوع را خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. پس این اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید رامشیر تأیید شد. من فقط لیست بقیه‌ی اساسنامه‌ها را می‌خوانم؛ چون تنها چیزی که در آنها تفاوت دارد، میزان سرمایه‌شان است. بقیه‌ی مواد اساسنامه‌ها هیچ فرقی با هم ندارند. اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید گلبهار؛ سرمایه‌اش را اینجا جلوی ماده (۴) اساسنامه ذکر کرده است؛ لیستش هست. اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید سهند، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید عالی‌شهر، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر)، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید پرنده، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر

الزامی است؛ چون این شرکت، شرکت دولتی است و رعایت آن مقررات برای شرکت‌های دولتی لازم است.

آقای ره‌پیک - بررسی این هفده اساسنامه تمام شد.

آقای علیزاده - اگر این ایرادی را که جناب آقای شبزنده‌دار در مورد شرط وثاقت فرمودند، قبول نداشته باشیم، این دستور، الان یک‌جا تمام شد.

آقای یزدی - از نظر ما آن شرایط مفروغ‌عنه است.

آقای علیزاده - بله، ما می‌گوییم این شرکت، شرکت دولتی است [و آن شرایط، در این شرکت، مفروغ‌عنه است].

آقای اسماعیلی - بله.

آقای جنتی - من هم نظرم قبلاً در مورد این شرایط همین بود که ذکر کردنش لزومی ندارد.

آقای یزدی - مفروغ‌عنه است.

آقای مدرسی‌یزدی - این مصوبه نگفته که اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل افراد بلندپایه‌ی دولتی باشند.

آقای علیزاده - اتفاقاً در گزینش افراد غیر بلندپایه بیشتر دقت می‌کنند.

→

و توانایی جسمی و روانی)، به قرار ذیل است: ۱- اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲- التزام عملی به احکام اسلام ۳- اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی ۴- عدم اشتغال به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق ۵- عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود، مگر آنکه توبه ایشان احراز شود. ۶- عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر ۷- عدم اعتیاد به مواد مخدر. این مقررات، به موجب قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ مجلس شورای اسلامی، به کلیه نهادهای عمومی و دولتی تسری پیدا کرده است. ماده واحده قانون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «ماده واحده- به منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام(ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و همچنین گزینش کارکنانی که به دستگاه‌های مشمول قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مأمور یا منتقل گردند و نهادهای انقلاب اسلامی، تابع احکام مقرر در قانون مذکور خواهند بود.»

جدید پردیس، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید اندیشه، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید بینالود، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید رامین، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید صدر، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید علوی، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید فولادشهر، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید مجلسی، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید بهارستان و اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید تیس. ظاهراً این اساسنامه‌ها هفده مورد بوده است. آقایان، آن اساسنامه‌ها همه عبارت‌هایشان عین همان اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید رامشار است؛ فقط تنها تفاوتی که هست، میزان سرمایه‌ها است که در هر مورد متفاوت است. اگر آقایان این اساسنامه‌ها را خلاف می‌دانند، اعلام بفرمایند. با توجه به اینکه آن یکی [=اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید رامشار] را خلاف ندانستیم، همه‌ی این شانزده تا اساسنامه‌ی دیگر هم مورد تأیید است؛ یعنی مورد ایراد قرار نگرفت.^۱

۱. نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان در خصوص هفده اساسنامه مربوط به شرکت عمران شهرهای جدید*؛ «عطف به نامه شماره مورخ ۱۳۹۳/۳/۴، اساسنامه‌ی شرکت عمران شهر جدید ..، مصوب جلسه مورخ سوم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.» * با توجه به یکسان بودن نظر شورای نگهبان نسبت به مفاد اساسنامه‌های هفده‌گانه مربوط به شرکت عمران شهرهای جدید مصوب ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران، در اینجا صرفاً متن نظر شورا در خصوص این اساسنامه‌ها، بدون ذکر عنوان اساسنامه، شماره مصوبه‌ی هیئت وزیران و شماره‌ی نظر شورای نگهبان ذکر شده است. اطلاعات مربوط به شماره نامه‌های مزبور، در شناسنامه‌ی ابتدایی که در ابتدای مشروح مذاکرات مربوط به این مصوبه آمده، ذکر شده است.